



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

فرمانگہ نامہ اذاذات

محمدی ری شیہری

باہنگاری

عبدالہادی مسعودی

مترجم

محمد رضا شیبلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ نامه اذان

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	فرهنگ نامه اذان
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۰	پیش گفتار
۱۱	درآمد
۱۱	واژه شناسی اذان
۱۱	اذان ، در قرآن و حدیث
۱۱	۱ . آغاز تشریح اذان
۱۲	۲ . حکمت اذان
۱۲	الف حکمت فردی
۱۲	ب حکمت اجتماعی، سیاسی
۱۳	۳ . چگونگی اذان
۱۳	۴ . تفسیر حقیقت اذان
۱۳	۵ . ارزش اذان و مؤذن
۱۳	۶ . حق مؤذن
۱۴	۷ . برکات اذان
۱۴	۸ . آداب اذان
۱۵	۹ . اذان زنده در عصر حاضر
۱۵	فصل یکم : تشریح اذان
۱۵	۱ / ۱ چگونگی تشریح اذان
۱۸	۲ / ۱ رَدّ برخی روایات درباره چگونگی تشریح اذان
۲۱	پژوهشی درباره چگونگی تشریح اذان
۲۱	یک . روایاتی که منشأ اذان را وحی نمی دانند

۲۱	۱ . سنن أبي داوود :
۲۲	۲ . سنن أبي داوود :
۲۲	۳ . سنن ابن ماجه :
۲۲	۴ . سنن ابن ماجه :
۲۳	۵ . سنن الترمذی :
۲۴	دو . نقد و تحليل .
۲۴	۱ . ناسازگاری با مقام نبوت .
۲۴	۲ . منافات داشتن با حکمت اذان .
۲۴	۳ . تکذيب به وسيله اهل بيت عليهم السلام .
۲۵	۴ . ديگر دلايل .
۲۶	سه . انگيزه جعل «حديث عبد الله بن زيد» .
۲۸	۱ / ۳ حکمت تشريع اذان .
۲۹	فصل دوم : بندهای اذان .
۳۱	پژوهشی درباره بندهای اذان .
۳۱	یک . «لصلاة خير من النوم» در اذان صبح .
۳۵	دو . «حتى على خير العمل» در اذان و اقامه .
۳۶	سه . شهادت سوم در اذان و اقامه .
۴۰	فصل سوم: تفسير اذان .
۴۵	فصل چهارم: ارزش اذان و مؤذن .
۴۵	۴ / ۱ فضيلت اذان .
۴۷	۴ / ۲ ای کاش مردم ، فضيلت اذان را می دانستند! .
۴۸	۴ / ۳ فضيلت مؤذن .
۴۸	الف دعوتگر به خدا .
۴۸	ب ستون خدا .
۴۹	ج امانتداران اهل ايمان .
۴۹	د دست خدا بر سر اوست .

ه هر تر و خشکی ، او را تصدیق می کند	۴۹
و به اندازه صدازس او ، گناهانش آمرزیده می شود	۴۹
ز بهشت بر او واجب می شود	۵۰
ح بدنش در قبر متلاشی نمی شود	۵۱
ط در حال اذان گفتن ، محشور می شود	۵۲
ی سرفرازترین مردم در روز قیامت	۵۲
ک مؤذن ، با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان است	۵۳
ل گوناگون	۵۳
۴ / ۴ حق مؤذن	۵۴
فصل پنجم: برکات اذان	۵۵
۱ / ۵ رانده شدن شیطان	۵۵
۲ / ۵ پذیرفته شدن دعا	۵۶
۳ / ۵ در امان خداوند بودن	۵۶
۴ / ۵ دفع بیماری	۵۶
۵ / ۵ درمان بداخلاقی	۵۶
۶ / ۵ دفع وحشت	۵۷
فصل ششم: آداب اذان	۵۷
۱ / ۶ افراد شایسته برای اذان گفتن	۵۷
۲ / ۶ مهم ترین نکاتی که مؤذن باید رعایت کند	۵۸
الف طهارت	۵۸
ب بلند کردن صدا	۵۸
ج رعایت تجوید	۵۸
د پرهیز از آوازه خوانی	۵۹
ه ترتیل	۵۹
و صلوات فرستادن بر پیامبر ، پس از ذکر نام ایشان	۶۰
ز سخن نگفتن	۶۰

۶۰	ح کاسبی نکردن با اذان
۶۰	ط فاصله انداختن میان اذان و اقامه
۶۱	ی دعا کردن پس از پایان اذان
۶۲	ک سجده کردن میان اذان و اقامه
۶۲	۳ / ۶ مهم ترین نکاتی که شنونده اذان باید رعایت کند
۶۲	الف بازگو کردن گفته های مؤذن
۶۴	ب دعا کردن
۶۶	ج ذکر گفتن
۶۷	د صلوات فرستادن بر پیامبر و دعا کردن برای ایشان
۶۸	ه اجابت کردن دعوت مؤذن
۷۰	و خارج نشدن از مسجد با شنیدن اذان
۷۰	۴ / ۶ آداب ساختن مناره
۷۱	فصل هفتم : اذان گوهای پیامبر خدا
۷۱	۱ / ۷ سرور اذان گوینان
۷۶	۲ / ۷ گزارش هایی درباره شمار مؤذنان پیامبر خدا
۷۶	الف پیامبر ، یک مؤذن داشته است
۷۶	ب پیامبر ، دو مؤذن داشته است
۷۷	ج پیامبر ، سه مؤذن داشته است
۷۸	سخنی درباره تعداد اذان گوینان پیامبر خدا
۷۹	درباره مرکز

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه اذان/ محمد ری شهری، با همکاری عبدالهادی مسعودی؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۸۸ص؛ ۲۰×۱۱ س م.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۱۰۶.

شابک : ۷۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۴۹۳-۱۵۱-۳

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۴ (۱۱۵ ص).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : اذان و اقامه -- احادیث

موضوع : احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۴۳ -

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -، مترجم

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/۳م۳ف۴ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۹۸۹۹۶

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار فرهنگ نامه، کتابی است که در آن، دانش، فرهنگ (۱) و حکمت باشد. فرهنگ نامه اذان، قطره ای دیگر از دریای بیکران علوم و معارف ناب اسلامی و مدخلی (۲) دیگر از دانش نامه میزان الحکمه است که به صورت مستقل، منتشر می‌شود. در این دانش نامه، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در قرآن و احادیث، کاربرد فرهنگی گسترده ای دارند، به ترتیب الفبایی، با نظمی نوین و با ذکر نمونه کاربردها (شواهد)، معناشناسی و تحلیل و تبیین می‌گردند. در لابه لای این دانش نامه، برخی مدخل‌ها، از کاربرد فرهنگی ویژه و بسامد استفاده بالایی برخوردارند. بدین معنا که عموم مسلمانان و یا گروه‌های خاصی از آنان، به صورت شبانه روزی و گسترده، با آنها، سر و کار دارند. از این رو، به منظور تصحیح و تقویت فرهنگ عمومی جوامع اسلامی، ضروری است معارف مربوط به این گونه واژه‌ها و اصطلاحات، به صورت کتاب همراه، و کتاب راهنما، در اختیار همگان قرار گیرد. با این نگاه، مدخل‌هایی از این دست که گفتیم، به صورت

۱-.. فرهنگ: علم؛ دانش؛ ادب؛ تربیت؛ پدیده کلی پیچیده ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است. (ر. ک: لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن)

۲-.. در دانش نامه‌ها، به هر واژه اصلی که توضیحی (مقاله ای) در ذیل خود دارد، «سرواژه» یا «مدخل» می‌گویند. به مجموع سرواژه و توضیح، بر روی هم، نیز «مدخل» گفته می‌شود (ر. ک: فرهنگ بزرگ سخن)

ص: ۶

کتاب‌هایی مستقل و در اندازه‌هایی که حمل و مطالعه آن آسان باشد، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرند. گفتنی است که در این سلسله آثار، برای آنچه مربوط به رفتار یا احوال خاص است (مانند: ادب، اذان، شادی و آرزو)، نام «فرهنگ نامه» و برای آنچه مربوط به گروه‌های اجتماعی (مانند: بسیجیان، جوانان و کودکان) می‌شود و یا آموزه‌های حکیمانه پیشوایان بزرگ اسلام یا حکمای بزرگ الهی (چون لقمان حکیم) را ارائه می‌نماید، نام «حکمت نامه» را برگزیدیم.

فرهنگ نامه اذان ، دومین کتاب از مجموعه فرهنگ نامه هایی است که با هدف تصحیح و تقویت فرهنگ ارزش های رفتاری ارائه می گردد . در این فرهنگ نامه ، مسایل مهمی ، مانند : آغاز تشریح اذان ، اهمیت گسترش فرهنگ اذان ، حکمت ها و پیام های فردی و اجتماعی و سیاسی اذان ، و آثار و برکات اذان ، چگونگی اذان و تفسیر باطن آن ، ارزش اذان گو و حق مؤذن ، و اذان زنده در عصر حاضر ، مورد بررسی قرار خواهد گرفت . گفتنی است که در تهیه و تدوین این مجموعه ، از همکاری فاضل ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی بهره بردم . از ایشان و دیگر همکارانی که در « پژوهشکده علوم و معارف حدیث » ، در ساماندهی این اثر سهیم هستند ، بویژه مترجم گرانقدر آن ، جناب آقای حمید رضاشیخی که با ترجمه زیبا و دقیق خود ، فهم آیات و روایات این فرهنگ نامه را برای پارسی زبانان میسر ساخت صمیمانه سپاس گزارم و از خداوند منان ، پاداشی در خور فضل و کرامت خود ، برای آنان مسئلت دارم . رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا؛ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . محمد محمدی ری شهری ۱۲ مهر ماه ۱۳۸۴ ۲۹ شعبان ۱۴۲۶

ص: ۷

درآمد

واژه شناسی اذان

اذان ، در قرآن و حدیث

درآمدواژه شناسی اذاناذان ، اسم مصدر از ریشه «أذن» به معنای آگاهی ، و آگاهی دادن است . ابن فارس در معنای این واژه می گوید : أذن (همزه و ذال و نون) ، دو اصل اند که در معنا به هم نزدیک اند و در لفظ ، از هم دور . یکی از آن دو ، به معنای گوش است و دیگری به معنای آگاهی و آگاه ساختن . عرب می گوید : «قد أذنتُ بهذا الأمر» یعنی از آن آگاه شدم . و می گوید : «و آذنتی فلان» یعنی فلانی مرا آگاه ساخت ... و از همین معناست «اذان» که اسم از «تأذین» (از باب تفعیل) است ، چنان که «عذاب» اسم از «تعذیب» است . (۱)

اذان ، در قرآن و حدیث در قرآن ، واژه «أذن» و برگرفته های ماده «أذن» ، در همان معنای لغوی استعمال شده اند ، مانند : «وَأَذِّنْ لِلَّهِ وَاللَّهُ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ . ۲

۱- .. معجم مقاییس اللغة : ج ۱ ص ۷۵ .

ص: ۸

۱ . آغاز تشریح اذان

و [این،] اعلامی از جانب خدا و پیامبر او به مردم در روز حج اکبر است ...». «ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أُتِيهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسِرْقُونَ . (۱) سپس بانگ زننده ای ، بانگ زد که : «ای کاروانیان! شما سارق هستید» . «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ . (۲) و بانگ زننده ای از میانشان بانگ زد که : «لعنت خدا بر ستمگران باد!». نکته قابل توجه ، این که : در قرآن ، واژه «اذان» در معنای مصطلح آن ، یعنی اذکار ویژه ای که در اسلام برای اعلام وقت نماز تشریح شده است ، به کار نرفته است و تنها یک بار ، با جمله «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ ؛ (۳) هر گاه برای نماز ... ندا داده شد» به این معنا اشاره شده است . به عکس ، در احادیث اسلامی بر اساس جستجویی که به طور اجمالی انجام گرفت کلمه «اذان» ، تنها در معنای مصطلح آن ، کار برد دارد ؛ معنایی که هم اکنون موضوع تحقیق و بررسی است . اینک ، اشاره ای کوتاه به آنچه در فصل های آینده خواهد آمد :

۱ . آغاز تشریح اذنانخستین نکته مهمی که درباره این سنت مهم اسلامی ، قابل توجه است ،

۱- .. یوسف : آیه ۷۰ .

۲- .. اعراف : آیه ۴۴ .

۳- .. جمعه : آیه ۹ .

ص: ۹

۲ . حکمت اذان

الف حکمت فردی

ب حکمت اجتماعی، سیاسی

نقد احادیثی است که تشریح اذان را بر اساس رؤیای عبد الله بن زید بن عاصم ذکر می کنند . برای این منظور ، ما ابتدا احادیث قابل قبول درباره خاستگاه تشریح اذان را می آوریم ، سپس به نقل احادیثی می پردازیم که در آن ، اهل بیت علیهم السلام ، استناد آغاز اذان به رؤیای عبد الله بن زید را به شدت رد کرده اند و در ادامه در یک تحلیل دقیق علمی ، بی پایه بودن روایات رؤیا را اثبات می نمایم .

۲ . حکمت اذاندرباره حکمت تشریح اذان ، نکات متعددی ذکر شده است که همگی در واقع ، به دو نکته اصلی باز می گردند :

الف حکمت فردیاذان ، اعلام وقت نماز و دعوت یکایک مسلمانان به بهترین کار ، یعنی ارتباط با خدای بی نیاز برای رسیدن به رستگاری و کامیابی مطلق است .

ب حکمت اجتماعی ، سیاسیاذان ، علاوه بر یادآوری وظیفه فردی ، یک شعار سیاسی اجتماعی نیز هست . کلام امام رضا علیه

السلام «مُجَاهِرًا بِالْإِيمَانِ ، مُعَلِّنًا بِالْإِسْلَامِ ؛ (۱) آشکارکننده ایمان و علنی سازنده اسلام است» در تبیین فلسفه تشریح اذان ، اشاره به این نکته مهم است که تنها ، ارتباط پنهانی و فردی با خدا ، کافی نیست و در جوامع اسلامی ، در هر شب و روز ، باید شعار توحید و نفی شرک و دعوت به ارزش های دینی با صدای بلند تکرار شود . تکرار این شعار ، نه تنها زمینه

۱- .. کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۹۱۴ .

ص: ۱۰

۳. چگونگی اذان

۴. تفسیر حقیقت اذان

۵. ارزش اذان و مؤذن

را برای تداوم حاکمیت اسلام در جوامع اسلامی فراهم می کند ، بلکه در کنار استقرار ارزش های دینی ، می تواند موجب انتقال این فرهنگ به سایر جوامع گردد .

۳. چگونگی اذانیکی از مسائل مهم در مبحث تشریح اذان ، چگونگی اذان و تعداد بندهای آن است که در فصل دوم بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام به آن پرداخته ایم و در ادامه توضیح داده ایم که چگونه پس از پیامبر اسلام ، برخی از بندهای آن ، تغییر کرد .

۴. تفسیر حقیقت اذانبندهای نورانی اذان را دو گونه می توان تفسیر کرد : یکی تفسیر ظاهر آن ، و دیگری تفسیر باطن (حقیقت) آن . فصل سوم ، اختصاص به احادیثی دارد که نکات مهمی را در مورد تبیین حقیقت اذان مطرح کرده اند . توجه به این نکات ، بخصوص در هنگام نماز ، اهمیت فراوانی برای اهل مراقبت دارد و به نمازگزار ، آمادگی بیشتری برای برخورداری از برکات این فریضه مهم می دهد .

۵. ارزش اذان و مؤذنان منظر احادیث اسلامی ، اذان ، چراغی است که به دل ها نور می دهد ، جان ها را به آسایش و آرامش در سایه ذکر خدا دعوت می کند و فرشتگان آسمان ها به این فریاد روح افزا گوش فرا می دهند و برای امت محمد صلی الله علیه و آله استغفار می کنند . اذان ، فرشتگان را در صفوف بلندی که شرق و غرب جهان را در

ص: ۱۱

۶. حق مؤذن

می نوردند و گاه ، میان زمین و آسمان را پر می کنند ، همراه نمازگزار می سازد. و برای مؤذن ، این فضیلت بس که همچون پیامبران ، مردم را به خدا فرا می خواند و امین امت اسلامی است ، دست خدای مهربان را بر سر دارد و هنگامی که به یگانگی او شهادت می دهد ، هر تر و خشکی در جهان ، او را تصدیق می کند . اذان ، یکی از اسباب بزرگ شناخت خداوند است و بهشت را برای مؤذن ، واجب می گرداند. مؤذن ، در قبر نمی پوسد و در قیامت ، در حال اذان گفتن ، از قبر خارج می گردد و سرفراز در صحنه قیامت همراه با پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان محشور می گردد ... باری ، گفتن اذان ، به قدری فضیلت دارد که اگر مردم ، دیده برزخی داشته باشند و آثار و برکات معنوی آن را ببینند ، برای درک فضیلت آن ، اختلاف پیش خواهد آمد ؛ اما با این همه چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله پیش بینی نموده است در تاریخ اسلام ، غالباً ، جز افراد طبقه محروم ، کسی متصدی این مسئولیت نشده است ، آن گونه که بلال ، مؤذن پیامبر خدا ، بزرگ آنان شمرده می شود .

۶ . حق مؤذن مؤذن ، به دلیل آن که یادآور خداوند متعال و خدمت گزار جامعه اسلامی در برپایی فریضه الهی است ، از حق ویژه ای برخوردار است و سپاس گزاری از او لازم است .

ص: ۱۲

۷ . برکات اذان

۸ . آداب اذان

۷ . برکات اذانبی تردید ، حکمت اصلی در تشریح اذان ، همان است که در بند ۲ ملاحظه شد ؛ اما در کنار آن ، آثار و برکات فراوانی وجود دارد که در فصل پنجم خواهد آمد . یکی از مهم ترین برکات آن که در احادیث بسیاری مورد تأکید است دور کردن شیطان از انسان است و از این رو ، بر گفتن اذان در گوش نوزاد ، توصیه و تأکید شده است .

۸ . آداب اذاناآداب اذان ، به چهار دسته تقسیم می شود: دسته اول . آداب انتخاب مؤذن که باید از میان کسانی انتخاب شود که از نظر دینداری ، اخلاق و نیز فصاحت و زیبایی صدا ، شایستگی لازم را داشته باشند. دسته دوم . آدابی که مؤذن باید هنگام گفتن اذان رعایت کند ، مانند : طهارت ، بلند کردن صدا ، رعایت تجوید و ترتیل ، فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام شهادت بر رسالت او ، فاصله انداختن میان اذان و اقامه ، خواندن دعای مأثور (رسیده از اهل بیت علیهم السلام) پس از پایان آن ، سجود میان اذان و اقامه ، اجتناب از آوازه خوانی در اذان گفتن ، سخن گفتن در میان آن و اجرت گرفتن برای آن . دسته سوم . آدابی که شنونده اذان باید آنها رعایت کند ، مانند : تکرار آنچه مؤذن می گوید ، خواندن دعا و گفتن ذکر و فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، پاسخگویی به مؤذن و حاضر شدن در نماز جماعت اگر خارج از مسجد است و خارج نشدن از مسجد اگر داخل آن است .

ص: ۱۳

۹. اذان زنده در عصر حاضر

دسته چهارم. آدابی که برای ساختن مأذنه در احادیث اسلامی ذکر شده است و آن، این است که محل اذان، نباید به گونه ای بلند باشد که موجب سلب آسایش از همسایگان مسجد گردد. از این رو، در روایتی آمده است که امیر مؤمنان، هنگامی که به مناره بلندی برخورد کرد، دستور داد که آن را خراب کنند و فرمود که مناره مسجد نباید از سطح بام مسجد، بلندتر باشد. نیز در روایت دیگری آمده است که هنگامی که امام مهدی (عج) ظهور کند، دستور می دهد مناره ها را خراب کنند. البته همان طور که اشاره شد، این دستور، مربوط به مواردی است که موجب تضییع حقوق دیگران باشد.

۹. اذان زنده در عصر حاضر آنچه در احادیث اسلامی درباره تشریح، حکمت، تفسیر، فضیلت و برکات اذان آمده است، به روشنی نشان می دهد که همه این موارد، مربوط به اذان زنده است، نه اذانی که از ضبط صوت و یا به صورت غیر زنده از صدا و سیما پخش می شود. بنا بر این، پخش اذان از صدا و سیما، گرچه لازم است، اما بی تردید، خلأ اذان زنده را نمی تواند پر کند. از این رو، برنامه ریزی برای پخش اذان زنده بخصوص در مساجد و مراکز دینی برای بهره گیری از برکات فراوان این سنت بزرگ اسلامی، ضروری است.

ص: ۱۴

فصل یکم: تشریح اذان

۱ / ۱ چگونه تشریح اذان

فصل یکم: تشریح اذان ۱ / چگونه تشریح اذانقرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه برای نماز روز جمعه ندا داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را وا گذارید. این برای شما بهتر است، اگر بدانید». (۱)

حدیث* وعن رسول الله صلى الله عليه و آله: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: نخستین کسی که در آسمان اذان گفت، جبرئیل علیه السلام بود. (۲)* وعن أبي عبد الله عليه السلام: امام علي عليه السلام: در شبی که پیامبر خدا به معراج برده شد، اذان به او آموخته شد و نماز بر او واجب گردید. (۳)

۱- .. جمعه: آیه ۹.

۲- .. المطالب العالیه: ج ۱ ص ۶۳ ح ۲۲۴.

۳- .. كتر العمال: ج ۱۲ ص ۳۵۰ ح ۳۵۳۵۴.

* وعن أمير المؤمنين عليه السلام: امام علي عليه السلام: چون آموختن اذان به پیامبر خدا آغاز گردید ، جبرئیل علیه السلام براق (۱) را آورد . براق در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله چموشی کرد . جبرئیل علیه السلام به او گفت : «آرام بگیر ، ای براق ؛ زیرا [تاکنون] کسی بر تو سوار نشده که نزد خداوند ، گرامی تر از ایشان باشد» . پس براق ، آرام گرفت .

پیامبر خدا فرمود : «بر براق نشستم تا به حجابی رسیدم که خدای رحمان ، پروردگار ما عز و جل ، در پس آن بود . (۲) در این هنگام ، فرشته ای از پس حجاب در آمد و گفت : الله أكبر ، الله أكبر .

گفتم : ای جبرئیل! این فرشته ارجمند کیست؟

جبرئیل علیه السلام گفت : سوگند به آن که تو را به نبوت مفتخر ساخت ، تا پیش از این لحظه این فرشته را ندیده بودم !
فرشته گفت : الله أكبر ، الله أكبر .

از پس حجاب ، ندا آمد : بنده ام راست می گوید . من بزرگ ترم ، من بزرگ ترم» .

پیامبر خدا فرمود : «آن فرشته گفت : أشهد أن لا إله إلا الله ، أشهد أن لا إله إلا الله .

از پس حجاب ، ندا آمد : بنده ام راست می گوید . الله ، منم و معبودی [راستین] ، جز من نیست» . .

۱- .. براق ، حیوانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله با آن به معراج رفت و کوچک تر از قاطر و بزرگ تر از الاغ بود (مجمع البحرين : ماده «برق») .

۲- .. اشاره به موقعیتی ویژه از قرب الهی است ، و گرنه خداوند متعال مکان ندارد و بیرون از مکان و زمان است .

ص: ۱۶

* وعن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرشته گفت : أشهد أن محمدا رسول الله ، أشهد أن محمدا رسول الله .

از پس حجاب ، ندا آمد : بنده ام راست می گوید . من ، محمد را به پیامبری فرستادم» .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرشته گفت : حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ .

از پس حجاب ، ندا آمد : بنده ام راست می گوید و او (محمد) به عبادت من ، دعوت کرد» .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرشته گفت : حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ .

از پس حجاب ، ندا آمد : بنده ام راست می گوید ، و او (محمد) به عبادت من ، دعوت کرد» .

- ۱- .. الكافی: ج ۳ ص ۳۰۲ ح ۱، تهذیب الأحكام: ج ۲ ص ۶۰ ح ۲۱۰.
- ۲- .. تهذیب الأحكام: ج ۲ ص ۶۰ ح ۲۱۰، الكافی: ج ۳ ص ۳۰۲ ح ۱.

ص: ۱۸

* وعن علی بن الحسین علیهما السلام: امام صادق علیه السلام: چون پیامبر خدا به معراج برده شد و وقت نماز فرا رسید، جبرئیل علیه السلام اذان گفت. چون گفت: «الله أكبر، الله أكبر»، فرشتگان گفتند: الله أكبر، الله أكبر.

چون گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله»، فرشتگان گفتند: شریکان را کنار زد.

چون گفت: «أشهد أن محمداً رسول الله»، فرشتگان گفتند: [همان] پیامبری که برانگیخته شد.

چون گفت: «حیّ علی الصلاه»، فرشتگان گفتند: به عبادت پروردگارش ترغیب کرد.

چون گفت: «حیّ علی الفلاح»، فرشتگان گفتند: کسی که از او پیروی کرد، رستگار شد. (۱)* ومنه عن الرضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام: زمانی که جبرئیل علیه السلام اذان را بر پیامبر خدا فرود آورد، سر ایشان در دامن علی علیه السلام بود. پس، جبرئیل علیه السلام اذان و اقامه گفت. چون پیامبر خدا بیدار شد، فرمود: «ای علی! شنیدی؟».

گفت: آری.

فرمود: «حفظ کردی؟».

گفت: آری.

فرمود: «بلال را صدا بزن و آن را به او بیاموز».

پس، علی علیه السلام بلال را فرا خواند و اذان را به او تعلیم داد. (۲)* وعن زوجه أوس بن الصامت: تذكره الحُفَافَ به نقل از عكرمه بن عباس (۳): اذان به همراه وجوب نماز،.

۱- .. کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۸۱ ح ۸۶۴، معانی الأخبار: ص ۳۸۷ ح ۲۱.

۲- .. الكافی: ج ۳ ص ۳۰۲ ح ۲، تهذیب الأحكام: ج ۲ ص ۲۷۷ ح ۱۰۹۹.

۳- .. در مأخذ، این گونه آمده است؛ ولی چنین به نظر می رسد که تصحیف، صورت گرفته و درست آن، چنین است: «به نقل از عكرمه، از ابن عباس». عكرمه، وابسته ابن عباس است.

ص: ۱۹

* وعن زوجه أوس بن الصامت: بر پیامبر خدا نازل شد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه برای نماز روز جمعه ندا داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید». (۱) * ومنه عن معاوية لعبد الله بن عمرو: صحيح البخاری به نقل از آنس: مسلمانان، چون زیاد شدند، صحبت از این به میان آوردند که برای اطلاع از فرا رسیدن وقت نماز، نشانه ای قرار دهند و گفتند که آتشی برافروزند، یا ناقوسی به صدا در آورند؛ اما بلال، مأمور شد که [بندهای] اذان را دو بار دو بار بگوید و [بندهای] اقامه را تک تک بگوید. (۲) ۱ / ۲ ردّ برخی روایات درباره چگونگی تشریح اذان * وعن أبي جعفر عليه السلام لخَيْثَمَة: المستدرک علی الصحیحین به نقل از سفیان بن لیل: چون فرجام کار حسن بن علی علیه السلامو معاویه به آن جا رسید که رسید (پیمان صلح بسته شد)، در مدینه بر آن امام وارد شدم، در حالی که میان یارانش نشسته بود ... در حضور ایشان از اذان، سخن به میان آوردیم.

یکی از ما گفت: آغاز اذان، خوابی بود که عبد الله بن زید بن عاصم دیده بود.

حسن بن علی علیه السلام فرمود: «شأن اذان، بالاتر از این چیزهاست! اذان را جبرئیل علیه السلامدر آسمان گفت و هر جمله [ی آن را] دو بار گفت و آن را به پیامبر خدا تعلیم داد، و اقامه را، هر جمله [ی آن را] یک بار گفت و آن را نیز به پیامبر خدا آموخت». (۳)

۱- .. تذکره الحفظ: ج ۳ ص ۸۰۰، فتح الباری: ج ۲ ص ۷۸، الدرّ المنثور: ج ۸ ص ۱۵۹.

۲- .. صحيح البخاری: ج ۱ ص ۲۲۰ ح ۵۸۱، صحيح مسلم: ج ۱ ص ۲۸۶ ح ۳.

۳- .. المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۱۸۷ ح ۴۷۹۸.

ص: ۲۰

* وعنہ صلی الله علیه و آله فی الجمعة: امام حسین علیه السلام در پاسخ به سؤال از اذان و حرف هایی که مردم درباره آن می زدند: وحی بر پیامبر شما نازل می شود و با این حال، شما می گوئید که اذان را از عبد الله بن زید گرفت؟! هرگز! از پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرماید: «خداوند، زمانی که پیامبر خدا را به معراج برد، فرشته ای را فرو فرستاد و او دو به دو اذان گفت و یک به یک اقامه. سپس جبرئیل علیه السلام به او گفت: ای محمد! این گونه است اذان (اعلام وقت) نماز». (۱) * وعن رسول الله صلی الله علیه و آله: الذکری به نقل از ابن ابی عقیل: امام صادق علیه السلام، آن عده ای را که می گویند پیامبر صلی الله علیه و آله اذان را از عبد الله بن زید آموخت، لعنت کرد. سپس فرمود: «وحی بر پیامبر شما نازل می شود و شما می گوئید که او اذان را از عبد الله بن زید فرا گرفت؟!». (۲) فرسخ: عن أبي عبد الله عليه السلام: تفسير العیاشی به نقل از عبد الصمد بن بشیر: نزد امام صادق علیه السلام چگونگی [تشریح] اذان، سخن به میان آمد. عبد الصمد گفت: مردی از انصار، [کیفیت] اذان را در خوابش دید و آن را برای پیامبر خدا باز گفت و پیامبر خدا به او دستور داد که آن را به بلال یاد دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «دروغ می گویند! پیامبر خدا در سایه کعبه خواب بود که جبرئیل علیه السلام با تاسی که در آن ، آبی از بهشت بود ، نزد او آمد و بیدارش کرد و دستور داد با آن آب ، غسل کند . آن گاه ، پیامبر صلی الله علیه و آله در محملی که آن را هزار هزار رنگ از نور بود ، گذاشته شد و سپس بالایش بردند تا این که به درهای آسمان رسید ... و تا آن که به آسمان هفتم در آمد . او به سِدْرَةُ الْمُنتَهَى رسید .

سِدْره [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت: پیش از تو، هیچ مخلوقی از من نگذشته است. .

۱- .. الجعفریات : ص ۴۲ ، دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۱۴۲ .

۲- .. ذکری الشیعه : ص ۱۶۸ ، بحار الأنوار : ج ۸۴ ص ۱۲۲ .

ص: ۲۱

فرسخ : عن أبي عبد الله عليه السلام : سِيس [پیامبر صلی الله علیه و آله] عبور کرد و نزدیک و نزدیک تر شد تا [فاصله اش] به اندازه [فاصله] دو سر کمان یا کمتر گردید . آن گاه خداوند به بنده اش وحی کرد ، آنچه را که وحی کرد ...» .

[امام صادق علیه السلام] فرمود : «پس خداوند ، پیامبران و رسولان و فرشتگان را نزد او گرد آورد . آن گاه به جبرئیل علیه السلام فرمان داد و او برای نماز ، اذان و اقامه گفت و پیامبر خدا جلو رفت و با آنان نماز خواند . چون نمازش تمام شد ، رو به آنان کرد . خداوند به او فرمود : و از کسانی که پیش از تو ، کتاب [آسمانی] می خواندند ، بپرس . قطعاً حق ، از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است . پس ، زنهار و از تردیدکنندگان مباش . و در آن روز ، پیامبر صلی الله علیه و آله از آنان پرسید» .

امام صادق علیه السلام فرمود : «این ، آغاز [تشریح] اذان بوده است» . (۱) * وفي زينب عليها السلام : الكافي به نقل از ابن اُذینه : امام صادق علیه السلام فرمود : «این ناصبی ها چه روایت می کنند؟» .

گفتم : ... آنها می گویند : اَبِي بن كعب ، آن [نحوه اذان گفتن] را در خواب دیده است .

فرمود : «دروغ می گویند ! دین خداوند عز و جل ، ارجمندتر از آن است که در خواب دیده شود» .

سَدِير صِيفِي گفت : فدایت شوم ! پس شما درباره آن برای ما سخنی بگویید .

امام صادق علیه السلام فرمود : «خداوند عز و جل چون پیامبرش را به آسمان های هفتگانه برد ... ، جبرئیل علیه السلام گفت : الله أكبر ، الله أكبر ...» . (۲) .

۱- .. تفسير العياشي : ج ۱ ص ۱۵۷ ح ۵۳۰ ، بحار الأنوار : ج ۸۴ ص ۱۱۹ ح ۱۹ .

۲- .. الكافي : ج ۳ ص ۴۸۲ ح ۱ ، علل الشرايع : ص ۳۱۲ ح ۱ .

به من خبر ندادی؟». گفت: قبل از من، عبد الله بن زید، خیرش را داد و من دیگر شرم کردم. پیامبر خدا فرمود: «ای بلال! برخیز و بین که عبد الله بن زید به تو چه فرمان می دهد؛ همان کار را بکن». پس، بلال اذان گفت. ابو بشر می گوید: ابو عمیر به من خبر داد که انصار می گویند که اگر در آن روز، عبد الله بن زید بیمار نبود، حتما پیامبر خدا او را مؤذن قرار می داد. (۱)

۱- .. سنن أبی داوود: ج ۱ ص ۱۳۴ ح ۴۹۸، السنن الکبری: ج ۱ ص ۵۷۴ ح ۱۸۳۴.

ص: ۲۴

۲. سنن أبی داوود:

۲. سنن أبی داوود: محمّد بن منصور طوسی آورده است که: حدیث کرد ما را یعقوب، حدیث کرد ما را پدرم از محمّد بن اسحاق، حدیث کرد مرا محمّد بن ابراهیم بن حارث تیمی از محمّد بن عبد الله بن زید بن عبد ربّه که: عبد الله بن زید به من گفت: چون پیامبر خدا دستور داد که ناقوسی بسازند تا برای جمع شدن مردم به نماز، ناقوس بزنند، من در عالم رؤیا مردی را دیدم که گرد من می گردد و ناقوسی در دست اوست. گفتم: ای بنده خدا! ناقوس را می فروشی؟ گفت: با آن چه می کنی؟ گفتم: با آن به نماز فرا می خوانیم. گفت: آیا به چیزی بهتر از این، راهنمایی ات نکنم؟ گفتم: چرا. گفت: می گویی: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر. أشهد أن لا إله إلا الله. أشهد أن لا إله إلا الله. أشهد أن محمدا رسول الله، أشهد أن محمدا رسول الله. حى على الصلاة، حى على الصلاة. حى على الفلاح، حى على الفلاح. الله أكبر، الله أكبر. لا إله إلا الله». سپس کمی از من فاصله گرفت و گفت: هر گاه خواستی نماز را به پا داری، [این چنین اقامه] می گویی: «الله أكبر، الله أكبر. أشهد أن لا إله إلا الله. أشهد أن محمدا رسول الله. حى على الصلاة. حى على الفلاح. قد قامت الصلاة، قد قامت الصلاة. الله أكبر، الله أكبر. لا إله إلا الله». صبح که شد، نزد پیامبر خدا آمدم و آنچه را در خواب دیده بودم، به ایشان گفتم. فرمود: «رؤیای صادقی است، إن شاء الله. به همراه بلال، برخیز و آنچه را در خواب دیده ای، به او بگو تا او به آن، اذان بگوید؛ چون او صدایش از تو رساتر است». من با بلال برخاستم و من به او می گفتم و او آنها را اعلام می کرد (اذان می گفت). عمر بن خطاب، در خانه اش صدای او را شنید. در حالی که ردایش را می کشید، [با عجله

ص: ۲۵

۳. سنن ابن ماجه:

۴. سنن ابن ماجه:

و سراسیمه [بیرون آمد و می گفت: ای پیامبر خدا! سو گنند به آن که تو را به حق برانگیخت، من نیز چنین خوابی دیده ام.

۳. سنن ابن ماجه: ابو عبید محمد بن عبید بن میمون مدنی آورده است که: حدیث کرد ما را محمد بن سلمه حرّانی، حدیث کرد ما را محمد بن اسحاق، حدیث کرد ما را محمد بن ابراهیم تیمی از محمد بن عبد الله بن زید از پدرش که: پیامبر خدا دستور داد که شیپور و ناقوسی بسازند. عبد الله بن زید، خوابی دید. او می گوید: مردی را دیدم که دو جامه سبزرنگ پوشیده بود و ناقوسی با خود داشت. به او گفتم: ای بنده خدا! ناقوس را می فروشی؟ گفت: با آن چه می کنی؟ گفتم: با آن به نماز فرا می خوانم. گفت: آیا تو را به چیزی بهتر، راهنمایی نکنم؟ گفتم: آن چیست؟ گفت: می گویی: «الله أكبر، الله أكبر...». (۲)

۴. سنن ابن ماجه: محمد بن خالد بن عبد الله واسطی، آورده است که: حدیث کرد ما را پدرم، از عبد الرحمان بن اسحاق، از زهری، از سالم، از پدرش که: پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم درباره چیزی که آنها را به نماز فرا خواند، مشورت کرد. آنان شیپور را پیشنهاد کردند؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نپسندید؛ چون برای یهود بود. ناقوس را پیشنهاد دادند. آن را نیز به خاطر این که برای نصارا بود، نپسندید. در همان شب، مردی از انصار به نام عبد الله بن زید

۱-.. سنن ابی داوود: ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۴۹۹، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۵۴۰ ح ۱۶۴۷۸.

۲-.. سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۲۳۲ ح ۷۰۶، کنز العمال: ج ۸ ص ۳۳۰ ح ۲۳۱۴۱.

۵. سنن الترمذی:

و نیز عمر بن خطاب، اذان را در خواب دیدند. مرد انصاری، شبانه نزد پیامبر خدا رفت [و خواب خود را برای ایشان باز گفت]. پیامبر خدا به بلال دستور داد که به آن [جملاتی که در خواب دیده شده بود]، اذان بگوید. زهری گفت: بلال در اذان نماز صبح، این جمله را افزود: «الصلاه خیر من النوم» و پیامبر خدا بر آن، صحه گذاشت. (۱)

۵. سنن الترمذی: سعید بن یحیی بن سعید اموی آورده است که: حدیث کرد ما را پدرم، حدیث کرد ما را محمد بن اسحاق از محمد بن ابراهیم بن حارث تیمی از محمد بن عبد الله بن زید از پدرش که: صبح که شد، نزد پیامبر خدا رفتیم و رؤیایم را به ایشان گفتم. فرمود: «این، یک رؤیای صادق است. به همراه بلال برخیز؛ چون او صدایش از تو رساتر و بلندتر است. آنچه به تو [در خواب] گفته شده، به او بگو و او آنها را با صدای بلند بگوید...». ترمذی می گوید: این حدیث را ابراهیم بن سعد، از محمد بن اسحاق، به صورتی کامل تر و طولانی تر روایت کرده و داستان اذان را، دو به دو، و اقامه را، یک به یک، آورده است. عبد الله بن زید، همان ابن عبد ربّه است و «ابن عبد رب» هم به او می گویند. ما از او حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نمی شناسیم که صحیح باشد، جز همین یک حدیث که درباره اذان است. (۲)

۱- .. سنن ابن ماجه : ج ۱ ص ۲۳۳ ح ۷۰۷ .

۲- .. سنن الترمذی : ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۸۹ .

ص: ۲۷

دو . نقد و تحلیل

۱ . ناسازگاری با مقام نبوت

دو . نقد و تحلیل با بررسی اسناد این روایات و تأمل در متن و معانی آنها و نیز عرضه آنها بر احادیث اهل بیت علیهم السلام ، برای پژوهشگر ، تردیدی در مجعول بودن آنها باقی نخواهند ماند . آنچه بر نادرستی این روایات دلالت می کند ، عبارت اند از :

۱ . ناسازگاری با مقام نبوتین باور که تشریح اذان ، بر اساس رؤیای عبد الله بن زید بوده ، بدین معناست که خاتم پیامبران الهی صلی الله علیه و آله که برای کوچک ترین رفتارهای فردی جامعه اسلامی ، از جانب خداوند متعال رهنمود آورده است در مورد یکی از بزرگ ترین عبادات سیاسی اجتماعی ، نمی دانسته که چه باید کرد و حتی طبق برخی از این روایات ، برای آن ، بیست روز سرگردان بوده است ، تا این که رؤیای شخص یا اشخاصی ، مشکل گشا می شود و موجب تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله و تشریح اذان می گردد! بی تردید ، این پندار ، با اعتقاد به نبوت پیامبر اسلام ، قابل جمع نیست و از این رو ، امام صادق علیه السلام ضمن نفرین کردن کسانی که از چنین پنداری جانبداری می کنند ، خرد و وجدان آنان را به داوری می خواند و با شگفتی از آنان می پرسد که چگونه این پندار را با عقیده به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و نزول وحی بر ایشان ، جمع می کنند : بر پیامبر شما وحی نازل می شود و شما می گوید که او اذان را از عبد الله بن زید گرفته است؟! (۱)

۱- .. ر . ک : ص ۱۹ (فصل یکم : تشریح اذان / ردّ برخی روایات درباره چگونگی تشریح اذان) .

ص: ۲۸

۲ . منافات داشتن با حکمت اذان

۳ . تکذیب به وسیله اهل بیت علیهم السلام

۲ . منافات داشتن با حکمت اذانتأمل در احادیث فراوانی که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت درباره حکمت اذان و فضایل و برکات آن وجود دارند ، (۱) نشان می دهد که فلسفه این عمل عبادی ، تنها اعلام وقت نماز نیست ؛ بلکه آثار فردی ،

اجتماعی، دنیوی و اخروی فراوانی بر آن مترتب است. بدین ترتیب، آیا می‌توان باور کرد که همه این حکمت‌ها و برکات، به دنبال رؤیای عبد الله بن زید پدید آمده است و یا این که پیامبر صلی الله علیه و آله فلسفه اذان را می‌دانسته؛ ولی از خود اذان، بی اطلاع بوده است؟!

۳. تکذیب به وسیله اهل بیت علیهم السلام: مسلمانان رسالت علیهم السلام علاوه بر این که تأکید می‌کنند که منشأ اذان، وحی است، به صراحت و با شدت، روایاتی را که آغاز تشریح آن را مستند به رؤیا کرده‌اند، تکذیب نموده و آن را با ایمان به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله، ناسازگار دانسته‌اند. این، در حالی است که اگر هیچ دلیلی جز تکذیب اهل بیت علیهم السلام در این باره وجود نداشت، برای اثبات نادرستی و مجعول بودن این روایات، کافی بود؛ چرا که: «أهل البيت أدری بما فی البيت؛ اهل خانه‌اند که می‌دانند در خانه چیست». گفتنی است که نه تنها اهل بیت علیهم السلام، بلکه افرادی مانند محمد بن حنفیه نیز به بطلان این روایات، تصریح کرده‌اند. برهان الدین حلبی، از ابو العلاء روایت کرده است که: به محمد بن حنفیه گفتم: برای ما حدیث می‌شود که منشأ این اذان،

۱- .. ر. ک: ص ۳۴ ح ۱۵ ۱۶.

ص: ۲۹

۴. دیگر دلایل

رؤیایی بود که مردی از انصار در خوابش دید. محمد بن حنفیه از این سخن، به شدت وحشت کرد و گفت: شما درباره چیزی که در میان احکام اسلام و مقررات دینتان یک اصل است، می‌گویید که منشأ رؤیایی بوده که یکی از انصار در خوابش دیده است، [آن هم چیزی که احتمال راست و دروغ دارد و ممکن است که از شمار خواب‌های پریشان باشد؟! گفتم: این حدیث در میان مردم، به شدت رایج است. گفت: به خدا سوگند، صحت ندارد ... (۱).

۴. دیگر دلایلی که در نقد مضمون روایاتی که تشریح اذان را به غیر وحی مستند می‌کنند، ذکر نمودیم، برای اثبات معتبر نبودن آنها کافی است. البته ادله دیگری نیز برای اثبات این مدعا ذکر شده است، مانند: تعارض اساسی میان مضمون این روایات، تعداد مدعیان رؤیا (۲) و تعارض آنها با نقل بخاری و غیر او. (۳) بنا بر این، بر فرض که سند این روایات، اصطلاحاً «صحیح» هم باشد، به دلیل ناسازگاری مضمون آنها با عقل سلیم و مبانی اسلام، مردود بودن آنها غیر قابل تردید است. البته جالب توجه است که سند این روایات نیز قابل اعتماد نیست؛ زیرا یا موقوف اند (یعنی سند آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله متصل نمی‌شود) و یا مُسندهایی هستند که در سلسله سند آنها

۱- .. السیره الحلبیه: ج ۲ ص ۹۶.

۲- .. مدعیان رؤیا ، تا چهارده نفر ، نقل شده است (ر . ک : السیره الحلبیه : ج ۲ ص ۹۶) .

۳- .. برای آشنایی با این وجوه ، ر . ک : الأذان تشریعا و فصولاً .

ص: ۳۰

سه . انگیزه جعل «حدیث عبد الله بن زید»

راوی مجهول ، مجروح ، ضعیف و یا متروک قرار دارد . (۱) بدین ترتیب ، می توان گفت دلیلی که حاکم در مستدرک برای عدم نقل حدیث عبد الله بن زید در صحیحین آورده (یعنی اختلاف ناقلان در اسانید آن) ، (۲) در واقع ، ممکن است تنها یکی از دلایل متعدّد آن باشد و شاید برخی از وجوه دیگری که ذکر شد نیز موجب عدم ذکر این حدیث در صحیحین گردیده باشد .

سه . انگیزه جعل «حدیث عبد الله بن زید» درباره انگیزه جعل این حدیث نمی توان به صورت قاطع ، اظهار نظر کرد . برخی از محققان ، این احتمال را تقویت کرده اند که عموهای عبد الله بن زید ، این رؤیا را ساخته اند . متن کلام آنان ، چنین است : به احتمال زیاد ، این رؤیا را ، عموهای عبد الله بن زید رواج داده اند تا از این طریق ، فضیلت و افتخاری برای خاندان ها و قبایل خویش کسب کنند . به همین دلیل ، در برخی مسانید می بینیم که عموزادگان او ، راویان این حدیث هستند و کسانی هم که به آنها اعتماد کرده اند ، به آنها حُسن ظن داشته اند . (۳) اما به نظر می رسد که جعل این حدیث ، همانند بسیاری از احادیث مجعول دیگر ، انگیزه سیاسی داشته است ؛ زیرا همان طور که پیش از این

۱- .. برای توضیح بیشتر این اجمال ، ر . ک : الأذان تشریعا و فصولاً .

۲- .. حاکم می گوید : کسی که اذان را در عالم رؤیا دید ، عبد الله بن زید بود . این ، مورد قبول فقها واقع شده است ؛ اما چون ناقلان ، در اسانید آن اختلاف کرده اند ، در صحیحین نیامده است . (المستدرک علی الصحیحین : ج ۳ ص ۳۷۹ ح ۵۴۴۷) .

۳- .. الأذان تشریعا و فصولاً : ص ۲۹ .

ص: ۳۱

نیز توضیح دادیم ، (۱) اذان علاوه بر یادآوری وظیفه فردی و اعلام وقت نماز ، یک شعار مهمّ سیاسی اجتماعی نیز هست و این شعار ، نه تنها زمینه تداوم حاکمیت اسلام را در جوامع اسلامی فراهم می کند ، بلکه در کنار استقرار ارزش های دینی ، می تواند موجب انتقال فرهنگ اسلامی به سایر جوامع گردد . بدین جهت ، جریان های سیاسی ای که حاکمیت اسلام اصیل را با منافع خود در تضاد می بینند ، این شعار سیاسی را بر نمی تابند . به نظر می رسد که جعل حدیث عبد الله بن زید ، به وسیله حزب اموی (در عصر حاکمیت مطلق معاویه) و با هدف حذف و یا تحریف شعار سیاسی اجتماعی اذان ، انجام گرفته است ؛ زیرا اگر خاستگاه تشریح اذان «رؤیا» شد ، کسی که مدّعی خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله و بلکه خداوند متعال است

می تواند با رؤیایی دیگر ، آن را به صورت دلخواه تغییر دهد و یا حذف نماید! توضیح مطلب ، این که : هر کس با تاریخ اسلام آشنا باشد ، می داند که حزب اموی از ابتدا با اسلام ، مخالف بود و هیچ گاه با این آیین الهی آشتی نکرد . این حزب ، هر چند پس از قدرت یافتن اسلام ، نمی توانست علنا با آن مخالفت کند ، اما در اولین فرصت به دست آمده ، در برابر نظام اسلامی به رهبری امام متقیان و امیر مؤمنان ایستاد و مانع رشد و بالندگی این آیین آسمانی شد و به گفته امام علی علیه السلام :

* وعن لقمان عليه السلام: آنها اسلام نیاوردند ؛ بلکه تسلیم شدند ، و کفر خویش را پنهان داشتند و زمانی که یارانی برای آن یافتند ، آشکارش نمودند . (۲) .

۱- .. ر . ك : ص ۹ (درآمد : حکمت اذان / حکمت اجتماعی) .

۲- .. نهج البلاغه : نامه ۱۶ .

ص: ۳۲

گزارشی که مغیره بن شعبه ، دوست صمیمی معاویه ، از یک جلسه خصوصی و محرمانه با او دارد ، نشان می دهد که او تا چه حد ، با این شعار عبادی سیاسی اسلام ، مخالف بوده است . متن این گزارش را مطرف ، فرزند مغیره ، چنین روایت کرده است : شبی [پدرم مغیره] آمد و از خوردن غذا خودداری کرد . او را غمگین دیدم . ساعتی منتظرش ماندم و خیال کردم که برای ما و یا در کار ما اتفاقی افتاده که او اندوهگین است . به او گفتم : چه شده است که امشب غمگین هستی ؟ گفت : فرزندم! من از نزد خبیث ترین مردم می آیم! گفتم : چه اتفاقی افتاده است ؟ گفت : با معاویه تنها نشسته بودم که به او گفتم : ای امیر المؤمنین! تو از ما به حکومت رسیدی . کاش دادگری نمایی و بساط نیکوکاری بگسترانی ؛ چرا که تو دیگر مُسن شده ای! کاش به برادرانت از بنی هاشم نگاه لطفی کنی و به خویشاوندانت رسیدگی نمایی! به خدا سوگند که امروزه دیگر چیزی (قدرتی) ندارند که از آن بترسی . معاویه به من گفت : هرگز ، هرگز! آن مرد تیمی به حکومت رسید و عدالت پیشه کرد و خوبی ها نمود ؛ اما به خدا سوگند که با مُردنش ، نام او نیز مُرد و فقط ممکن است یک نفر پیدا شود و بگوید : ابو بکر . پس از آن ، مرد عَدِی (عمر) به حکومت رسید و ده سال تلاش کرد و زحمت کشید ؛ ولی به خدا سوگند ، همین که مُرد ، نامش هم مُرد . فقط ممکن است فردی پیدا شود و بگوید : عمر . سپس برادرمان عثمان ، به حکومت رسید . مردی به حکومت رسید که کسی در نسب ، چون او نبود . او کارها کرد و آن رفتار با او شد (وی را کشتند) ؛ اما به خدا سوگند که با مُردنش ، نام او نیز مُرد و از رفتاری که با او شد نیز دیگر سخنی به

ص: ۳۳

میان نیامد . ولی آن مرد هاشمی ، در هر روز ، پنج مرتبه نامش فریاد زده می شود که : «أشهد أن محمدا رسول الله» . با این وجود ، دیگر چه کاری باقی می ماند؟ ای مادر مُرده! به خدا سوگند که راهی جز دفن کردن و دفن کردن [این نام] ، باقی

نمی ماند! (۱) آنچه می تواند این تحلیل را تأیید کند، این است که موضعگیری اهل بیت علیهم السلام در برابر روایاتی که منشأ تشریح اذان را رؤیای عبد الله بن زید می دانند، پس از استقرار حکومت معاویه است؛ زیرا اگر چنین شایعه اهانت آمیزی درباره پیامبر اسلام، در دوران حیات امام علی علیه السلام نیز وجود داشت، بی تردید، آن امام در برابرش موضعگیری می نمود، در حالی که در تاریخ، نخستین برخورد اهل بیت علیهم السلام با این شایعه به وسیله امام مجتبی علیه السلام از جریان صلح او با معاویه ثبت شده است. (۲)

۱- .. مروج الذهب: ج ۴ ص ۴۱، الأخبار الموقّیات: ص ۵۷۶ ح ۳۷۵.

۲- .. ر. ک: ص ۱۹ (فصل یکم: تشریح اذان / ردّ برخی روایات درباره چگونگی تشریح اذان).

ص: ۳۴

۱ / ۳ حکمت تشریح اذان

۱ / ۳ حکمت تشریح اذان* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اذان نخستین، برای این قرار داده شد که نمازگزاران برای نمازشان آماده شوند. پس، هر گاه بانگ اذان را شنیدید، وضوی کامل (۱) بگیرید. (۲) فرغ: فی الحدیث القدسی: امام رضا علیه السلام: مردم به علل فراوانی، به اذان گفتن، امر شده اند. یکی از آن علّت ها یادآوری به فراموشکار، توجه دادن به شخص غافل و آگاه ساختن کسی است که وقت [نماز] را نمی داند و به کاری دیگر سرگرم شده است. مؤذّن، با گفتن اذان، به عبادت آفریدگار فرا می خواند و به آن ترغیب می کند، و به یگانگی او اقرار می نماید، و ایمان را آشکار، و اسلام را علنی می سازد، و نماز را به کسی که فراموشش کرده، یادآور می شود. مؤذّن را به این خاطر «مؤذّن» گفته اند که با اذان، وقت نماز را اعلام می کند (اذن نماز می دهد).

علّت آن که اذان با «الله أكبر» آغاز و با «لا إله إلا الله» ختم می شود، این است که خداوند عز و جل خواسته است که شروع [و انتهای اذان]، با یاد و نام او باشد: نام «الله»، در تکبیر، در آغاز جمله است و در تهلیل، در آخر آن.

علّت آن که هر جمله اذان دو بار قرار داده شده، این است که در گوش شنوندگان تکرار شود و برای آنان تأکید گردد، به طوری که اگر شخصی بار اول متوجه نشد، بار دوم متوجه شود؛ و نیز این که نماز، دو رکعت دو رکعت است. به همین دلیل، اذان نیز دو به دو قرار داده شده است.

۱- .. وضوی کامل گرفتن، به این است که شخص، مطابق آنچه خداوند متعال واجب کرده و طبق آنچه پیامبر خدا سنت نهاده است، وضو بگیرد.

۲- .. المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۲۶ ح ۱۲۳۸۳، حلیه الأولیاء: ج ۴ ص ۳۰۲.

فرغ: فی الحدیث القدسی: علّت آن که «الله أكبر» در ابتدای اذان، چهار بار قرار داده شده، این است که شروع اذان، ناگهانی است و پیش از آن، سخنی که شنونده را متوجه سازد، وجود ندارد. پس، دو «الله أكبر» نخست، هشدار است به شنوندگان نسبت به جملات بعدی اذان.

علّت آن که بعد از تکبیر، شهادتین قرار داده شده، این است که گام نخست ایمان، توحید و اقرار به یگانگی خداوند متعال است و گام دومش اقرار به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، و این که اطاعت آن دو و شناختشان، به هم پیوسته اند.

علّت دیگرش نیز این است که اساس ایمان، در حقیقت، همین شهادتین است. پس، هر یک از این دو شهادت، دو بار قرار داده شده، چنان که در سایر حقوق، دو شاهد تعیین شده است. پس، هر گاه بنده به یگانگی خداوند عز و جل و به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله اقرار کند، هر آینه به تمام ایمان اقرار کرده است؛ چرا که اساس ایمان، در حقیقت، ایمان به خدا و پیامبر اوست.

علّت آن که بعد از شهادتین، دعوت به نماز قرار داده شده، این است که اذان اساساً برای نماز، وضع شده است، و آن، فراخوانی به نماز در وسط اذان است و فراخوانی به سوی رستگاری و به سوی بهترین عمل است.

در پایان اذان نیز نام او قرار داده شده است، چنان که آغاز آن به نام اوست. (۱).

۱- .. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۹۱۴.

فصل دوم: بندهای اذان

فصل دوم: بندهای اذانفرعن: فی العوذہ: معانی الأخبار به نقل از محمد بن حنفیه: پیامبر صلی الله علیه و آله شبی که به آسمان برده شد، چون به آسمان ششم رسید، فرشته ای از آسمان هفتم فرود آمد که تا پیش از آن روز، هرگز فرود نیامده بود، و گفت: الله أكبر، الله أكبر. خداوند جلّ جلاله فرمود: «من چنینم».

فرشته گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله. خداوند عز و جل فرمود: «من چنینم؛ معبودی جز من نیست».

فرشته گفت: «أشهد أن محمدًا رسول الله. و خداوند جلّ جلاله فرمود: «[او] بنده و امین من در میان خلق من است. با انتخاب او به پیامبری ام، او را بر بندگانم برگزیدم».

فرشته گفت: حیّ علی الصلاه. خداوند جلّ جلاله فرمود: «نماز را بر بندگانم واجب ساختم و آن را آیینی برای خود قرار دادم».

فرشته گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ . خداوند جلّ جلاله فرمود: «آن که به سوی نماز روانه شد و از بهر خشنودی من، بر آن مواظبت نمود، رستگار شد .

ص: ۳۷

فرعن: فِي الْعُوْذَةِ: فرشته گفت: حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ . خداوند جلّ جلاله فرمود: «نماز، برترین و پاک ترین اعمال در نزد من است» .

فرشته گفت: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ . پس، پیامبر صلی الله علیه و آله جلو قرار گرفت و پیش نماز آسمانیان شد و از آن روز، شرافت پیامبر صلی الله علیه و آله به کمال رسید. (۱) فرعل: عَنْ زَيْنَبَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: امام باقر علیه السلام در حدیثِ إِسْرَاءِ: سپس [خدای سبحان] به جبرئیل علیه السلام دستور داد و جبرئیل، دو بند دو بند، اذان و دو بند دو بند، اقامه گفت و در اذانش جمله «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» را گفت. آن گاه محمّد صلی الله علیه و آله جلو قرار گرفت و برای جمعیت نماز خواند. (۲)*
وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: امام باقر علیه السلام: اذَانٌ، هَجْدَةٌ بِنْدٍ دَارِدٌ. (۳)* وَفِي ابْنِ عَبْدِ وَدٍّ: امام باقر علیه السلام به زراره ای زراره! اذَانٌ رَا بَا چَهِارَ تَكْبِيرٍ آغَاذٌ مِي كُنِي وَبَا دُو «اللَّهُ أَكْبَرُ» وَ دُو «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بِه پَايَان مِي بَرِي. (۴)* وَعَنْ حَذِيفَةَ: امام صادق علیه السلام: هَر بِنْدٍ اذَانٌ، دُو تَاسْتٌ وَ هَر بِنْدٍ اِقَامَةٌ نِيْزٌ دُو تَا. (۵)* وَمَنْ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَصْنَافِ النَّامَاتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ابْنُ نَبِيَّاحٍ [مُؤَدِّنٌ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] فِي اذَانِهِ مِي كُنِي: «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» وَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَر گَاهِ اَوْ رَا مِي دِيدٌ، مِي فَرَمُودُ:
«آفرین بر درستگویان / خوشامد و خیر مقدم باد نماز را!». (۶) .

۱- .. معانی الأخبار: ص ۴۲ ح ۴، فلاح السائل: ص ۲۶۹ ح ۱۶۱ .

۲- .. الكافي: ج ۸ ص ۱۲۱ ح ۹۳، الاحتجاج: ج ۲ ص ۱۷۸ ح ۲۰۵ .

۳- .. الكافي: ج ۳ ص ۳۰۳ ح ۳، تهذيب الأحكام: ج ۲ ص ۵۹ ح ۲۰۸ .

۴- .. الكافي: ج ۳ ص ۳۰۳ ح ۵، تهذيب الأحكام: ج ۲ ص ۶۱ ح ۲۱۳ و ص ۶۳ ح ۲۲۴ .

۵- .. الكافي: ج ۳ ص ۳۰۳ ح ۴، تهذيب الأحكام: ج ۲ ص ۶۲ ح ۲۱۷ .

۶- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۸۷ ح ۸۹۰، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۷۴ .

ص: ۳۸

* وَعَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ التَّهْذِيبِ الْأَحْكَامِ بِه نَقْلٌ مِنْ أَبِي بَكْرٍ حَضْرَمِيٍّ وَ كَلِيبِ اسْدِيٍّ: امام صادق علیه السلام برای آن دو، اذَانٌ رَا بِه اَيْنَ نَحْوِ بَا زِگُو كَرْدُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» . أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ . حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ . حَيَّ عَلَى

الفلاح، حیّ علی الفلاح. حیّ علی خیر العمل، حیّ علی خیر العمل. الله أكبر، الله أكبر. لا إله إلا الله، لا إله إلا الله». (۱) * وعن أبي عبد الله عليه السلام: كنز العمّال: بلال، صبح، اذان می گفت و [در آن] می گفت: حیّ علی خیر العمل. (۲) * وفي الحديث: المصنّف ابن ابي شيبة به نقل از نافع: ابن عمر در اذانش جمله «حیّ علی خیر العمل» را افزود. (۳) * وعن صفیّته: السیره الحلّیه: درباره [عبد الله] ابن عمر و از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که آن دو در اذانشان بعد از «حیّ علی الفلاح» می گفتند: حیّ علی خیر العمل. (۴) * وفي زينب عليها السلام: امام باقر علیه السلام: امام سجّاد علیه السلام در اذانش بعد از گفتن «حیّ علی الفلاح»، «حیّ علی خیر العمل» می گفت و می فرمود: «این، همان اذان نخستین است». (۵) فرغ: عن الرضا عليه السلام: امام باقر علیه السلام: در زمان پیامبر خدا، اذان با «حیّ علی خیر العمل» همراه بود و در زمان ابو بکر و اوایل دوره عمر، همین دستور را اجرا می کردند؛ اما.

۱- .. تهذيب الأحكام: ج ۲ ص ۶۰ ح ۲۱۱.

۲- .. كنز العمّال: ج ۸ ص ۳۴۲ ح ۲۳۱۷۴ نقلًا عن المعجم الكبير: ج ۱ ص ۱۰۷۱.

۳- .. المصنّف، ابن أبي شيبة: ج ۱ ص ۲۴۴ ح ۳، السنن الكبرى: ج ۱ ص ۶۲۵ ح ۱۹۹۱.

۴- .. السیره الحلّیه: ج ۲ ص ۹۸.

۵- .. السنن الكبرى: ج ۱ ص ۶۲۵ ح ۱۹۹۳، المصنّف، ابن أبي شيبة: ج ۱ ص ۲۴۴ ح ۱.

ص: ۳۹

فرغ: عن الرضا عليه السلام: بعدا عمر، دستور برداشتن و حذف آن را از اذان و اقامه داد. وقتی در این باره از او سؤال (به او اعتراض) شد، گفت: وقتی مردم بشنوند که نماز، بهترین کار است، در جهاد، سستی می ورزند و از آن، سر باز می زنند. (۱) فرطح: عن جعفر بن محمّد عليهما السلام في بيض طير عليل الشرائع به نقل از عكرمه: به ابن عباس گفتم: آگاهم کن که چرا «حیّ علی خیر العمل» از اذان حذف شد؟

گفت: عمر، با این کار خواست که مردم به نماز، بسنده نکنند و جهاد را وا نگذارند. از این رو، آن را از اذان حذف کرد. (۲).

۱- .. دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۴۲، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۶ ح ۵۴.

۲- .. علل الشرايع: ص ۳۶۸ ح ۳، الإيضاح: ص ۲۰۱، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۴۰ ح ۳۴.

ص: ۴۰

پژوهشی درباره بندهای اذان

یک. «الصلاة خير من النوم» در اذان صبح

پژوهشی درباره بندهای اذنان چند بند دارد؟ و آیا جمله «الصلاة خير من النوم» که در اذان صبح در میان اهل سنت مرسوم

است ، و نیز جمله «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» و شهادت سوم (أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ) که در اذان و اقامه پیروان اهل بیت علیهم السلام گفته می شود ، از ابتدا جزء اذان بوده یا به تدریج بر آن افزوده شده است ؟ پاسخ این پرسش ها نیازمند بحث در چند محور است :

یک . «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» در اذان صبح آنچه درباره جمله «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» (۱) مطرح می شود ، این است که آیا این بند ، در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جزء اذان صبح بوده ، یا پس از ایشان بدان افزوده شده است ؟ آنچه را که در منابع حدیثی اهل سنت در پاسخ این سؤال آمده است ، به سه دسته می توان تقسیم کرد : دسته اول : روایاتی که این بند را به تعلیم پیامبر صلی الله علیه و آله مستند کرده اند ،

۱- .. در عربی ، از این بند اذان ، با «تثویب» یاد می کنند . تثویب ، از ریشه «ثوب» به معنای عود و رجوع است (ر . ک : معجم مقایس اللغة : ج ۱ ص ۳۹۳ «ثوب») و تثویب در اذان ، به معنای بازگشت به اعلام وقت نماز با جمله «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» است .

ص: ۴۱

مانند آنچه در سنن ابی داوود از حارث بن عبید ، از محمّد بن عبد الملک بن ابی محذور ، از پدرش ، از جدّش نقل شده است که : گفتم : ای پیامبر خدا ! شیوه اذان گفتن را به من بیاموز . پیامبر صلی الله علیه و آله دستی بر جلوی سرم کشید و فرمود : «می گویی : ... حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ . و اگر نماز صبح بود ، می گویی : الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ...» . (۱) گفتمی است که سند این روایت ، صحیح نیست . (۲) روایات دیگری نیز در التاریخ الکبیر ، (۳) المعجم الکبیر ، (۴) المعجم الأوسط ، (۵) سنن الترمذی (۶) و سنن ابن ماجه (۷) بر این معنا دلالت دارند ؛ اما هیچ یک از آنها از نظر سند ، صحیح نیست . دسته دوم : روایاتی که بر این مطلب دلالت دارند که بند مذکور ، به پیشنهاد بلال و تأیید پیامبر اسلام ، به اذان افزوده شده است ، مانند آنچه در المعجم الأوسط از محمّد بن ابراهیم ، از پدرش ، از جدّش ، از عمرو بن صالح ، از صالح بن ابی اخضر ، از عروه ، از عایشه نقل شده که : بلال نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد که ایشان را برای نماز صبح خبر کند . دید که پیامبر صلی الله علیه و آله خواب است . گفت : «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» و این جمله در اذان پذیرفته شد . (۸)

۱- .. سنن ابی داوود : ج ۱ ص ۱۳۳ (کتاب الصلاه)، التاریخ الکبیر : ج ۱ ص ۱۶۳ ح ۴۸۶ .

۲- .. چرا که محمّد بن عبد الملک بن ابی محذور ، در کتب رجال ، «مجهول» معرّفی شده است (ر . ک : الجرح والتعديل : ج ۸ ص ۷ ش ۱۴ ، التاریخ الکبیر : ج ۱ ص ۱۶۳ ش ۴۸۶) .

۳- .. التاریخ الکبیر : ج ۱ ص ۹۳ .

۴- .. المعجم الکبیر : ج ۱ ص ۳۵۲ ح ۱۰۷۱ .

۵- .. المعجم الأوسط : ج ۷ ص ۲۹۰ .

۶- .. سنن الترمذی : ج ۱ ص ۲۴۸ .

۷- .. سنن ابن ماجه : ج ۱ ص ۲۳۷ ح ۷۱۵ .

۸- .. المعجم الأوسط : ج ۷ ص ۳۰۹ .

ص: ۴۲

روایات دیگری نیز در سنن ابن ماجه ، (۱) مسند ابن حنبل ، (۲) سنن الدارمی (۳) و الطبقات الکبری (۴) بر این معنا دلالت دارند ؛ اما این روایات هیچ یک سند صحیحی ندارند . دسته سوم : روایاتی که بند یاد شده را به دستور و یا تأیید خلیفه دوم مستند کرده اند ، مانند آنچه در سنن الدارقطنی از محمد بن مخلد ، از محمد بن اسماعیل حسانی ، از وکیع ، از سفیان ، از محمد بن عجلان ، از نافع ، از ابن عمر ، از عمر نقل شده است که به مؤذن خویش گفت : در اذان صبح ، هر گاه به «حیّ علی الفلاح» رسیدی ، بگو : الصلاة خیر من النوم ، الصلاة خیر من النوم . (۵) در موطأ مالک نیز آمده است : مو؟ن ، نزد عمر بن خطاب آمد تا او را برای نماز صبح خبر کند . دید که خواب است . پس گفت : الصلاة خیر من النوم . عمر به او دستور داد که از آن پس ، این جمله را در اذان صبح بگوید . (۶) با عنایت به این که روایات دسته اول و دوم ، نه از نظر سند ، قابل اعتماد هستند و نه از نظر مضمون ، هماهنگ اند ، نمی توانند اثبات کنند که «الصلاة خیر من النوم» ، جزء اذان نخستین بوده است ؛ بلکه همان طور که در شماری از احادیث اهل بیت علیهم السلام و کلمات برخی از صحابه و تابعین

۱- .. سنن ابن ماجه : ج ۲ ص ۳۴ ح ۷۰۷ .

۲- .. مسند ابن حنبل : ج ۴ ص ۶۳۲ .

۳- .. سنن الدارمی : ج ۱ ص ۲۸۹ ح ۱۱۹۲ .

۴- .. الطبقات الکبری : ج ۱ ص ۲۴۷ .

۵- .. سنن الدارقطنی : ج ۱ ص ۲۴۳ .

۶- .. موطأ : ج ۱ ص ۷۲ ح ۸ .

ص: ۴۳

آمده است ، این جمله پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به اذان افزوده شده است . و اینک ، برخی از این متون :

۱ . الکافی : معاویه بن وهب گفت : از امام صادق علیه السلام درباره ذکر جمله «الصلاة خیر من النوم» در اذان و اقامه پرسیدم . فرمود : «ما از چنین چیزی خبر نداریم [و قبولش نداریم]» . (۱)

۲ . المصنّف عبد الرزّاق : ابن جریج [گفت] : عمرو بن حفص به من خبر داد که سعد [مو؟ن] ، نخستین کسی بود که گفت :

«الصلاه خیر من النوم» و این ، در خلافت عمر بود ... [عمر] گفت : بدعت است ؛ اما بعدها آن را آزاد گذاشت . بلال برای عمر ، اذان نگفت . (۲)

۳ . المصنّف عبد الرزّاق : حسن بن مسلم ، به من خبر داد که مردی ، از طاووس که با عدّه ای نشسته بود پرسید : ای ابو عبد الرحمان! از چه زمانی جمله «الصلاه خیر من النوم» گفته شد؟ طاووس گفت : این جمله در عهد پیامبر خدا گفته نشد ؛ بلکه بلال ، در زمان ابو بکر و پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله ، آن را از مردی که مو؟ن نبود ، شنید و آن را از او گرفت و در اذان گفت . [حکومت] ابو بکر ، چندان نپایید و عمر که آمد ، گفت : کاش بلال را از این چیزی که به وجود آورد ، نهی کنیم! و گویا فراموش کرد که چنین کند . پس مردم تا به امروز ، این جمله را در اذان می گویند . (۳)

۱- .. الکافی : ج ۲ ص ۳۰۳ .

۲- .. المصنّف ، عبد الرزّاق : ج ۱ ص ۴۷۴ ح ۱۸۲۹ .

۳- .. المصنّف ، عبد الرزّاق : ج ۱ ص ۴۷۵ ح ۱۸۲۷ .

ص : ۴۴

۴ . جامع المسانید : از ابراهیم روایت شده که گفت : از ابو حنیفه درباره «الصلاه خیر من النوم» پرسیدم . گفت : این ، از چیزهایی است که مردم ، [پس از پیامبر صلی الله علیه و آله] بدعت نهاده اند ، و در میان چیزهایی که پدید آورده اند ، چیز خوبی است . ابو حنیفه گفت که اعلام دوباره آنها برای وقت نماز ، به این نحو بود که مو؟ن ، وقتی اذانش را به پایان می برد ، دو بار می گفت : الصلاه خیر من النوم . این روایت را از امام محمّد بن حسن در الآثار آورده و آن را از ابو حنیفه روایت کرده است . محمّد سپس می گوید : این ، قول ابو حنیفه است و ما هم بدان قائلیم . (۱) علاوه بر آنچه ذکر شد ، گزارشات دیگری نیز حاکی از این است که منشأ تثویب ، فرمان و یا تقریر (تأیید) خلیفه دوم بوده است ؛ (۲) لیکن در حدیثی از ابوالحسن علیه السلام ، آغاز تثویب ، به بنی امیه نسبت داده شده است . متن این روایت ، چنین است : جمله «الصلاه خیر من النوم» ، بدعت بنی امیه است و جزء اذان نیست ؛ اما اشکالی ندارد که شخص ، هر گاه که می خواهد مردم را به نماز ، متوجّه سازد ، آن را بگوید ؛ ولی آن را جزء اذان قرار مده ؛ چون ما آن را جزء اذان نمی دانیم . (۳) می توان گفت که این احادیث ، با گزارش هایی که آغاز تثویب را عصر

۱- .. جامع المسانید : ج ۱ ص ۲۹۶ . این روایت ، دلالت می کند که «الصلاه خیر من النوم» ، پس از اتمام اذان گفته می شود و جزء اذان نیست و مؤذن ، آن را با زحمت دادن به خود و صرفاً برای بیدار کردن مردم از خواب ، بازگو می کند .

۲- .. ر . ک : الأذان تشریعا و فصولاً : ص ۶۶ (کلمات الأعلام فی التثویب) .

۳- .. مستدرک الوسائل : ج ۴ ص ۴۴ .

دو. «حی علی خیر العمل» در اذان و اقامه

خلیفه دوم می داند، قابل جمع است، بدین سان که در عصر خلافت عمر، مدتی به فرمان یا تقریر (تأیید) او، جمله «الصلاه خیر من النوم» در وسط اذان یا پس از آن گفته می شده؛ امّا چنان که در گزارش ابن جریج آمد، پس از مدتی، ترک گردیده است، تا این که در دوران حکومت معاویه، با جعل رؤیای عبد الله بن زید که مشتمل بر این جمله بود به طور رسمی، جزئی از اذان صبح قرار داده شد. با عنایت به آنچه ذکر شد، روشن می شود که چرا فقها و محدثان شیعه، شماری از روایاتی را که جواز گفتن این جمله را از اهل بیت علیهم السلام نقل کرده اند، نپذیرفته و جهت صدور یا دلالت آنها را مخدوش دانسته اند.

دو. «حی علی خیر العمل» در اذان و اقامه پیروان اهل بیت علیهم السلام بر اساس رهنمودهای آنان، بر این باورند که جمله «حی علی خیر العمل» یکی از اجزای اذان و اقامه بوده و جزئیّت آن، از طریق وحی به پیامبر خدا ابلاغ شده است. شماری از روایاتی که در منابع حدیثی اهل سنت وجود دارند (۱) و همچنین شماری از صحابه و تابعین، (۲) این باور را تأیید کرده اند. در این جا سؤال پیش می آید که: اگر واقعا جمله «حی علی خیر العمل» جزء اذان بوده و در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، مسلمانان، این جمله را در اذان تکرار می کرده اند، چه کسی و با چه انگیزه ای این جمله را حذف نموده است؟ پاسخ این سؤال، در برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام (۳) و شماری از

۱-.. ر. ک: المعجم الکبیر: ج ۱ ص ۳۵۲ ح ۱۰۷۱، کنز العمال: ج ۸ ص ۳۴۲ ح ۲۳۱۷۴.

۲-.. ر. ک: ص ۴۳ ح ۲۴ و ح ۲۷، المصنّف، عبد الرزاق: ج ۱ ص ۴۶۴ ح ۱۷۹۷.

۳-.. ر. ک: دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۴۵، وسائل الشیعه: ج ۴ ص ۶۴۷ ح ۱۶.

گزارش های تاریخی (۱) این گونه آمده است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و دوران حکومت ابو بکر و آغاز خلافت عمر، «حی علی خیر العمل»، جزء اذان و اقامه بوده است؛ ولی عمر، با این استدلال که این جمله، موجب اهمّیت دادن بیش از اندازه مسلمانان به «نماز» و سستی کردن آنان نسبت به «جهاد» می شود، آن را از اذان و اقامه حذف کرد. بدیهی است که این استدلال، صحیح نیست؛ زیرا علاوه بر آن که اجتهاد در برابر نصّ پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح نیست، اگر اعتقاد به این که نماز، بهترین کار است، موجب سستی در جهاد می شد، شارع حکیم، آن را جزء اذان و اقامه قرار نمی داد، ضمن آن که تجربه عصر نبوی نیز این استدلال را نقض می کند. جالب توجه است که طبق برخی از روایات، روزی، پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ارزش یاد خدا و نقش آن در تکامل انسان و پیشگیری از انواع نابسامانی های دنیوی و اخروی فرمود:

* ومنه عن الصادق عليه السلام: هیچ عملی در نزد خدای متعال، محبوب تر از یاد خدا نیست و بنده را از هر بدی در دنیا و آخرت، نجات می بخشد. یکی از اصحاب ایشان (شاید شخص عمر) که این سخن بر او گران آمد، گفت: آیا جنگیدن در راه خدا، بهترین کار نیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

* وعن أمير المؤمنين عليه السلام: اگر [به خاطر] یاد خدا نبود، به جنگ، دستور داده نمی شد. (۲) این حدیث به روشنی نشان می دهد که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز، «خیر

۱- .. ر. ک: دلائل الصدق: ج ۳ ص ۹۹، الإيضاح: ص ۲۰۲۲۰۴.

۲- .. كتر العَمَل: ج ۲ ص ۲۴۳ ح ۳۹۳۱.

ص: ۴۷

سه . شهادت سوم در اذان و اقامه

العمل» بودن نماز، برای برخی از صحابه مورد اشکال بوده است. نماز، از آن جهت، بهترین کارهاست که کامل ترین مصداق یاد خداست، چنان در قرآن تصریح شده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِتَذَكَّرَ» (۱) و نماز را برای من به پا دار. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ به این ایراد، تأکید می فرماید که «یاد خدا» از «جهاد»، ارزشمندتر است؛ زیرا فلسفه جهاد، یاد خدا و پیوند با اوست. آری! این پیوند است که از انواع فسادهای فردی و اجتماعی، پیشگیری می نماید، چنان که خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (۲) همانا نماز از زشتکاری و ناپسندی باز می دارد، و هر آینه، ذکر خدا بزرگ تر است. نیز همین پیوند است که سعادت و کامیابی دنیا و آخرت را به همراه دارد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (۳) هر کس پاداش دنیا را می خواهد، [بداند که] پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.

سه . شهادت سوم در اذان و اقامه مقصود از شهادت سوم، شهادت بر ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی

۱- .. طه: آیه ۱۴.

۲- .. عنكبوت: آیه ۴۵.

۳- .. نساء: آیه ۱۳۴.

ص: ۴۸

طالب علیه السلام (پس از شهادت بر یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) در اذان و اقامه است. چنان که در فصل دوم ملاحظه شد، در احادیثی که از اهل بیت علیهم السلام در تبیین بندهای اذان به ما رسیده است، شهادت سوم وجود ندارد. از این رو، شیخ المحدثین، صدوق (م ۳۸۱ ق) پس از اشاره به روایت ابو بکر حضرمی و کلیب اسدی (۱) در کتاب من لایحضره الفقیه، در تبیین بندهای اذان می گوید: مصنف این کتاب می گوید: اذان صحیح، همین است. نه چیزی به آن افزوده و نه چیزی از آن کاسته می شود؛ امّا مَفْوُضَه (۲) که خدایشان لعنت کناد اخباری ساخته اند و به موجب آنها دو بار جمله «محمّد و آل محمّد خیر البریّه» را به اذان افزوده اند. نیز در پاره ای از روایاتشان آورده اند که پس از «أشهد أنّ محمّداً رسول الله»، دو بار باید گفت: «أشهد أنّ علیّاً ولیّ الله». بعضی از آنان هم به جای آن، این جمله را روایت کرده اند: «أشهد أنّ علیّاً أمير المؤمنين حقّاً» که دو بار باید گفته شود. البتّه شکی نیست که علی [علیه السلام]، ولیّ خداست و او امیر المؤمنین واقعی است و محمّد و خاندان او صلوات الله علیهم بهترین انسان هاینده؛ امّا هیچ یک از اینها در اصل، جزء اذان نیست. و من، این روایات ساختگی را بدان سبب آوردم تا به وسیله این افزوده های ساختگی، افراد متهم به تفویض که خودشان را میان ما جا زده اند شناخته شوند. (۳)

۱- .. ر. ک: ص ۳۸ ح ۲۳.

۲- .. مَفْوُضَه فرقه ای از غالیان بودند که اعتقاد داشتند خداوند، محمّد صلی الله علیه و آله را آفرید و آفرینش دنیا را به او وا گذاشت. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آفریدگار است و به قولی، معتقد بودند که پیامبر صلی الله علیه و آله هم کار آفرینش دنیا را به علی علیه السلام گذاشت. ر. ک: معجم مصطلحات الحدیث: ص ۱۶۹ (المفوّضه).

۳- .. کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۱ ص ۱۸۱۸۹.

ص: ۴۹

همچنین شیخ الطائفه محمّد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ق) در النهایه می گوید: و امّا جمله های: أشهد أنّ علیّاً ولیّ الله و آل محمّد خیر البریّه که در اخبار شاذ روایت شده اند در اذان به آنها عمل نمی شود، و هر کس به آنها عمل کند (آنها را در اذان بگوید)، خطا کار است. (۱) او در کتاب المبسوط می گوید: جمله های: أشهد أنّ علیّاً أمير المؤمنين، و آل محمّد خیر البریّه که در روایات شاذ آمده اند در اذان به آنها عمل نمی شود، و اگر انسان آنها را به کار برد، گناه نکرده است، هر چند نه موجب فضیلت اذان و نه موجب کامل شدن بندهای اذان می گردد. (۲) سایر فقهای بزرگ شیعه نیز، چه فقیهان پیش از شیخ طوسی و چه پس از او (مانند: شیخ مفید در المقنعه، (۳) سیّد مرتضی در الرسائل، (۴) حلبی در الکافی، (۵) سلار در المراسم، (۶) محقق حلّی در المعتمر، (۷) علامه حلّی در المنتهی (۸)) تا مقدّس اردبیلی (م ۹۹۳ ق) در شرح خود بر الإرشاد، هیچ یک، این شهادت را در میان بندهای اذان، ذکر نکرده اند. به سخن دیگر، می توان گفت که جزء اذان نبودن شهادت سوم، تا قرن

- ۱- .. النهایه : ص ۶۹ .
- ۲- .. المبسوط : ج ۱ ص ۹۹ .
- ۳- .. المقنعه : ص ۱۰۰ .
- ۴- .. رسائل الشریف المرتضی : ج ۳ ص ۳۰ .
- ۵- .. الکافی ، حلبی : ص ۱۲۰ .
- ۶- .. المراسم العلویّه : ص ۶۷ .
- ۷- .. المعتمر : ج ۲ ص ۱۲۴ .
- ۸- .. منتهی المطلب : ج ۴ ص ۳۷۷ .

ص: ۵۰

دهم در میان فقهای بزرگ شیعه مورد اتفاق بوده است . البتّه از قرن یازدهم ، با ظهور مسلک اخباری گری ، نظریّه فقهای گذشته مورد خدشه قرار گرفت و ظاهراً نخستین کسی که رأی شیخ صدوق را درباره شهادت سوم زیر سؤال برد ، ملا محمدتقی مجلسی معروف به مجلسی اول (م ۱۰۷۰ق) است . وی در کتابروضه المتّقین در ذیل کلام صدوق می گوید : با در نظر گرفتن فراوانی اخباری که درباره افزایش و کاهش [بندهای اذان] وارد شده و ما تنها بعضی از آنها را آوردیم ، یقین کردن به این که این اخبار ، ساختگی هستند ، مشکل است . ظاهراً اخبار مربوط به افزوده شدن این جملات ، هم در اصول (کتاب های «اصل») وجود دارند و هم صحیح اند ، چنان که از کار محقق و علامه و شهید رحمهم الله چنین پیداست ؛ زیرا این اخبار را شاذ دانسته اند و حدیث شاذ ، حدیثی است که صحیح ، اما غیر مشهور است ، با آن که قائلان به صحّت این اخبار نیز اندک اند چنان که دانستی . پس به صرف این که مَفْوضه یا عامّه (اهل سنت) به چیزی عمل کنند ، نمی توان به عدم آن یا ساختگی بودنش قطع پیدا کرد ، مگر آن که از ائمه صلوات الله علیهم روایتی دالّ بر این امر رسیده باشد ، که در این مورد نرسیده است . به علاوه ، شیعه در گذشته و حال ، به آن (ذکر شهادت سوم در اذان) عمل کرده است . ظاهر روایات نیز بیانگر آن است که هر گاه کسی به آن عمل کند ، گنهکار نیست ، مگر در صورت یقین به شرعی بودنش ، که در این صورت خطاکار است . بهتر ، آن است که آن (شهادت سوم) را جزء ایمان بداند ، نه جزء اذان . (۱)

- ۱- .. روضه المتّقین : ج ۲ ص ۲۴۵ .

ص: ۵۱

وی در کتاب حدیقه المتّقین در مورد شهادت سوم می گوید : جمعی از اصحاب ، نقل کرده اند که در اخبار شاذ ، آمده است که آن ، جزء اذان است و اگر کسی این دو بند را به این عنوان بگوید که اگر از شارع متلقی است ، فبها ، و اگر تیمنا وتبرّکا باشد ، بهتر است . (۱) نیز در شرح فارسی بر کتاب من لایحضره الفقیه می نویسد : ... مصطلح ارباب حدیث ، آن است که خبر صحیح مخالف با مشهور را شاذ می گویند و در زمان محقق و علامه کتب حدیث ما بسیار بوده است . بنا بر این ،

یقین کردن به ساختگی بودن این اخبار، مشکل است ... پس اگر کسی این کلمات را بگوید، چنانچه مطلوب شارع باشد ولو به عنوان تیمن و تبرک فبها و اشکالی ندارد، هر چند اگر نگویند، بهتر است ... (۲) بنا بر این، مجلسی اول، هر چند سخن شیخ صدوق و همه فقهای را که اخبار دال بر جزء اذان بودن شهادت سوم را مخدوش دانسته اند، رد کرده است، ولی خود قائل به جزء بودن آن برای اذان نیست. البته فرزند او، علامه محمدباقر مجلسی، قدم را بالاتر گذاشته و بعید نمی داند که شهادت سوم، از اجزای مستحب اذان باشد: بعید نیست که شهادت سوم (شهادت به ولایت) از اجزای مستحب اذان باشد؛ چرا که شیخ، علامه، شهید و دیگران به وارد شدن اخبار [از سوی ائمه علیهم السلام] در این باره، گواهی داده اند. (۳) سید نعمه الله جزایری در الأنوار النعمانیة (۴) و شیخ یوسف بحرانی در

- ۱- .. حدیقه المتقین (مخطوط): ص ۱۷.
- ۲- .. لوامع صاحبقرانی: ج ۱ ص ۱۸۲.
- ۳- .. بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۱۱.
- ۴- .. الأنوار النعمانیة: ج ۱ ص ۱۶۹.

ص: ۵۲

الحدائق الناضره (۱) نیز که هر دو، مشی اخباری گری دارند نظر علامه مجلسی را تأیید کرده اند، هر چند در همان دوران، برخی از فقیهان غیر اخباری (مانند: محقق سبزواری (۲) و سبط شهید ثانی (۳)) همان نظر فقیهان متقدم را داشته اند. با ظهور فقیه و محقق بزرگوار، وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق)، مسلک اخباری گری افول کرد؛ امیای ضمن تصریح به جزء نبودن شهادت سوم در اذان و بدعت دانستن و حرمت گفتن آن به قصد جزئیت، با تمسک به قاعده «تسامح در ادله سین» و خبر موجود در الاحتجاج طبرسی (۴) و نیز قیاس به فرستادن صلوات پس از نام گرامی پیامبر خدا، گفتن آن را به قصد مطلق قربت و نه به قصد جزئیت برای اذان، مخل به اذان نمی داند؛ بلکه آن را مندوب می شمارد. سایر فقها تا دوره معاصر نیز همین نظر را تأیید کرده اند. (۵) خلاصه کلام، این که: فقهای بزرگ شیعه، چه قدما و چه متأخرانشان، هیچ یک، شهادت سوم را جزء اذان نمی دانند؛ اما بسیاری از آنها معتقدند که گفتن آن بعد از شهادت بر رسالت خاتم انبیاء بدون قصد جزئیت، اشکالی ندارد؛ بلکه به قصد مطلق ذکر، مطلوب است.

- ۱- .. الحدائق الناضره: ج ۷ ص ۴۰۳.
- ۲- .. ذخیره المعاد: ج ۲ ص ۲۵۴.
- ۳- .. الزهران الزویه فی الروضه البهیة (مخطوط).
- ۴- .. قاسم بن معاویه روایت کرد که: به امام صادق علیه السلام گفتم: اینها در حدیث معراج روایت می کنند که چون پیامبر

خدا به معراج برده شد ، بر عرش دید ... و چون خداوند عز و جل ماه را آفرید ، بر آن نوشت : «لا إله إلا الله ، محمد رسول الله ، علي أمير المؤمنين» و اینها همان لکّه های سیاهی هستند که شما در ماه می بینید . پس هر گاه یکی از شما می گوید : «لا إله إلا الله ، محمد رسول الله ، علي أمير المؤمنين» (الاحتجاج : ج ۱ ص ۳۶۵ ح ۶۲) .

۵- .. ر . ك : كلمات الأعلام حول جواز الشهادة ... : ص ۳۸۴۴۱۷ .

ص: ۵۳

فصل سوم: تفسیر اذان

فصل سوم: تفسیر اذان* وعن عبد المسيح: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش امیر مؤمنان علیه السلام از تفسیر اذان: ای علی! اذان حجّتی بر امت من است و تفسیر آن ، چنین است :

هر گاه مؤذّن بگوید : «الله أكبر ، الله أكبر» ، در واقع می گوید : خدایا! تو بر آنچه می گویم ، گواهی . ای امت محمد! وقت نماز رسیده است . پس آماده شوید و کار دنیا را وا نهید .

هر گاه بگوید : «أشهد أن لا إله إلا الله» ، در واقع می گوید : ای امت محمد! من خدا و فرشتگان او را گواه می گیرم که شما را به فرا رسیدن وقت نماز ، آگاه می سازم . پس فقط به نماز پردازید .

هر گاه بگوید : «أشهد أن محمدا رسول الله» ، در واقع می گوید : خداوند و فرشتگانش می دانند که من ، شما را از فرا رسیدن وقت نماز آگاه ساختم . پس فقط به نماز پردازید که آن ، برای شما بهتر [از هر کاری] است .

هر گاه بگوید : «حیّ علی الصلاه» ، در واقع می گوید : ای امت محمد! [اسلام] دینی است که خدا و پیامبر او آن را برای شما پدید آوردند . پس ، آن را تباہ نکنید ؛ بلکه به آن پردازید تا خداوند ، شما را بیامزد . به

ص: ۵۴

* وعن عبد المسيح: نمازتان پردازید که نماز ، ستون دین شماست .

هر گاه بگوید : «حیّ علی الفلاح» ، در واقع می گوید : ای امت محمد! خداوند درهای رحمت را به روی شما گشوده است . پس برخیزید و سهم خود را از رحمت بگیرید تا در دنیا و آخرت سود ببرید .

هر گاه بگوید : «الله أكبر ، الله أكبر» ، در واقع می گوید : بر خویشتن رحم آورید ؛ زیرا کاری با ارزش تر از نماز برای شما سراغ ندارم . پس فقط به نمازتان پردازید ، پیش از آن که پشیمانی دامنگیرتان شود .

و هر گاه بگوید : «لا إله إلا الله» ، در واقع می گوید : ای امت محمد! بدانید که من امانت هفت آسمان و هفت زمین را به

گردن شما نهادم. اگر می خواهید، روی آورید و اگر می خواهید، پشت کنید، که هر کس ندای مرا اجابت کند، سود برده است و هر کس ندای مرا اجابت نکند، به من زبانی نمی رساند. (۱) * وعن أم سلمة لعائشة: امام حسین علیه السلام: در مسجد نشسته بودیم که مؤذن، بالای مناره رفت و گفت: «الله أكبر، الله أكبر». در این هنگام، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، گریست و ما نیز با گریه او گریستیم. چون مؤذن اذانش را تمام کرد، فرمود: «آیا می دانید که مؤذن چه می گوید؟».

گفتیم: خدا و پیامبر او و وصی پیامبر او بهتر می دانند.

فرمود: «اگر بدانید که او چه می گوید، کم خواهید خندید و بسیار خواهید گریست! جمله الله أكبر او، معانی بسیار دارد: یکی این است که الله أكبر مؤذن، حکایت از قدیم بودن خداوند و.

۱- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۱ ح ۴۰۵، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۳ ح ۴۹.

ص: ۵۵

* وعن أم سلمة لعائشة: ازلی بودن و ابدی بودن او و علم و نیرو و قدرت و بردباری و بزرگواری و جود و عطا و کبریایی او دارد.

هر گاه مؤذن بگوید: الله أكبر، در واقع می گوید: خدا آن موجودی است که آفریدن و فرمان دادن، مختص اوست (۱) و با اراده اوست که آفرینش انجام گرفت و هر چیز خلق، از اوست و بازگشت خلق، به سوی اوست. او، اول است و پیش از هر چیز، از ازل بوده است؛ و آخر است و بعد از هر چیز هست و ابدی است؛ و آشکار است و فراتر از هر چیز و ادراک ناشدنی (دست نیافتنی) است؛ و پنهان و در دل هر چیز است (/ و پنهان تر از هر ناپیدایی است) و اندازه ندارد؛ و تنها او باقی است و جز او، همه چیز فانی است.

معنای دوم الله أكبر، این است که خدا بر آنچه بوده و خواهد بود پیش از آن که بود شود دانا و آگاه است.

معنای سوم الله أكبر، این است که خداوند بر هر چیزی تواناست؛ بر هر کاری که بخواهد، قدرت دارد؛ نیرومند به قدرت خویش است؛ بر آفریدگانش اقتدار دارد، به ذات خود، قوی است؛ قدرتش بر همه اشیا، سایه افکننده است؛ [و] هر گاه چیزی را حکم (اراده) کند، فقط به آن می گوید: «باش» و آن، موجود می شود.

معنای چهارم الله أكبر، این است که خداوند، بردبار و کریم است. او [در برابر معصیت انسان ها] چنان بردباری می ورزد که تو گویی [از آن] خبر ندارد، و چنان گذشت می کند که تو گویی [آن را] نمی بیند، و چنان.

۱- .. اشاره است به آیه ۵۴ از سوره اعراف: «آگاه باشید که آفرینش و تدبیر [جهان]، از آن او (به فرمان او) است».

* وعن أم سلمه لعائشه: پرده پوشی می کند که گویی معصیت نمی شود. در کیفر دادن، شتاب نمی ورزد و این، از بزرگواری و گذشت و برداری اوست.

معنای دیگرِ الله اکبر، این است که خداوند، بخشنده و پُر دِهش است و با بزرگواری، عمل می کند.

معنای دیگرِ الله اکبر، نفی صفت و کیفیت از اوست. گویا می گوید: خدا بزرگ تر از آن است که توصیف کنندگان، به اندازه صفت او که در حقیقت، بدان موصوف است دست یابند؛ بلکه توصیف کنندگان، به اندازه [توانایی] خود، او را توصیف می کنند، نه به اندازه بزرگی و شکوه او. خداوند، بسی برتر از آن است که توصیف کنندگان، به وصف او برسند.

معنای دیگرِ الله اکبر، این است که گویا می گوید: خدا، والا تر و شکوهمندتر است و از بندگانش بی نیاز است و به کارهای آفریدگانش نیازی ندارد.

أما أشهد أن لا إله إلا الله مؤذن، اعلام این مطلب است که شهادت دادن، جز با شناخت قلبی خداوند، روا نیست. گویا می گوید: می دانم که معبودی جز خداوند عز و جل نیست و هر معبودی جز خداوند عز و جل باطل است، و به معرفتی که در دل دارم، با زبان خویش نیز اقرار می کنم که معبودی جز خدا نیست، و گواهی می دهم که پناهی از خدا جز به خود او نیست، و رهایی از شرّ هر شرسانی و فتنه هر فتنه انگیزی، جز به یاری خدا میسر نیست.

و أشهد أن لا إله إلا الله دوم، به این معناست که: گواهی می دهم که.

* وعن أم سلمه لعائشه: هدایت کننده ای جز خدا نیست، و تنها راهنمایم به دین، اوست، و خدا را بر این گواه می گیرم که من گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، و ساکنان آسمان ها و ساکنان زمین ها، و همه فرشتگان و آدمیانی را که در آنهایند و کوه ها و درخت ها و جنبندگان و ددان و هر خشک و تری را گواه می گیرم که من گواهی می دهم آفریدگاری جز خدا نیست و روزی رسان و معبود و زیان رسان و سودرسان و در هم فشارنده و گشاینده و عطاکننده و جلوگیرنده و خیرخواه و کفایت کننده و شفادهنده و پیش و پس افکننده ای جز خدا نیست. آفرینش و فرمان دادن، ویژه اوست و خوبی هر چه هست در دست اوست. فرخنده باد خداوند که پروردگار جهانیان است!

أما أشهد أن محمدا رسول الله او، [در آن] می گوید: خدا را گواه می گیرم که معبودی جز او نیست و محمد، بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و همراز اوست. او را با هدایت و دین حق به سوی همه مردمان فرستاد تا آن [دین] را بر هر دینی چیره گرداند، هر چند مشرکان، خوش نداشته باشند. و هر کس را (از پیامبران و رسولان و فرشتگان و مردمان) که در آسمان ها و زمین است، همگی را گواه می گیرم که محمد، سرور اولین و آخرین انسان هاست.

در اَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ دَوْم ، می گوید : گواهی می دهم که هیچ کس را به کسی نیاز نیست ، مگر به خداوند یگانه همواره چیره که از بندگانش و آفریدگان و مردمان ، همگی شان ، بی نیاز است ، و گواهی می دهم که محمد را به سوی مردم فرستاد تا نوید و بیم دهد و به اذن .

ص: ۵۸

* وَعَنْ أُمِّ سَلْمَةَ لِعَائِشَةَ : خَدَاوَنَد ، به سوی خدا فرا بخواند و [چونان] چراغی روشن [فرا راه بندگان] باشد . پس ، هر که او را انکار و نفی کند و به او ایمان نیاورد ، خداوند عز و جل او را برای همیشه و جاویدان به آتش دوزخ درمی آورد و هرگز از آن رهایی نمی یابد .

أَمَّا حَيٌّ عَلَى الصَّلَاةِ أَوْ ، یعنی این که به سوی بهترین اعمالتان بیایید و دعوت پروردگارتان را لَبِیک بگویید و به جانب آموزش پروردگارتان ، و خاموش کردن آتشی که برافروخته آید ، و آزاد ساختن گردن هایتان که به گرو نهاده آید، بشتابید تا خداوند ، بدکاری های شما را بزدايد و گناهتان را بیامزد و بدی هایتان را به خوبی ها بدل کند ؛ زیرا او پادشاهی بزرگوار و پُربخشش است . ای جماعت مسلمانان! او به شما اجازه رسیدن به خدمتش و ایستادن در برابرش را داده است .

و حَيٌّ عَلَى الصَّلَاةِ دَوْم ، یعنی : به مناجات با پروردگارتان ، اللَّهُ ، بایستید و نیازهایتان را بر پروردگارتان عرضه کنید ، و با کلام او (قرآن) به وی توسل بجویید و آن را شفیع خود در پیشگاهش قرار دهید ، و ذکر و قنوت و رکوع و سجود و خضوع و خشوع بسیار ، به جای آورید ، و حاجت هایتان را به او باز گویید ، که اذن (اجازه) این کار را به ما داده است .

أَمَّا حَيٌّ عَلَى الْفَلَاحِ أَوْ ، [در آن] می گوید : به بقایی که هرگز فنا در آن راه ندارد و به نجاتی که هلاکتی با آن نیست ، روی آورید . به سوی حیاتی بیایید که مرگ را در آن راهی نیست ، و به سوی نعمتی که تمامی ندارد ، و به سوی سلطنتی که زوال نمی پذیرد ، و به سوی شادی ای که اندوهی با آن نیست ، و به سوی اُنسی که با وجود آن ، هرگز احساس وحشت (تنهایی) دست نمی دهد ، و به سوی نوری که هیچ ظلمتی در آن نیست ، و به سوی .

ص: ۵۹

* وَعَنْ أُمِّ سَلْمَةَ لِعَائِشَةَ : گَشَائِشِي که تنگی در آن راه نمی یابد ، و به سوی خوشی ای که هیچ گاه قطع نمی شود ، و به سوی غنایی که نیازمندی در آن جایی ندارد ، و به سوی سلامتی که بیماری با آن نیست ، و به سوی عزّتی که ذلّتی در آن نیست ، و به سوی نیرویی که هرگز سستی نمی گیرد ، و نیز به سوی کرامت وه که چه کرامتی ، و بشتابید به سوی شادمانی دنیا و آخرت و رهایی آن سرای و این سرای .

در حَيٌّ عَلَى الْفَلَاحِ دَوْم ، می گوید : به سوی آنچه شما را بدان فرا خواندم ، و به سوی کرامت فراوان و نواخت بزرگ و نعمت والا و رستگاری بزرگ و آسایش ابدی در جوار محمد صلی الله علیه و آله در قرارگاه صدق در نزد پادشاهی توانا ، سبقت بگیریید .

أما الله أكبر او ، می گوید : خدا والاتر و بزرگ تر از آن است که کسی از خلقش بداند که او برای بنده ای که او را اجابت و اطاعت می کند و فرمانش را به گوش می گیرد و بندگی او می کند و تهدید او را می شناسد و به او و به یاد او مشغول می شود و او را دوست می دارد و به او ایمان می آورد و به وی اطمینان دارد و به او اعتماد می کند و از او بیمناک و به او امیدوار است و مشتاق اوست و با فرمان و قضای او می سازد و بدانه‌ها رضایت می دهد ، چه کرامتی را در نظر گرفته است .

در الله أكبر دومش می گوید : خدا بزرگ تر و والاتر و برتر از آن است که کسی بداند که او چه اندازه کرامت را برای دوستانش ، و چه کیفی را برای دشمنانش ، و چه بخشش و آمرزش و نعمتی را برای آن کس که او و پیامبر او را اجابت کند ، و چه عذاب و مجازات و ذلّتی را برای آن کس او را انکار و نفی کند ، نهاده است . .

ص: ۶۰

* وعن أم سلمة لعائشة: أما لا إله إلا الله او ، معنایش این است که : خداوند ، به واسطه رسول و رسالت و روشنگری و دعوت ، بر بندگانش حجت قاطع دارد و او خود ، شأنش بالاتر از آن است که کسی از آنان را بروی حجّتی باشد . پس ، هر که خدای را اجابت کند ، برای او نور و کرامت است و هر که انکارش کند ، صد البتّه که خداوند از جهانیان ، بی نیاز است و او سریع ترین حسابرسان است.

و معنای قد قامت الصلاة در اقامه ، این است که : گاه ملاقات و مناجات و برآورده شدن حاجات و نیل به آرزوها و رسیدن به خداوند و کرامت و بخشش و خشنودی و آمرزش او فرا رسید (۱) . (۲)* وعنه عليه السلام في حمله إلى الشام : معاني الأخبار به نقل از عطاء : من و ابو العالیه و سعید بن جبیر و عکرمه در طائف (۳) نزد ابن عباس بودیم که مؤذّن (قثم بن عبد الرحمان ثقفی) آمد و گفت : «الله أكبر ، الله أكبر» .

ابن عباس گفت : می دانید که مؤذّن چه گفت؟

ابو العالیه گفت : تو برای ما تفسیرش کن .

ابن عباس گفت : هر گاه مؤذّن بگوید : «الله أكبر ، الله أكبر» ، در واقع می گوید : ای کسانی که در روی زمین ، سرگرم کارید! نماز ، واجب شد . دست از کار بردارید و به نماز پردازید . .

۱- .. صدوق رحمه الله می گوید : راوی این حدیث ، ذکر «حیّ علی خیر العمل» را از باب تقیه ترک کرده است (معانی الأخبار : ص ۴۱ ح ۱) .

۲- .. معانی الأخبار : ص ۳۸ ح ۱ ، التوحید : ص ۲۳۸ ح ۱ ، فلاح السائل : ص ۲۶۲ ح ۱۵۶ .

۳- .. طائف ، سرزمین قبیله ثقیف و شهر بزرگی در دو سه منزلی شرق مکه ، که تاکستان ها و باغ های میوه فراوان دارد (تاج العروس : ج ۱۲ ص ۳۶۰ «طوف»).

ص: ۶۱

* وعنه عليه السلام في حمله إلى الشام: وهر گاه بگوید: «أشهد أن لا إله إلا الله»، در واقع می گوید: روز قیامت که بیاید، آنچه در آسمان ها و زمین است، به نفع من گواهی می دهد که من، روزی پنج مرتبه شما را [از فرا رسیدن وقت نماز] آگاه ساختم.

و هر گاه بگوید: «أشهد أن محمداً رسول الله»، در واقع می گوید: روز قیامت که بیاید، محمد صلی الله علیه و آله به نفع من گواهی می دهد که من، روزی پنج مرتبه شما را از آن (رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله) آگاه ساختم، و مرا نزد خداوند، حجت است.

و هر گاه بگوید: «حیّ علی الصلاة»، در واقع می گوید: [اسلام،] دینی استوار است. پس، آن را برپا دارید.

و هر گاه بگوید: «حیّ علی الفلاح»، در واقع می گوید: به سوی طاعت خداوند بشتابید و سهم خود را از رحمت خدا یعنی جماعت بگیرید.

و هر گاه بنده بگوید: «الله أكبر، الله أكبر»، در واقع می گوید: کارها را حرام (تعطیل) کردم.

و هر گاه بگوید: «لا إله إلا الله»، در واقع می گوید: امانت هفت آسمان و هفت زمین و کوه ها و دریاها به گردن شما گذاشته شد. اگر می خواهید، رو کنید و اگر می خواهید، پشت کنید. (۱).

۱- .. معانی الأخبار: ص ۴۱ ح ۲، فلاح السائل: ص ۲۶۷ ح ۱۵۹.

ص: ۶۲

فصل چهارم: ارزش اذان و مؤذن

۴ / ۱ فضیلت اذان

فصل چهارم: ارزش اذان و مؤذن ۴ / ۱ فضیلت اذان* وعن علي بن الحسين عليهما السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اذان، نور (مایه روشنایی) است. (۱)* ومنه عن أبي عبد الله عليه السلام في لقمان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای بلال! نماز را به پا دار و به وسیله آن، ما را آسودگی (/شادمانی) بخش. (۲)* ومنه الدعاء للطفل الميِّت: سنن أبي داود به نقل از عبد الله بن محمد بن حنفيّه: من و پدرم به عیادت دامادمان که از انصار بود رفتیم. در این هنگام، وقت نماز فرا رسید. او به یکی از افراد خانواده اش گفت: ای دختر! برایم آبی بیاورید تا وضو بگیرم و نماز بخوانم که راحت شوم.

ما به این سخن او خرده گرفتیم. او گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «برخیز ای بلال و به واسطه نماز، ما را آسوده گردان». (۳)

- ۱- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۲ ح ۴۰۵، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۴ ح ۴۹.
- ۲- .. سنن أبي داود: ج ۴ ص ۲۹۶ ح ۴۹۸۵، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۳۹ ح ۲۳۱۴۹.
- ۳- .. سنن أبي داود: ج ۴ ص ۲۹۷ ح ۴۹۸۶، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۵۳ ح ۲۳۲۱۴.

ص: ۶۳

فرط: عن رسول الله صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اهل آسمان از اهل زمین، جز [بانگ] اذان، چیزی نمی شنوند. (۱)* وفي موسى عليه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به بلال، هر گاه که وقت نماز می شد: ای بلال! بالای دیوار برو و صدایت را به اذان، بلند کن؛ زیرا خداوند، بادی را برای اذان گماشته است که آن را به آسمان فراز برد، و فرشتگان، هر گاه بانگ اذان اهل زمین را بشنوند، می گویند: «این [صداها]، صدای امت محمد است که به توحید خداوند عز و جل بلند است» و برای امت محمد صلى الله عليه وآله، تا زمانی که آن نماز را تمام کنند، پیوسته آمرزش می طلبند. (۲)* وعن الكاظم عليه السلام: حليه الأولياء به نقل از شَمِيط بن عجلان: مؤذّن بنی کعب، حدیث کرد و گفت: من در بیابانی بی آب و علف گرفتار شده بودم که اذان گفتم. پس، گوینده ای از پشت سرم به من گفت: خداوند، چه نیکو تو را ادب آموخته است!

برگشتم. دیدم که ابو بزره اسلمی است. گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «هیچ بنده ای نیست که در بیابانی بی آب و علف اذان بگوید، مگر آن که هر درخت و گیاه و کلوخ و خاک و هر چیز دیگری که در آن جا هست، به واسطه اندک بودن یادکنندگان خدا در آن مکان، گریه کردن را شیرین می یابد». (۳) فرض: عن رسول الله صلى الله عليه وآله في حُنينيماير خدا صلى الله عليه وآله در سفارش به ابو ذر: ای ابو ذر! بنده، هر گاه در بیابانی بی آب و علف باشد و وضو بگیرد یا تیمم کند و سپس اذان و اقامه بگوید و.

- ۱- .. مسند عبد الله بن عمر: ص ۲۴ ح ۱۲، الفردوس: ج ۱ ص ۲۳۰ ح ۸۸۲.
- ۲- .. الكافي: ج ۳ ص ۳۰۷ ح ۳۱، تهذيب الأحكام: ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۰۶.
- ۳- .. حليه الأولياء: ج ۳ ص ۱۳۲.

ص: ۶۴

فرض: عن رسول الله صلى الله عليه وآله في حُنينيماير بخواند، خداوند عز و جل به فرشتگان دستور می دهد که پشت سر او صف کشند چندان که ابتدا و انتهای آن صف، ناپیداست و با رکوع او رکوع کنند و با سجود او به سجده روند و برای دعایش آمین بگویند.

ای ابو ذر! هر کس اقامه بگوید و اذان نکوید، تنها آن دو فرشته ای که همراهش هستند، با او نماز می گزارند. (۱)* ومنه عن أبي جعفر عليه السلام في النبي صلى الله عليه وآله: هر مردی که در سرزمینی خشک و خالی باشد و با فرا رسیدن وقت نماز، اذان و اقامه بگوید و نماز بگزارد، پشت سر او، فرشتگان، چندان صف می کشند که دو سوی آن،

نابیدا باشد و با رکوع او رکوع می کنند و با سجودش به سجده می روند و برای دعایش آمین می گویند. (۲) فرص : فی الحسن بن علیّ علیهما السلام : امام صادق علیه السلام : هر گاه اذان و اقامه بگویی ، پشت سرت دو صف از فرشتگان به نماز می ایستند و هر گاه فقط اقامه بگویی ، یک صف از فرشتگان پشت سرت نماز می خوانند . (۳)* وعن رسول الله صلى الله عليه وآله في الجنة : ثواب الأعمال به نقل از مفضل بن عمر : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر کس با اذان و اقامه نماز بخواند ، دو صف از فرشتگان ، پشت سر او نماز می خوانند و هر کس با اقامه و بدون گفتن اذان نماز بگذارد ، پشت سر او تنها یک صف به نماز می ایستند» . .

- ۱- .. الأمامی ، طوسی : ص ۵۳۵ ح ۱۱۶۲ ، مکارم الأخلاق : ج ۲ ص ۳۷۳ ح ۲۶۶۱ .
- ۲- .. السنن الكبرى: ج ۱ ص ۵۹۷ ح ۱۹۰۸ ، کنز العمال : ج ۷ ص ۶۸۸ ح ۲۰۹۳۰ .
- ۳- .. الكافي : ج ۳ ص ۳۰۳ ح ۸ ، تهذيب الأحكام : ج ۲ ص ۵۲ ح ۱۷۴ .

ص: ۶۵

۴ / ۱۲ ای کاش مردم ، فضیلت اذان را می دانستند!

* وعن رسول الله صلى الله عليه وآله في الجنة : گفتم : اندازه هر صف ، چه قدر است؟

فرمود : «کمترین آن ، از مشرق تا مغرب ، و بیشترینش از آسمان تا زمین است» . (۱)* ومنه عن الحسين بن عليّ عليهما السلام : کتاب من لا يحضره الفقيه به نقل از عباس بن هلال : امام رضا علیه السلام فرمود : «هر کس اذان و اقامه بگوید ، دو صف از فرشتگان ، پشت سرش نماز می گزارند و هر کس بدون اذان اقامه بگوید ، تنها یک فرشته در سمت راست او و یکی در سمت چپ او می ایستد» . سپس فرمود : «دو صف را غنیمت بشمار!» . (۲) ۴ / ۱۲ ای کاش مردم ، فضیلت اذان را می دانستند! * وعن أبي جعفر عليه السلام في الشفاعة : پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : اگر مردم می دانستند که چه [فضیلتی] در اذان است ، بر سر [گفتن] آن ، با یکدیگر می جنگیدند (۳) . (۴)* وعن أمير المؤمنين عليه السلام : پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : سه چیز است که اگر امت من بدانند که چه [فضیلتی] در آنها هست ، بر سر آن ، قرعه می زنند (با تیر ، یکدیگر را می زنند) : اذان ، شتافتن به نماز جمعه ، و صف اول [جماعت] . (۵)

۱- .. ثواب الأعمال: ص ۵۴ ح ۲ ، کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۲۸۷ ح ۸۸۷ .

۲- .. کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۲۸۷ ح ۸۸۸ .

۳- .. عبارت پایانی این حدیث ، در المصنّف ابن ابی شیبّه ، «لتحارّوه» است که چندان معنای روشنی ندارد ؛ اما در إتحاف الساده المتّقین ، «لتحاربوه (با یکدیگر می جنگیدند)» آمده که به قرینه احادیث بعد ، شاید همین درست باشد . یا شاید درستش ، «لتحرّوه» (از «تحرّی» به معنای : در دستیابی به چیزی یا در کاری یا گفتاری ، از همدیگر پیشی گرفتن) باشد (ر .

ک : النهایه : ج ۱ ص ۳۷۶ «حرا» .

۴- .. المصنّف ، ابن أبی شیبہ : ج ۱ ص ۲۵۴ ح ۶ ، إتحاف الساده المتّقین : ج ۳ ص ۷ .

۵- .. النوادر ، راوندی : ص ۱۴۹ ح ۲۱۱ ، الجعفریات : ص ۳۴ .

ص: ۶۶

* وعن علی بن الحسین علیهما السلام فی الکوفه : امام علی علیه السلام : گفتیم : ای پیامبر خدا! شما ما را چندان به اذان گفتن ترغیب کردید که ترسیدیم امت تو بر سر آن ، با شمشیر به جان هم بیفتند!

پیامبر خدا فرمود : «[با این حال ،] اذان گفتن ، هرگز از فقیران شما فراتر نخواهد رفت» . (۱)* ومنه عن الباقر علیه السلام : امام علی علیه السلام : پیامبر خدا فرمود : «برای مؤذن ، در فاصله میان اذان و اقامه پاداشی همانند مزد شهید به خون غلتیده در راه خداست» .

گفتم : ای پیامبر خدا! [با این ترغیب های شما] آنان بر سر گفتن اذان ، با شمشیر به جان یکدیگر خواهند افتاد!

فرمود : «هرگز! زمانی بر مردم می آید که اذان گفتن را به عهده فقیرانشان می افکنند ، و آنان گوشت هایی هستند که خداوند ، آنها را بر آتش حرام کرده است» . (۲)* وعن رسول الله صلی الله علیه و آله : مستدرک الوسائل به نقل از جابر بن عبد الله : شنیدم که پیامبر خدا می فرماید : «خدایا! مؤذنان را بیامرز» و این جمله را سه بار فرمود .

گفتم : ای پیامبر خدا! ما برای اذان ، شمشیر می زنیم ؛ ولی شما این گونه که برای مؤذنان دعا کردید ، برای ما دعا نموده اید؟

فرمود : «ای جابر! بدان ، زمانی بر مردم فرا می رسد که اذان گفتن را به

فقیرانشان می سپارند . گوشت هایی وجود دارند که بر آتش ، حرام اند . اینها همان گوشت های مؤذنان است» . (۳) .

۱- .. الجعفریات: ص ۲۴۵ ، دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۱۴۴ .

۲- .. تهذیب الأحکام : ج ۲ ص ۲۸۳ ح ۱۱۳۰ ، ثواب الأعمال : ص ۵۳ ح ۱ .

۳- .. مستدرک الوسائل : ج ۴ ص ۲۲ ح ۴۰۸۰ ؛ تفسیر ابن کثیر : ج ۷ ص ۱۶۸ .

ص: ۶۷

۴ / ۳ فضیلت مؤذن

الف دعوتگر به خدا

ب ستون خدا

۴ / ۳ فضیلت مؤذنانف دعوتگر به خدافرش : عن أمير المؤمنين عليه السلام في الصلاة : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤذن ، دعوتگر [به سوی خدا] است و امام جماعت ، نور خداست و صف ها [ی جماعت ،] تکیه گاه های [دین] خدایند و قرآن ، گفتار خداست . پس ، دعوتگر خدا را اجابت کنید و از نور او بهره بگیرید و تکیه گاه های دین او باشید و گفتارش را بیاموزید . (۱) ب ستون خدا* و عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤذنان ، ستون خدایند و امام جماعت ، نور خداست و صف ها [ی جماعت ،] تکیه گاه های [دین] خدایند . پس ، ستون خدا را لئیک بگویند و از نور خدا پرتو بگیرید و از تکیه گاه های [دین] خدا باشید . (۲) ج امانتداران اهل ایمان* و عن أمير المؤمنين عليه السلام في عهده : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤذنان ، امانتداران اهل ایمان بر نمازها و روزه و گوشت و خونشان هستند . هر چه از خدای عز و جل بخواهند ، به آنان عطا می کند و برای

هر چه شفاعت کنند ، شفاعتشان پذیرفته می شود . (۳)

۱- .. الفردوس : ج ۴ ص ۱۹۴ ح ۶۵۹۸ ، کنز العمال : ج ۷ ص ۶۸۵ ح ۲۰۹۱۲ .

۲- .. کنز العمال : ج ۷ ص ۶۸۵ ح ۲۰۹۱۳ .

۳- .. کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۲۹۲ ح ۹۰۵ .

ص : ۶۸

د دست خدا بر سر اوست

ه هر تر و خشکی ، او را تصدیق می کند

و به اندازه صداس او ، گناهانش آمرزیده می شود

* و منه عن رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤذنان ، امانتداران مسلمانان بر نمازها و سحرهایشان هستند . (۱) فرس : عن الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام جماعت ، ضمانت کننده است و مؤذن ، امانتدار . بار خدایا! امانت جماعت را ارشاد کن و مؤذنان را بیامرز . (۲) ر . ک : وسائل الشیعه : ج ۵ ص ۲۷۸ (ابواب اذان و اقامه / باب سوم)

د دست خدا بر سر اوست* و عن أبي أراکه فی أمير المؤمنين عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دست خدای مهربان ، بالای سر مؤذن است (۳) و به اندازه صداس او ، تا هر کجا صدایش برسد ، گناهانش را می آمرزد . (۴) فرر : فی صفته صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤذن ، هر گاه شروع به گفتن اذان کند ، پروردگار عز و جل دستش را بر سر او می نهد و همچنان بر سر اوست تا اذانش را تمام کند . (۵) ه هر تر و خشکی ، او را تصدیق می کند فردوس : عن رسول الله

صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مؤذنی که بانگ «أشهد أن لا إله إلا الله» او را شنید: هر تر و خشکی، تو را تصدیق می کند. (۶) و به اندازه صدآرس او، گناهانش آمرزیده می شود* و عن رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به اندازه صدآرس مؤذن، گناهانش آمرزیده می شود و هر تر و خشکی که صدای او را بشنود، گفته های او را تصدیق می کند، و برای مؤذن، همانند پاداش کسی است که با او نماز می خواند. (۷) فرد: فی أسمائه تعالی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به اندازه صدآرس مؤذن، گناهانش آمرزیده می شود و هر تر

۱-.. السنن الكبرى: ج ۱ ص ۶۲۶ ح ۱۹۹۹، المعجم الكبير: ج ۷ ص ۱۷۶ ح ۶۷۴۳.

۲-.. سنن أبي داود: ج ۱ ص ۱۴۳ ح ۵۱۷، سنن الترمذی: ج ۱ ص ۴۰۲ ح ۲۰۷.

۳-.. اشاره به لطف و عنایت ویژه حضرت حق به مؤذن است.

۴-.. المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۲۸۱ ح ۱۹۸۷، تاریخ بغداد: ج ۱۱ ص ۱۹۳ ح ۵۹۰۱.

۵-.. الفردوس: ج ۱ ص ۳۲۰ ح ۱۲۶۵، کنز العمال: ج ۷ ص ۶۸۱ ح ۲۰۸۹۲.

۶-.. المجازات النبویة: ص ۲۲۱ ح ۱۷۸، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۸۴ ح ۱۷.

۷-.. سنن النسائی: ج ۲ ص ۱۳، مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۴۰۶ ح ۱۸۵۳۲.

ص: ۶۹

ز بهشت بر او واجب می شود

فرد: فی أسمائه تعالی: و خشکی برای او گواهی می دهد. (۱)* و منه عن موسى بن جعفر عليهما السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تا آن جا که صدای اذان مؤذن برسد، خداوند گناهانش را می آمرزد و هر تر و خشکی که صدای او را بشنود، برایش آمرزش می طلبد. (۲)* و فی الخبر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به اندازه صدآرس مؤذن، گناهانش آمرزیده می شود و برای او همانند اجر کسانی است که با وی نماز می خوانند، بدون آن که از اجر آنان چیزی کم شود. (۳) فرخ: عن أمير المؤمنين عليه السلام في الشيطان: امام باقر عليه السلام: هر کس به مدت ده سال، برای رضای خدا اذان بگوید، خداوند به اندازه ای که نگاه و صدای مؤذن در آسمان می رسد، گناهانش را می آمرزد، و هر تر و خشکی که بانگ اذانش را بشنود، او را تصدیق می کند، و از [پاداش] هر که در مسجد او با وی نماز بخواند، او را سهمی است، و از [حسنات] هر که با صدای او نماز بخواند، برایش حسنه ای است. (۴) فرخ: عن أبي جعفر عليه السلام: امام صادق عليه السلام: به اندازه صدآرس مؤذن، گناهانش آمرزیده می شود و هر چیزی که صدای او را بشنود، برایش گواهی می دهد. (۵) ز بهشت بر او واجب می شود* و فی الخبر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در شهری از شهرهای مسلمانان به مدت یک سال اذان بگوید، بهشت بر او واجب می گردد. (۶)

- ۱- .. سنن أبی داود : ج ۱ ص ۱۴۲ ح ۵۱۵ ، مسند ابن حنبل : ج ۳ ص ۴۲۰ ح ۹۵۴۶ .
- ۲- .. مسند ابن حنبل : ج ۲ ص ۵۰۰ ح ۶۲۱۰ ، کنز العمال : ج ۷ ص ۶۸۷ ح ۲۰۹۲۶ .
- ۳- .. تنبيه الغافلین : ص ۲۸۵ ح ۳۸۹ ، المعجم الكبير : ج ۸ ص ۲۴۱ ح ۷۹۴۲ .
- ۴- .. تهذيب الأحكام : ج ۲ ص ۲۸۴ ح ۱۱۳۱ ، الخصال : ص ۴۴۸ ح ۵۰ .
- ۵- .. الکافی : ج ۳ ص ۳۰۷ ح ۲۸ ، تهذيب الأحكام : ج ۲ ص ۵۲ ح ۱۷۵ .
- ۶- .. تهذيب الأحكام : ج ۲ ص ۲۸۳ ح ۱۱۲۶ ، ثواب الأعمال : ص ۵۲ ح ۱ .

ص: ۷۰

* وفي الخبر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس یک سال بر گفتن اذان مداومت ورزد ، بهشت بر او واجب می گردد.
(۱) فرج : عن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وارد بهشت شدم و در آن ، گنبدهایی از مروارید دیدم .
گفتم : ای جبرئیل! اینها از آن کیست؟

گفت : از آن مؤذنان و امامان جماعتِ اُمّت تو . (۲)* وعن رسول الله صلى الله عليه و آله في ذى الحُوَیّامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس هفت سال برای رضای خدا اذان بگوید ، خداوند برات آزادی از آتش را برایش می نویسد . (۳)* ومنه عن أبي جعفر عليه السلام : امام باقر علیه السلام : هر کس هفت سال برای خدا اذان بگوید ، روز قیامت ، در حالی [به صحرای محشر] می آید که هیچ گناهی ندارد . (۴)* ومنه عن سدير الصيرفي : تنبيه الغافلین به نقل از سلمه بن ضرار ، از مردی شافعی : مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : مرا از عملی آگاه فرما که با به کار بستن آن ، به بهشت روم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «مؤذّن قومت باش تا به واسطه [اذان] تو نمازشان را به جماعت بخوانند» .

گفت : ای پیامبر خدا! اگر از عهده این کار بر نیامدم؟

فرمود : «امام جماعت قومت باش تا به واسطه تو ، نمازشان را به جماعت اقامه کنند» .

گفت : اگر نتوانستم؟ .

- ۱- .. شعب الإيمان : ج ۳ ص ۱۱۹ ح ۳۰۵۸ ، تاریخ دمشق : ج ۵۴ ص ۴۷ ح ۱۱۳۴۸ .
- ۲- .. المطالب العالیه : ج ۱ ص ۶۶ ح ۲۳۶ ، کنز العمال : ج ۷ ص ۶۸۲ ح ۲۰۹۰۰ .
- ۳- .. سنن ابن ماجه : ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۷۲۷ ، سنن الترمذی : ج ۱ ص ۴۰۰ ح ۲۰۶ .
- ۴- .. کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۱ ص ۲۸۶ ح ۸۸۳ ، ثواب الأعمال : ص ۵۲ ح ۱ .

ص: ۷۱

* ومنه عن سدیر الصیرفی : فرمود : «در صف اوّل [جماعت،] باش». (۱).

ح بدنش در قبر متلاشی نمی شود فرث : عن زینب علیها السلام فی أهل الکوفه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان ویژگی های امام علی علیه السلام در روز قیامت : پرچم ستایش (لواء الحمد) (۲) در دست اوست و همه خلائق ، زیر این پرچم هستند و امامان جماعت و مؤذنان ، در حالی که قرآن تلاوت می کنند و اذان می گویند ، او را در میان می گیرند ؛ و اینان همانانی هستند که در قبرهایشان متلاشی نمی شوند. (۳) فرتع : عن النبی صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که برای خدا اذان می گوید ، تا زمانی که اذانش را به پایان ببرد ، همانند شهیدی است که در خونش می غلتد ، و هر تر و خشکی برای او گواهی می دهد ، و هر گاه بمیرد ، [بدن او] در گورش کرم نمی افتد. (۴) ط در حال اذان گفتن ، محشور می شود فرث : فی الخبر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤذّن ها و کسانی که اذان او را لَبَّیک می گویند ، در حالی از گورهایشان بیرون می آیند که مؤذّن ، اذان می گوید و لَبَّیک گو ، لَبَّیک می گوید. (۵) فذلک : عن أبی عبد الله علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آنان که برای خدا و پاداش او اذان می گویند ، در روز قیامت ، اذان گویان ، از گورهایشان بیرون می آیند . مؤذّنی که برای خدا

۱- .. تنبیه الغافلین : ص ۲۸۵ ح ۳۸۸ ، تاریخ أصبهان : ج ۲ ص ۴۸ ح ۱۰۴۶ .

۲- .. لواء الحمد ، پرچمی است که بر آن ، این کلمات نقش بسته است : «لا إله إلا الله . المفلحون هم الفائزون بالله» . (بصائر الدرجات : ص ۴۳۶) .

۳- .. تفسیر فرات : ص ۵۰۷ ح ۶۶۴ ، بحار الأنوار : ج ۸ ص ۶ ح ۱۰ .

۴- .. المعجم الكبير : ج ۱۲ ص ۳۲۲ ح ۱۳۵۵۴ ، تاریخ أصبهان : ج ۲ ص ۷۶ ح ۱۱۳۶ .

۵- .. المعجم الأوسط : ج ۴ ص ۴۰ ح ۳۵۵۸ ، کنز العمال : ج ۷ ص ۶۷۹ ح ۲۰۸۸۱ .

ص: ۷۲

ی سرفرازترین مردم در روز قیامت

فذلک : عن أبی عبد الله علیه السلام : اذان بگوید ، هر چیزی (از سنگ و درخت و کلوخ و بشر و هر تر و خشکی) ، برای او گواهی می دهد که صدای او را بشنود ، و خداوند به اندازه صدارس او گناهایش را می آمرزد ، و به شمار کسانی که با اذان او نماز می خوانند ، برایش اجر می نویسد ، و در فاصله میان اذان و اقامه ، هر درخواستی کند ، خداوند به او عطا می کند : یا در همین دنیا می دهد ، یا برای آخرتش ذخیره می کند و یا گزند را از او دفع می نماید . (۱) فذلک : عن النبی صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز قیامت بشود و خداوند عز و جل مردم را در یک دشت گرد آورد ، خداوند عز و جل برای مؤذّنان ، فرشتگانی از نور می فرستد که درفش ها و پرچم هایی از نور با خود حمل می کنند و اسب هایی را با

خود می کشند که افسارهایشان از زبرجد سبز است و خورجین هایشان از مُشک تیزبوی . مؤذنان ، بر این اسب ها سوار می شوند و روی آنها راست می ایستند و فرشتگان ، آنها را می کشند و مؤذنان با تمام توان ، صدایشان را به اذان ، بلند می کنند . (۲)ی سرفرازترین مردم در روز قیامت* ومنه عن جماعة من الصحابة: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، مؤذنان ، سرفرازترین (۳) مردمان اند . (۴)* ومنه عن أبي عبد الله عليه السلام للمفضل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به درستی ، سوگند می خورم که : محبوب ترین بندگان خدا در نزد خداوند ، مراقبان خورشید و ماه یعنی مؤذنان هستند . اینان در روز قیامت ، به کشیدگی گردن هایشان شناخته می شوند. (۵)* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام في وصف المتقيامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، مؤذنان ، در حالی می آیند که سرفرازترین

۱- .. تنبيه الغافلين : ص ۲۹۰ ح ۴۰۵ ، تاريخ أصبهان : ج ۱ ص ۳۹۷ ح ۷۴۶ .

۲- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۹۴ ح ۹۰۵ .

۳- .. یعنی بیش از همه مردم ، به سوی رحمت خدا گردن می کشند . به قولی ، آقا و سرورند . عرب ، افراد آقا را به گردن فرازی توصیف می کند (ر . ک : شرح النووی علی صحیح مسلم : ج ۴ ص ۳۳۳) .

۴- .. صحیح مسلم : ج ۱ ص ۲۹۰ ح ۱۴ ، سنن ابن ماجه : ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۷۲۵ .

۵- .. المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۱۰۶ ح ۴۸۰۸ ، تاريخ بغداد: ج ۳ ص ۹۹ ح ۱۰۹۵ .

ص: ۷۳

ک مؤذن ، با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان است

ل گوناگون

* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام في وصف المتقمرمان اند و بانگ «أشهد أن لا إله إلا الله و أنّ محمّدا عبده و رسوله» سر می دهند . هر چیزی که صدای مؤذنان را بشنود ، در روز قیامت ، همان را به نفع آنان گواهی می دهد. (۱)فدا : عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی أسرى بامام علی علیه السلام : در روز قیامت ، مؤذنان ، سرفراز محشور می شوند. (۲)ک مؤذن ، با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان است* ومنه فی جعفر الکذاب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤذنان امت من ، با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور می شوند. (۳)* وعن رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام : ای علی! در روز قیامت ، پرچم حمد (لواء الحمد) در دست توست و پیشاپیش امت حرکت می کنی و مؤذنان ، در سمت راست و چپ تو قرار گرفته اند. (۴)* وعنّه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به مدت ده سال اذان بگوید ، خداوند عز و جل او را در سرپرده ابراهیم خلیل علیه السلام با وی و یا در درجه او سیکنا می دهد. (۵)ل گوناگونفد: عن أمير المؤمنين عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برای امام جماعت و مؤذن ، همانند پاداش کسی است که با آنان نماز می گزارد. (۶)* ومنه عن الجارود بن المنذر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین مردم در مسجد ، اول ، امام جماعت است ، سپس مؤذن و آن گاه [افراد ایستاده در] سمت راست امام . (۷)

- ۱- .. مسند زید : ص ۹۷ ، دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۱۴۴ .
- ۲- .. المحاسن : ج ۱ ص ۱۲۱ ح ۱۲۸ ، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۴۹ ح ۴۳ .
- ۳- .. الخصال : ص ۳۵۵ ح ۳۶ ، الأمالی ، صدوق: ص ۲۶۱ ح ۲۷۹ ، الاختصاص: ص ۳۹ .
- ۴- .. تفسیر فرات : ص ۳۶۶ ح ۴۹۸ ، بحار الأنوار: ج ۸ ص ۷ ح ۱۲ .
- ۵- .. کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۲۹۳ ح ۹۰۵ .
- ۶- .. كنز العمال : ج ۷ ص ۵۸۶ ح ۲۰۳۷۴ .
- ۷- .. الفردوس : ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۴۴۶ ، كنز العمال: ج ۷ ص ۵۸۶ ح ۲۰۳۷۵ .

ص: ۷۴

۴ / ۴ حق مؤذن

فدغد: عن المفضل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤذن را بر کسی که نماز می گزارد ، دویت و بیست حسنه برتری است ، مگر بر آن کسی که مانند آنچه مؤذن می گوید ، [اذان] بگوید . و اگر اقامه هم بگوید ، او را دویت و چهل حسنه است .
(۱) * ومنه فی خبر حرث قبر الحسین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس با نیت خالص و بدون درخواست مزدی ، به مدت یک سال اذان بگوید ، روز قیامت ، هنگامی که محشور می شود ، او را بر در بهشت نگه می دارند و به او می گویند : برای هر که می خواهی ، شفاعت کن . (۲) * ومنه فی أیوب علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در راه خدا و از سیر ایمان و برای طلب خشنودی خدا و تقرب به خداوند عز و جل ، برای یک نماز ، اذان بگوید ، خداوند گناهان گذشته او را می آمرزد ، و او را در باقیمانده عمرش ، از گناه

محفوظ می دارد و وی را در بهشت با شهدا گرد می آورد. (۳) ۴ / ۴ حق مؤذنفدد : عن رسول الله صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام در رساله حقوق : حق مؤذن ، آن است که بدانی که او پروردگارت را به یاد تو می آورد و تو را به بهره ات فرا می خواند و تو را بر انجام دادن آنچه خداوند بر تو واجب نموده است ، کمک می کند . پس برای این کار ، سپاس گذاری کن ، همچنان که از کسی که به تو نیکی می کند ، سپاس گذاری می کنی. (۴)

- ۱- .. الفردوس : ج ۳ ص ۳۲۱ ح ۴۹۶۲ ، تاریخ أصبهان : ج ۱ ص ۳۸۴ ح ۷۱۵ .
- ۲- .. تاریخ دمشق : ج ۱۴ ص ۹۰ ح ۳۳۹۰ .
- ۳- .. کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۹۴ ح ۹۰۵ .
- ۴- .. کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۲ ص ۶۲۳ ح ۳۲۱۴ ، الخصال: ص ۵۶۹ ح ۱ .

ص: ۷۵

فصل پنجم: برکات اذان ۵ / ۱ رانده شدن شیطان* ومنه عن أبي عبد الله عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤذن اذان بگوید، شیطان به سرعت پا به فرار می گذارد. (۱)* ومنه عن رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، هر گاه بانگ نماز را بشنود، تا رَوْحَاء (۲) دور می شود. (۳) فدح: عن أمير المؤمنين عليه السلام في وفاه النبي صلی الله علیه و آله در سفارش به امیر مؤمنان علیه السلام: ای علی! هر گاه پسری یا دختری برایت متولد شد، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگو؛ زیرا در این صورت، شیطان هرگز به او گزند نمی رساند. (۴) فخم: فی صفته صلی الله علیه و آله: امام زین العابدین علیه السلام: اسماء بنت عمیس، برایم نقل کرد و گفت: فاطمه علیها السلام

۱- صحیح مسلم: ج ۱ ص ۲۹۱ ح ۱۷، وص ۳۹۸ ح ۸۳.

۲- رَوْحَاء، مکانی است میان مکه و مدینه در سی یا چهل و یا سی و شش میلی مدینه. (تاج العروس: ج ۴ ص ۶۷ «روح»)

۳- صحیح مسلم: ج ۱ ص ۲۹۰ ح ۱۵، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۹۵ ح ۱۴۶۱۶.

۴- تحف العقول: ص ۱۳، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۶۶ ح ۵.

ص: ۷۶

فخم: فی صفته صلی الله علیه و آله: برایم حدیث کرد که چون حسن علیه السلام را باردار شد و او را به دنیا آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله آمد... و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت...

یک سال بعد که حسین علیه السلام متولد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: «ای اسماء! پسر مرا بیاور». من، نوزاد را در پارچه سفیدی به دست ایشان دادم. پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و او را بر زانوی خود نهاد و گریست. (۱)* وعن رسول الله صلی الله علیه و آله: امام زین العابدین علیه السلام: روزی که حسن علیه السلام متولد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش او اذان گفت. (۲)* وعن أبي عبد الله عليه السلام: امام باقر علیه السلام: هر گاه برای هر یک از شما فرزندی متولد شد، روز هفتم برایش عقیقه کند... و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید. (۳) فخر: عن رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: فرزند که به دنیا آمد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفته می شود. (۴)* ومنه عن أبي عبد الله عليه السلام: الکافی به نقل از سلیمان جعفری (۵): از آن حضرت شنیدم که می فرمود: در خانه ات اذان بگو؛ زیرا این کار، شیطان را می راند و برای کودکان نیز خوب (مفید) است. (۶).

۱- عیون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۲۵ ح ۵، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ص ۲۴۰ ح ۱۴۶.

۲- .. عیون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۴۳ ح ۱۴۷، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۸۸ ح ۱۶۹۱.

۳- .. مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۸۷ ح ۱۶۸۶، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۰۴ ح ۱۲۲ ح ۶۲.

۴- .. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۹۱۱.

۵- .. نجاشی، او را از اصحاب امام رضا علیه السلام شمرده است (ر. ک: رجال النجاشی: ج ۱ ص ۴۱۲ ش ۴۸۱). شیخ

طوسی، او را یک بار از اصحاب امام کاظم علیه السلام و یک بار از اصحاب امام رضا علیه السلام شمرده است (ر. ک:

رجال الطوسی: ص ۳۲۸ ش ۵۰۲۷ و ص ۳۵۸ ش ۵۲۹۸).

۶- .. الکافی: ج ۳ ص ۳۰۸ ح ۳۵، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۶۳.

ص: ۷۷

۵ / ۲ پذیرفته شدن دعا

۵ / ۳ در امان خداوند بودن

۵ / ۴ دفع بیماری

۵ / ۲ پذیرفته شدن دعا: فی الخبر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هنگام اذان گفتن مؤذنان، دعا مستجاب می شود.

(۱) ۵ / ۳ در امان خداوند بودن* وعن موسی بن جعفر علیهما السلام فی إحرام الصبیان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه در

یک آبادی اذان گفته شود، خداوند در آن روز، آن آبادی را از عذابش ایمن می دارد. (۲) فسخ: عن ابن المفضل: پیامبر

خدا صلی الله علیه و آله: هر مردمی که در میانشان بانگ اذان صبح گفته شود، تا شب در امان خدا هستند و هر مردمی که

برایشان بانگ اذان شب گفته شود، تا صبح در امان خداوند هستند. (۳) ۵ / ۴ دفع بیماری* ومنه الدعاء: الکافی به نقل از

محمد بن راشد: هشام بن ابراهیم برایم نقل کرد که از بیماری خود و از این که بچه دار نمی شود، نزد امام رضا علیه

السلامت کوه کرد. امام علیه السلام او فرمود که در منزلش بانگ اذان سر دهد. هشام گفت: «من این کار را کردم و

خداوند، بیماری مرا برطرف ساخت و فرزندان بسیاری به من عطا کرد».

۱- .. تاریخ بغداد: ج ۸ ص ۲۰۸، الفردوس: ج ۳ ص ۴۷ ح ۴۱۲۲.

۲- .. المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۸۳ ح ۳۶۷۱، المعجم الكبير: ج ۱ ص ۲۵۷ ح ۷۴۶ کلاهما عن أنس، کنز العمال: ج ۷ ص

۶۸۱ ح ۲۰۸۹۳.

۳- .. المعجم الكبير: ج ۲۰ ص ۲۱۵ ح ۴۹۸.

ص: ۷۸

۵ / ۵ درمان بد اخلاقی

* ومنه الدعاء: من و جماعت خدمتکارانم و افراد خانواده ام ، پیوسته از بیماری رنج می بردیم و بیماری رهایمان نمی کرد . چون این مطلب را از هشام شنیدم ، آن را به کار بستم و خداوند ، بیماری ها را از من و خانواده ام برطرف ساخت. (۱) / ۵
 ۵درمان بداخلاقیفحو : فی الخبر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس (چه انسان و چه حیوان) بداخلاق شد ، در دو گوشش اذان بگوید. (۲)* وعن النبی صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :کسی که اخلاقش بد است ، در گوشش اذان بگوید. (۳) / ۵ / ۶دفع وحشت* ومنه عن تغلب فی ساعات اللیل :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه غول ها (۴) به سراغ شما آمدند ، به همان صورت اذان نماز ، اذان بگوید. (۵)* وفي حدیث الهجرة :امام صادق علیه السلام :هر گاه گرفتار غول شدید ، اذان بگوید. (۶)

- ۱- .. الکافی: ج ۳ ص ۳۰۸ ح ۳۳، تهذیب الأحکام: ج ۲ ص ۵۹ ح ۲۰۷ .
- ۲- .. الفردوس : ج ۳ ص ۵۵۸ ح ۵۷۵۲ ، کنز العمال : ج ۱۵ ص ۴۲۱ ح ۴۱۶۶۵ .
- ۳- .. الکافی : ج ۶ ص ۳۰۹ ح ۱ ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۱ ص ۲۹۹ ح ۹۱۲ .
- ۴- .. غول ، موجودی است از جنس جن و شیاطین . عرب ها معتقد بودند که غول ها در بیابان ها بر مردم ظاهر می شوند و خود را به شکل های مختلف در می آورند و مسافران را به بیراهه و نابودی می کشانند (النهایه : ج ۳ ص ۳۹۶ «غول»).
- ۵- .. المحاسن : ج ۱ ص ۱۲۱ ح ۱۲۸ ، الجعفریات : ص ۴۲ .
- ۶- .. کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۱ ص ۲۹۸ ح ۹۱۰ .

ص: ۷۹

فصل ششم: آداب اذان

۶ / ۱ افراد شایسته برای اذان گفتن

فصل ششم: آداب اذان / ۶ / ۱ افراد شایسته برای اذان گفتن: عن أبي عبد الله عليه السلام في معنى قوله تپيامبر خدا صلی الله علیه و آله : باید بهترین افراد شما برایتان اذان بگویند و باید امامت جماعت شما را قاریانتان به عهده بگیرند. (۱)* ومنه عن أبي الصلت :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن کس که قرائتش از همه شما بهتر است ، امام جماعت شما بشود و بهترینتان ، برای شما اذان بگوید. (۲)* وعن علی بن محمد علیهما السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بنی خَطمه (از انصار) : ای بنی خَطمه ! مؤذنتان را بهترین فرد در میان خود قرار دهید. (۳) فحل : عن أمير المؤمنين عليه السلام : امام علی علیه السلام : باید فصیح ترین فرد شما برایتان اذان بگوید و باید فقیه ترین فرد شما امامت جماعت شما را بر عهده بگیرد. (۴)* وعنہ صلی الله علیه و آله فی الشیعه :الکافی به نقل از عمّار ساباطی :از امام صادق علیه السلام درباره اذان سؤال شد که :

- ۱- .. سنن أبي داود: ج ۱ ص ۱۶۱ ح ۵۹۰، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۷۲۶.
- ۲- .. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۸۵ ح ۸۸۰.
- ۳- .. السنن الكبرى: ج ۱ ص ۶۲۷ ح ۲۰۰۱، كنز العمال: ج ۷ ص ۶۹۷ ح ۲۰۹۷۷.
- ۴- .. دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۴۷، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۶۱ ح ۶۵.

ص: ۸۰

۶ / ۲ مهم ترین نکاتی که مؤذن باید رعایت کند

الف طهارت

ب بلند کردن صدا

* وعنه صلى الله عليه و آله فى الشيعة: آیا اذان گفتن فرد غیر آگاه [به عقاید صحیح]، جایز است؟

فرمود: «اذان [چنین کسی]، درست نیست، و روا نیست که جز مرد مسلمان آگاه، اذان بگوید. اگر شخصی اذان را بلد باشد و اذان بگوید، اما آگاه [به دین] نباشد، نه اذانش رواست و نه اقامه اش و نه اقتدا کردن به او جایز است». (۱) ۶ / ۲ مهم ترین نکاتی که مؤذن باید رعایت کند الف طهارت* وعن رسول الله صلى الله عليه و آله: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: وظیفه و سنت است که هر کس اذان می گوید، پاک (با طهارت) باشد. (۲)* وعنه عليه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: اذان نباید بگوید، مگر کسی که وضو دارد. (۳) ب بلند کردن صدا* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام: مسند ابن حنبل به نقل از ابن ابی صعصعه عبد الله بن عبد الرحمان، از پدرش: ابو سعید که در حُجره ای بود، به من گفت: فرزندم! هر گاه اذان گفتی، با صدای بلند اذان بگو؛ زیرا شنیدم که پیامبر خدا می فرمود: «هیچ چیزی نیست که بانگ اذان را بشنود، مگر این که به آن، شهادت می دهد، جن باشد یا انس و یا سنگ». (۴)

- ۱- .. الكافي: ج ۳ ص ۳۰۴ ح ۱۳، تهذيب الأحكام: ج ۲ ص ۲۷۷ ح ۱۱۰۱.
- ۲- .. المجموع، نووی: ج ۳ ص ۱۰۳، المغنی، ابن قدامه: ج ۱ ص ۴۲۴.
- ۳- .. سنن الترمذی: ج ۱ ص ۳۸۹ ح ۲۰۰، السنن الكبرى: ج ۱ ص ۵۸۳ ح ۱۸۵۸.
- ۴- .. مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۱۵ ح ۱۱۰۳۱، كنز العمال: ج ۷ ص ۶۹۵ ح ۲۰۹۷۱.

ص: ۸۱

ج رعایت تجوید

* ومنه عن أبي عبد الله عليه السلام: سنن ابن ماجه به نقل از ابو سعید خُدَری: هر گاه در بیابان بودی، صدایت را به اذان بلند

کن ؛ زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود : «هیچ جن و انس و درخت و سنگی نیست که بانگ اذان را بشنود ، مگر این که به آن ، شهادت می دهد» . (۱) فحش : عن رؤبه : صحیح البخاری : ابو سعید خُدَری به عبد الله بن عبد الرحمان بن ابی صعصعه گفت : می بینم که تو گوسفند و بادیه را دوست داری . پس ، هر گاه با گوسفندان و یا در بادیه بودی و اذان گفتی ، با صدای بلند بگو ؛ زیرا صدای مؤذّن به گوش هیچ جن و انس و موجود دیگری نمی رسد ، مگر این که در روز قیامت ، برایش شهادت می دهند . ابوسعید گفت : من این را از پیامبر خدا شنیدم . (۲) * وعنه علیه السلام و سئل عن الرجل یقدم رجلاً ویؤامام باقر علیه السلام : هر چه صدایت بلندتر باشد بی آن که خودت را به زحمت اندازی شنونده اش بیشتر خواهد بود و در نتیجه اجر تو بزرگ تر است . (۳) * ومنه عن الصادقین علیهما السلام فی دم البراغیث وامام صادق علیه السلام : هر گاه اذان گفتی ، آهسته مگو ؛ زیرا خداوند به اندازه صدارس اذانت ، به تو پاداش می دهد . (۴) ج رعایت تجوید فحش : عن الباقر علیه السلام : الشرح الکبیر به نقل از ابو هریره : پیامبر خدا فرمود : «کسی که هاء را ادغام می کند ، نباید برایتان اذان بگوید» .

گفتم : یعنی چگونه می گوید؟

- ۱- .. سنن ابن ماجه : ج ۱ ص ۲۳۹ ح ۷۲۳ ، مسند ابن حنبل : ج ۴ ص ۱۵ ح ۱۱۰۳۱ .
- ۲- .. صحیح البخاری : ج ۱ ص ۲۲۱ ح ۵۸۴ ، سنن النسائی : ج ۲ ص ۱۲ .
- ۳- .. کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۱ ص ۲۸۴ ح ۸۷۵ .
- ۴- .. تهذیب الأحکام : ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۰۵ ، عوالی اللآلی : ج ۱ ص ۳۳۰ ح ۷۸ .

ص: ۸۲

د پرهیز از آوازه خوانی

ه ترتیل

فحش : عن الباقر علیه السلام : فرمود : «می گوید : أشهد أن لا إله إلا الله ، أشهد أن محمداً رسول الله» . (۱) فحش : فی عصا موسى علیه السلام : امام باقر علیه السلام : اذان را باید با جزم (۲) و روشن ادا کردن «الف» و «هاء» گفت (۳) و اقامه را با سرعت . (۴) * ومنه فی ناقة ثمود : امام صادق علیه السلام : «الله أكبر» اذان را باید با جزم و روشن ادا کردن «هاء» و «الف» گفت . (۵) د پرهیز از آوازه خوانی فحش : عن أبی عبد الله علیه السلام : سنن الدارقطنی به نقل از ابن عباس : پیامبر خدا ، مؤذنی داشت که [اذان را] با آواز می خواند . پیامبر خدا فرمود : «اذان را باید ساده و روان گفت . پس ، اگر ساده و روان اذان می گویی ، بگو ، و گرنه اذان مگو» . (۶) * وعنه علیه السلام فی الموتی : امام صادق علیه السلام : آوازه خوانی (۷) در گفتن اذان اشکالی ندارد ، به شرط آن که کلمات را کامل و روشن ادا کند و «الف» و «هاء» را آشکار سازد . (۸) ه ترتیل فحش : عن أمير المؤمنين علیه السلام : امام صادق علیه السلام : اذان را شمرده و با درنگ باید گفت و اقامه را با سرعت . (۹)

- ۱- .. الشرح الكبير ، عبد الرحمن بن قدامه : ج ۱۱ ص ۴۱۵ ، المغنی ، ابن قدامه : ص ۴۴۵ .
- ۲- .. مقصود از «جزم» ، خودداری از اشباع و اظهار حرکت است و به طور کلی قطع (ساکن) کردن حرکت است . (مجمع البحرین : ج ۱ ص ۲۹۲ «جزم»)
- ۳- .. در الذکری آمده است : ظاهرا مراد ، الفِ پایانی و غیر مکتوب و نیز «ها»ی «الله» در انتهای شهادتین است . (ملاذ الأخیار : ج ۳ ص ۴۷۷)
- ۴- .. تهذیب الأحکام : ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۰۳ .
- ۵- .. تهذیب الأحکام : ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۰۴ .
- ۶- .. سنن الدارقطنی : ج ۱ ص ۲۳۹ ح ۱۱ ، تفسیر القرطبی : ج ۶ ص ۲۳۰ .
- ۷- .. علامه مجلسی رحمه الله در ذیل این حدیث می گوید : به آواز خواندن (تطریب) ، چیزی است که هیچ یک از اصحاب ما (شیعه) به تجویز آن در اذان قائل نشده است ، و شاید این مورد ، حمل بر تقیه شود . (بحار الأنوار : ج ۸۴ ص ۱۵۸ ذیل ح ۵۹) .
- ۸- .. دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۱۴۵ ، بحار الأنوار : ج ۸۴ ص ۱۵۸ ح ۵۹ .
- ۹- .. الکافی : ج ۳ ص ۳۰۶ ح ۲۶ ، تهذیب الأحکام : ج ۲ ص ۶۵ ح ۲۳۲ .

ص: ۸۳

و صلوات فرستادن بر پیامبر ، پس از ذکر نام ایشان

ز سخن نگفتن

ح کاسبی نکردن با اذان

ط فاصله انداختن میان اذان و اقامه

و صلوات فرستادن بر پیامبر ، پس از ذکر نام ایشان* وعن لقمان عليه السلام : امام باقر عليه السلام : هر گاه اذان می گویی ، «الف» و «هاء» را آشکار ساز و هر زمان که نام پیامبر را بردی و یا شخص دیگری آن را نام برد ، در اذان باشد یا غیر اذان ، بر ایشان صلوات بفرست . (۱) ز سخن نگفتن* ومنه فی زیاره عاشوراء : امام صادق عليه السلام : سخن گفتن عمدی در اذان ، سزاوار نیست ؛ زیرا اذان ، دری از درهای نیکی است و کسی که مشغول یک کار نیک است ، سزاوار نیست آن را ناتمام بگذارد ، مگر به خاطر پرداختن به کاری همانند آن . (۲) ح کاسبی نکردن با اذان* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام : کتاب من لایحضره الفقیه : مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت : ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند که من تو را دوست دارم .

[امام علیه السلام] به وی فرمود : «ولی من تو را دشمن می دارم» .

گفت : چرا؟

فرمود : «چون تو اذان را وسیله کسب قرار داده ای و برای آموزش قرآن ، مزد می گیری» . (۳) ط فاصله انداختن میان اذان و

اقامهفجع : عن الحسن بن عليّ عليهماالسلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بلال: ای بلال! هر گاه اذان می گویی ، با درنگ بگو و هر گاه اقامه می گویی ، با سرعت بگو ، و میان اذان و اقامه ات ، به

۱- .. الکافی : ج ۳ ص ۳۰۳ ح ۷ ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۱ ص ۲۸۴ ح ۸۷۵ .

۲- .. دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۱۴۶ .

۳- .. کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۳ ص ۱۷۸ ح ۳۶۷۴ .

ص: ۸۴

ی دعا کردن پس از پایان اذان

فجع : عن الحسن بن عليّ عليهماالسلام : اندازه ای که خورنده از خوردنش و نوشنده از نوشیدنش فراغت می یابد و یا شخصی برای قضای حاجت می رود و بیرون می آید ، فاصله بینداز. (۱)* وعن رسول الله صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : میان اذان و اقامه باید لحظه ای نشست. (۲)* وعنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر گاه برای نماز واجب ایستادی ، اذان و اقامه بگو و میان آن دو ، با نشستنی یا سخنی و یا گفتن تسبیحی ، فاصله بینداز. (۳) ر. ک : وسائل الشیعه : ج ۴ ص ۶۳۱ (ابواب اذان و اقامه / باب یازدهم) .

ی دعا کردن پس از پایان اذان* وعن أمير المؤمنين عليه السلام : امام زين العابدين عليه السلام : پیامبر خدا ، هر گاه بانگ مؤذن را می شنید ، هر چه او می گفت ، ایشان نیز تکرار می کرد ، و هر گاه مؤذن می گفت : «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» ، ایشان می فرمود : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» .

و چون اقامه تمام می شد ، می فرمود : «بار خدایا! ای پروردگار دعوت کامل و نماز برپا شده! درخواست محمّد را در روز قیامت ، برآورده ساز و او را به درجه «وسیله» از [درجات] بهشت برسان و شفاعتش را درباره امتش پذیر» . (۴)* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام : الکافی به نقل از جعفر بن محمد بن یقظان ، به صورت مرفوع از ائمه علیهم السلام : شخص ، پس از آن که اذانش را تمام کرد ، بنشیند و بگوید : بار خدایا! دلم را پاک ، زندگی ام را برقرار ، و روزی ام را سرشار گردان و برای

۱- .. سنن الترمذی : ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۱۹۵ .

۲- .. تهذیب الأحکام : ج ۲ ص ۶۴ ح ۲۲۶ ، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۸۱ .

۳- .. تهذیب الأحکام : ج ۲ ص ۴۹ ح ۱۶۲ .

۴- .. دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۱۴۵ ، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۷۹ ح ۱۱ .

ک سجده کردن میان اذان و اقامه

* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام: من در نزد قبر پیامبرت صلی الله علیه و آله جایی و آرامگاهی قرار ده. (۱) * وعن رسول الله صلی الله علیه و آله: فلاح السائل به نقل از معاویه بن وهب: وقت مغرب بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. ایشان اذان گفت و نشست و شنیدم که دعایی را می خواند که پیش تر، مانند آن را نشنیده بودم. ساکت ماندم تا نمازش را تمام کرد و پرسیدم: سرورم! از شما دعایی شنیدم که مانند آن را هرگز نشنیده بودم!

فرمود: «این، دعای امیر مؤمنان علیه السلام در شبی است که در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله [به جای ایشان] خوابید. (۲) آن دعا این است:

ای آن که با او پروردگار دیگری نیست که به درگاهش دعا شود! ای آن که بالاتر از او آفریدگاری نیست که از او ترسیده شود! ای آن که غیر از او معبودی نیست که از او پروا شود! ای آن که او را وزیر نیست که بر او در آیند! ای آن که او را درباری نیست که صدایش زنند! ای آن که هر چه از او بیشتر بخواهند، بیشتر بزرگواری و بخشش می کند! ای آن که هر چه جرم بزرگ تر باشد، رحمت و عفو او بیشتر است! بر محمد و آل محمد درود فرست و با من، آن گونه رفتار کن که تو اهل آن هستی؛ و تو اهل تقوا و اهل آمرزشی، و تو اهل جود و نیکی و بزرگواری هستی». (۳)

ک سجده کردن میان اذان و اقامه غنا: فی أسمائه تعالی: فلاح السائل به نقل از محمد بن ابی عمیر، از پدرش: امام صادق علیه السلام را دیدم که اذان گفت و سپس به سجده افتاد و میان اذان و اقامه سجده ای کرد و چون سر از سجده برداشت، فرمود: «ای ابو عمیر! هر کس چنین کند، خدای متعال همه گناهان او را می آمرزد».

۱- .. الکافی: ج ۳ ص ۳۰۸ ح ۳۲، تهذیب الأحکام: ج ۲ ص ۶۴ ح ۲۳۰.

۲- .. مقصود، ليله المييت است.

۳- .. فلاح السائل: ص ۴۰۵ ح ۲۷۴، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۸۱ ح ۱۳.

۶ / ۳ مهم ترین نکاتی که شنونده اذان باید رعایت کند

الف بازگو کردن گفته های مؤذن

غنا: فی أسمائه تعالی: و فرمود: «هر کس اذان بگوید و پس از آن، سجده کند و در سجده اش بگوید: معبودی جز تو نیست. پروردگار من! از سر فروتنی و خاکساری، برایت به خاک افتادم، خداوند گناهانش را می آمرزد». (۱) غنن: فی ابنه غیلان

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام به یارانش می فرمود: «هر کس میان اذان و اقامه به سجده رود و در سجده اش بگوید: ای پروردگار من! من از سر فروتنی و خاکساری و خواری، در پیشگاهت به خاک افتادم، خدای متعال می فرماید: فرشتگان من! به عزت و جلالم سوگند که محبت او را در دل های بندگان مؤمنم قرار می دهم و هیبتش را در دل های منافقان می افکنم». (۲) / ۳ مهم ترین نکاتی که شنونده اذان باید رعایت کند الف بازگو کردن گفته های مؤذن* و عن امیر المؤمنین علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بانگ [اذان] را شنیدید، مانند آنچه را که مؤذن می گوید، بگویید. (۳)* و عن صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤذن شهادت [ها] را گفت، شما نیز آنچه را که او می گوید، تکرار کنید. (۴) غنم: عن رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چهار چیز، از جفاکاری است: ... و یا بشنود که مؤذن اذان می گوید و آنچه را او می گوید، بازگو نکند. (۵)

- ۱- .. فلاح السائل: ص ۲۷۲ ح ۱۶۴، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۳ ح ۴۸.
- ۲- .. فلاح السائل: ص ۲۷۲ ح ۱۶۳، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۲ ح ۴۸.
- ۳- .. صحیح البخاری: ج ۱ ص ۲۲۱ ح ۵۸۶، صحیح مسلم: ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۱۰.
- ۴- .. كتر العمال: ج ۷ ص ۷۰۱ ح ۲۱۰۰۴.
- ۵- .. السنن الكبرى: ج ۲ ص ۴۰۶ ح ۳۵۵۳، المعجم الكبير: ج ۹ ص ۲۹۹ ح ۹۵۰۱.

ص: ۸۷

غنج: سئیل امیر المؤمنین علیه السلام عن العربی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از آن که بلال، اذانش را تمام کرد: هر کس مانند این را از روی یقین بگوید، به بهشت می رود. (۱) غما: سئیل ابو عبد الله علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بانگ مؤذن را بشنود و آنچه را او می گوید، بازگو کند، همانند مؤذن، اجر دارد. (۲)* ومنه الخبر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤذن بگوید: «الله أكبر، الله أكبر» و فردی از شما بگوید: «الله أكبر، الله أكبر» و سپس مؤذن بگوید: «أشهد أن لا إله إلا الله» و او بگوید: «أشهد أن لا إله إلا الله» و سپس مؤذن بگوید: «أشهد أن محمدا رسول الله» و او بگوید: «أشهد أن محمدا رسول الله» و سپس مؤذن بگوید: «حي على الصلاة» و او بگوید: «لا حول ولا قوة إلا بالله» و سپس مؤذن بگوید: «حي على الفلاح» و او بگوید: «لا حول ولا قوة إلا بالله» و سپس مؤذن بگوید: «الله أكبر، الله أكبر» و او بگوید: «الله أكبر، الله أكبر» و سپس مؤذن بگوید: «لا إله إلا الله» و او بگوید: «لا إله إلا الله» و همه اینها را از صمیم قلبش بگوید، به بهشت می رود. (۳)* و عن أبي عبد الله علیه السلام فيمن يقترب الذنوامام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، هر گاه بانگ مؤذن را می شنید، آنچه را که او می گفت، تماما تکرار می کرد. (۴)* وفي ضحكه صلی الله علیه و آله: مسند ابن حنبل به نقل از أم حبیبه: پیامبر خدا، هر گاه بانگ اذان موذن را می شنید، هر جمله ای را که او می گفت، بازگو می کرد تا آن گاه مؤذن که ساکت می شد. (۵).

- ۲- .. المعجم الكبير: ج ۱۹ ص ۳۴۶ ح ۸۰۲، تنبيه الغافلين: ص ۲۹۱ ح ۴۰۶ .
 ۳- .. صحيح مسلم: ج ۱ ص ۲۸۹ ح ۱۲، سنن أبي داود: ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۵۲۷ .
 ۴- .. الكافي: ج ۳ ص ۳۰۷ ح ۲۹ .
 ۵- .. مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۲۳۳ ح ۲۶۸۲۹ .

ص: ۸۸

* ومنه في دعاء السمات: مسند ابن حنبل به نقل از عایشه: پیامبر خدا، هر گاه صدای منادی (مؤذن) را می شنید، می فرمود: «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمدا رسول الله». (۱) غمغم: عن فاطمه عليها السلام: مسند ابن حنبل به نقل از ابو رافع: [پیامبر خدا]، هر گاه بانگ مؤذن را می شنید، آنچه را که او می گفت، بازگو می کرد و چون به «حیّ علی الصلاه، حیّ علی الفلاح» می رسید، می فرمود: «لا حول و لا قوه إلا بالله». (۲) غمغم: عن المهدیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام: سه چیز است که جز شخص ناتوان، آنها را فرو نمی گذارد: یکی این که مردی، بانگ مؤذنی را بشنود و آنچه را که او می گوید، بازگو نکند. دوم، این که مردی به جنازه ای برخورد کند و به صاحبان آن، سلام نکند و گوشه ای از تابوت را نگیرد. و سوم، این که مردی به امام جماعت در حال سجده برسد و تکبیر [الإحرام] نگوید و با او به سجده نرود و به سجده بی اعتنا بماند. (۳)* وفي صفین: علل الشرائع به نقل از سلیمان بن مقبل مدائنی: به موسی بن جعفر علیه السلام گفتیم: به چه دلیل، مستحب است که هر گاه انسان بانگ اذان را می شنود، همانند آنچه را که مؤذن می گوید، بگوید، حتی اگر در حال قضای حاجت است؟

فرمود: «این کار، روزی را زیاد می کند». (۴) غمغم: عن العباس یمدح النبی صلی الله علیه و آله امام رضا علیه السلام: مردی نزد امام صادق علیه السلام از ناداری، شکوه کرد. فرمود: «هر گاه.

- ۱- .. مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۴۴۱ ح ۲۴۹۸۷، سنن أبي داود: ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۵۲۶ .
 ۲- .. مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۲۳۰ ح ۲۳۹۲۷، مسند ابن الجعد: ص ۳۳۰ ح ۲۲۶۷ .
 ۳- .. دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۴۵، مسند زید: ص ۹۵ .
 ۴- .. علل الشرائع: ص ۲۸۵ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۷۷ ح ۷ .

ص: ۸۹

ب دعا کردن

غمغم: عن العباس یمدح النبی صلی الله علیه و آله صدای اذان را شنیدی، همان گونه که مؤذن اذان می گوید، اذان بگو». (۱) ب دعا کردن* ومنه عن يوسف علیه السلام لامرأه العزیز: سنن أبي داود به نقل از عبد الله بن عمرو: مردی گفت: ای پیامبر خدا! مؤذنان بر ما فضیلت دارند.

پیامبر خدا فرمود: «هر چه آنها می گویند، تو نیز بگو، و چون تمام کردی، [از خداوند] درخواست کن تا به تو عطا شود».

(۲)* وعن أمير المؤمنين عليه السلام في طلحه والزبير: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤذّن بانگ [اذان] سر دهد، درهای آسمان گشوده می شوند و دعا مستجاب می گردد. پس، هر کس اندوه یا گرفتاری دارد، مترصد [بانگ] مؤذّن باشد و چون مؤذّن دو تکبیر گفت، تکبیر بگویند و چون شهادت گفت، شهادت بگویند و هر گاه گفت: «حیّ علی الصلاه» بگوید: «حیّ علی الصلاه» و هر گاه گفت: «حیّ علی الفلاح»، بگوید: «حیّ علی الفلاح» و سپس بگوید:

بار خدایا، پروردگارا! ما را بر این فراخوانِ راستینِ اجابت شده که به واسطه آن، دعوت حق و کلمه تقوا اجابت می شود زنده بدار و بر آن بمیران و بر آن برانگیز و زنده و مرده ما را در زمره بهترین های اهل آن قرار بده.

آن گاه حاجت خود را از خدا بخواهد. (۳) غمط: فی خروج المهدی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه صدای اذان مؤذّن را شنیدید، بگویند: بار خدایا!

- ۱- .. مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۱۵۰ ح ۲۳۶۷، الدعوات: ص ۱۱۶ ح ۲۶۷.
- ۲- .. سنن أبی داود: ج ۱ ص ۱۴۴ ح ۵۲۴، السنن الکبری: ج ۱ ص ۶۰۴ ح ۱۹۳۶.
- ۳- .. المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۷۳۱ ح ۲۰۰۴، حلیه الأولیاء: ج ۱ ص ۲۱۳.

ص: ۹۰

غمط: فی خروج المهدی علیه السلام: قفل را از دل های ما به برکت یادت بردار و نعمت و فضل خود را بر ما کامل گردان و ما را در شمار بندگان شایسته ات قرار ده. (۱)* وفي المناظره: عمل الیوم و اللیله به نقل از معاویه بن ابی سفیان: پیامبر خدا، هر گاه بانگ «حیّ علی الفلاح» مؤذّن را می شنید، می گفت: «بار خدایا! ما را از رستگاران قرار بده». (۲)* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام: سنن أبی داود به نقل از أم سلمه: پیامبر خدا به من تعلیم داد که در هنگام اذان مغرب بگویم: بار خدایا! این، [نشانه] آمدن شب تو و سپری شدن روز تو و صداهای دعوتگران توست. پس، مرا بیامرز. (۳)* ومنه الدعاء: امام صادق علیه السلام: هر گاه مؤذّن گفت: «الله أكبر»، تو نیز بگو: «الله أكبر». هر گاه گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله»، تو نیز بگو: «أشهد أن لا إله إلا الله». هر گاه گفت: «أشهد أن محمدا رسول الله»، تو نیز بگو: «أشهد أن محمدا رسول الله» و هر گاه گفت: «قد قامت الصلاه»، بگو: بار خدایا! نماز را به پا دار و پایدارش بدار، و مرا از بهترین نمازگزاران شایسته قرار بده. (۴)* وعنّه عليه السلام فی صفاته تعالی: امام صادق علیه السلام: هر کس که وقتی اذان صبح را می شنود، بگوید: «بار خدایا! به حق روی آوردن روزت و سپری گشتن شبت و فرا رسیدن هنگام نمازهایت و صداهای دعوتگران، از تو می خواهم که توبه ام را بپذیری، که به راستی، تو توبه پذیر و مهربانی» و همین را هنگام شنیدن اذان مغرب بگوید و در همان روز یا شب آن روز بمیرد، با توبه از دنیا رفته است. (۵).

- ۱- .. الثقات: ج ۵ ص ۱۵۳، عمل الیوم واللیله، ابن السنی: ص ۴۰ ح ۱۰۰.
- ۲- .. عمل الیوم واللیله، ابن السنی: ص ۳۷ ح ۹۲، کنز العمّال: ج ۷ ص ۶۰ ح ۱۷۹۶۰.

۳- .. سنن أبی داود : ج ۱ ص ۱۴۶ ح ۵۳۰ .

۴- .. دعائم الإسلام : ج ۱ ص ۱۴۵ ، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۷۹ ح ۱۱ .

۵- .. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۸۷ ح ۸۹۰ ، ثواب الأعمال: ص ۱۸۳ ح ۱ .

ص: ۹۱

ج ذکر گفتن

ج ذکر گفتن* وعنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس که وقتی صدای مؤذن را می شنود ، بگوید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و بی انباز است ، و محمّد ، بنده و فرستاده اوست . خرسندم که خداوند یکتا ، پروردگار من است و محمّد ، رسول او و اسلام ، دینم است» ، گناهِش آمرزیده می شود. (۱)* وعن أمير المؤمنين عليه السلام في المحتضر: سنن أبی داود به نقل از عایشه: پیامبر خدا ، هر گاه بانگ شهادتین مؤذن را می شنید ، می فرمود : «من هم ، من هم [شهادت می دهم]» . (۲) غمض : فی الحدیث القدسی : کنز العمال به نقل از نعمان بن سعد: علی علیه السلام هر گاه صدای اذان را می شنید ، می فرمود : «هر گواهی دهنده ای را بر این ، گواه می گیرم (۳) و به جای هر منکری ، آن را به دوش می کشم» . (۴)* وفی خبر بنی جذیمه: علل الشرائع به نقل از زراره: به امام باقر علیه السلام گفتم: هنگام شنیدن صدای اذان ، چه بگویم؟

فرمود : «با هر ذاکری ، ذکر خدا بگو» (۵) . (۶)* ومنه عن ابن عباس فی النبی صلی الله علیه و آله امام باقر علیه السلام به محمّد بن مسلم: ای محمّد بن مسلم! ذکر خدا را در هیچ حالی فرو مگذار . [حتی] اگر در حال قضای حاجت بودی و صدای اذان مؤذن را شنیدی ، ذکر خدا بگو و آنچه را که مؤذن می گوید ، بازگو کن. (۷)

۱- .. صحیح مسلم : ج ۱ ص ۲۹۰ ح ۱۳ ، سنن أبی داود : ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۵۲۵ .

۲- .. سنن أبی داود : ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۵۲۶ .

۳- .. در مأخذ به همین نحو آمده است ؛ اما شاید درستش چنین باشد : «من نیز همصدا با هر گواهی دهنده ای ، بدان گواهی می دهم» .

۴- .. کنز العمال: ج ۸ ص ۳۵۹ ح ۲۳۲۵۹ .

۵- .. یعنی این ، اختصاص به اذان ندارد ؛ بلکه هر کس ذکر خدا گفت ، تو نیز با او همصدا شو و همان ذکر را بگو .

۶- .. علل الشرائع : ص ۲۸۴ ح ۳ ، بحار الأنوار : ج ۸۴ ص ۱۷۶ ح ۶ .

۷- .. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۸۹۲ ، علل الشرائع : ص ۲۸۴ ح ۲ .

ص: ۹۲

* وعن الحسن فی قوله تعالی: علل الشرائع به نقل از ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود : «اگر در حال قضای حاجت

بودی و صدای اذان را شنیدی ، آنچه را که مؤذن می گوید ، بازگو کن و در آن حال نیز ذکر خدای عز و جل را وا مگذار ؛ چرا که ذکر خدا در همه حال ، خوب است» .

سپس فرمود : «آن گاه که خداوند متعال با موسی بن عمران نجوا کرد ، موسی گفت : ای پروردگار من! آیا از من ، دوری که فریادت بزنم ، یا به من نزدیکی تا با تو نجوا کنم؟

خداوند عز و جل به او وحی فرمود که : ای موسی! من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند .

پس موسی گفت : ای پروردگار من! [گاه ،] من در وضعی هستم که تو را ارجمندتر از آن می دانم که در آن وضع ، تو را یاد کنم .

فرمود : ای موسی! در همه حال ، مرا یاد کن» . (۱)* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام : امام صادق عليه السلام : هر کس بانگ «أشهد أن لا إله إلا الله» و «أشهد أن محمداً رسول الله» مؤذن را بشنود و از روی باور و برای رضای خدا بگوید : «من نیز گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست ، و این دو ، در برابر همه کسانی که ناباور و منکرند ، مرا بس اند ، و با گفتن این دو [شهادت] ، کسی را که بدانها اقرار می کند و گواهی می دهد ، تأیید می کنم» ، به شمار کسانی که منکر و ناباورند و به شمار کسانی که اقرار دارند و به رسمیت می شناسند ، برای او پاداش خواهد بود . (۲) .

۱- .. علل الشرایع : ص ۲۸۴ ح ۱ ، بحار الأنوار : ج ۸۰ ص ۱۷۵ ح ۲۱ .

۲- .. الکافی : ج ۳ ص ۳۰۷ ح ۳۰ ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۸۹۱ .

ص: ۹۳

د صلوات فرستادن بر پیامبر و دعا کردن برای ایشان

د صلوات فرستادن بر پیامبر و دعا کردن برای ایشان غمخس : عن أبي عبد الله عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بانگ مؤذن را شنیدید ، مانند آنچه را که او می گوید ، بگویید . سپس بر من صلوات بفرستید ؛ زیرا هر کس بر من یک صلوات بفرستد ، خداوند در برابر آن ، ده صلوات بر او می فرستد . آن گاه از خداوند برای من ، «وسیله» (۱) را درخواست کنید و آن ، منزلتی در بهشت است که جز برای بنده ای از بندگان خدا سزاوار نیست و امیدوارم که من ، آن بنده باشم . پس ، هر که برای من «وسیله» را درخواست کند ، شفاعت برایش روا می گردد . (۲)* وعن عبد المطلب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس که وقتی بانگ [اذان] را می شنود ، بگوید : «بار خدایا! ای پروردگار این دعوت کامل و نماز برپا شده! به محمّد ، وسیله و فضیلت عطا فرما و او را به آن مقام پسندیده ای که وعده اش دادی ، برسان» ، در روز قیامت ، شفاعت من برایش روا می گردد . (۳) غمخس : عن الصادق عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس که بانگ [اذان] را بشنود و بگوید : «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست و محمد ، بنده و فرستاده اوست .

خدایا! بر او صلوات فرست و او را به مقام «وسيله» در نزد خودت برسان و روز قیامت ، ما را مشمول شفاعت او گردان» ، شفاعت او واجب می شود. (۴)

- ۱- .. وسیله ، «قرب به خداوند متعال» است و به قولی «شفاعت در روز قیامت» و به قولی دیگر چنان که در حدیث آمده منزلی است از منازل بهشت . (النهايه : ج ۵ ص ۱۸۵ «وسل»)
 - ۲- .. صحیح مسلم: ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۱۱ ، سنن أبی داود: ج ۱ ص ۱۴۴ ح ۵۲۳ .
 - ۳- .. صحیح البخاری: ج ۱ ص ۲۲۲ ح ۵۸۹ ، سنن أبی داود: ج ۱ ص ۱۴۶ ح ۵۲۹ .
 - ۴- .. المعجم الكبير : ج ۱۲ ص ۶۶ ح ۱۲۵۵۴ ، کنز العمال: ج ۷ ص ۷۰۴ ح ۲۱۰۱۷ .
- ص: ۹۴

ه اجابت کردن دعوت مؤذن

ه اجابت کردن دعوت مؤذنقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه برای نماز روز جمعه بانگ داده شد ، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است ، اگر دریابید» . (۱)

حدیث* ومنه عن معاوية للحسن بن عليّ عليهماالسلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بانگ [اذان] را شنیدی ، دعوتگر خدای عز و جل را اجابت کن . (۲)* وعن الرضا عليه السلام في الإمام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه بانگ [اذان] را شنیدید ، [برای نماز] برخیزید ؛ زیرا این بانگ ، حقّی از [حقوق] خداوند است . (۳)* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس بانگ رستگاری (حیّ علی الفلاح) را بشنود و آن را اجابت نکند ، او نه از ماست و نه تنهاست (۴) . (۵)غمز : فی آدم علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس [ندای] دعوتگر خدا را لئیک بگوید ، فرشتگان برایش آمرزش می طلبند و بدون حسابرسی ، به بهشت می رود . (۶)* وعن أمير المؤمنين عليه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پاسخ گفتن به [ندای] مؤذن ، رحمت است و پاداش آن ، بهشت است ، و هر کس [به آن] پاسخ نگوید ، در روز قیامت ، مدّعی او

- ۱- .. جمعه : آیه ۹ .
- ۲- .. سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۸۷ ح ۹ ، المعجم الكبير : ج ۱۹ ص ۱۳۸ ح ۳۰۴ .
- ۳- .. حلیه الأولیاء: ج ۲ ص ۱۷۴ ، کنز العمال: ج ۷ ص ۷۰۱ ح ۲۱۰۰۱ .
- ۴- .. اشاره به این است که شیطان همراه با اوست .
- ۵- .. حلیه الأولیاء: ج ۹ ص ۲۵۰ ، کنز العمال : ج ۷ ص ۵۸۳ ح ۲۰۳۶۱ .

* وعن أمير المؤمنين عليه السلام: می شوم. پس خوشا به حال کسی که دعوتگر خدا را اجابت کند و رهسپار مسجد شود! و دعوتگر خدا را اجابت نمی کند و به سوی مسجد نمی رود، مگر مؤمنی که اهل بهشت است. (۱)* و منه عن میمونه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس اذان را بشنود و اجابت کند، نزد خداوند از سعادت‌مندان است. (۲)* و منه عن أمير المؤمنين عليه السلام في حديث الإنذ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پاسخ گفتن [به ندای] مؤذّن، کفّاره گناهان است. (۳)* وعن فاطمه علیها السلام في أمير المؤمنين عليه السیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس [ندای] مؤذّن را اجابت کند، او و توبه گران و شهیدان، در یک سطح خواهند بود و در آن هنگام که مردم در بیم به سر می برند، آنان را بیمی نخواهد بود. (۴)* وعن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که مؤذّنان و عالمان را اجابت کند، روز قیامت، زیر پرچم من خواهد بود و در بهشت، همسایه من است و نزد خداوند، پاداش شصت شهید را دارد. (۵)* وفي صفته صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بانگ [اذان] را شنیدی، اجابتش کن و آرام و با وقار باش. اگر [در صف جماعت] جای خالی یافتی [، در همان جا نماز بخوان]، و گرنه برادرت را در فشار قرار مده، و فقط به مقداری که گوش های خودت بشنوند، بخوان، و بغل دستی ات را اذیت نکن، و چونان نماز شخص وداع کننده [که گویی آخرین نماز زندگی اش را می خواند]، نماز بخوان. (۶).

۱- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۲ ح ۴۰۸، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۴ ح ۴۹.

۲- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۳ ح ۴۱۲، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۴ ح ۴۹.

۳- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۲ ح ۴۰۷، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۴ ح ۴۹.

۴- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۳ ح ۴۱۰، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۴ ح ۴۹.

۵- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۳ ح ۴۰۹، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۴ ح ۴۹.

۶- .. تاریخ دمشق: ج ۲۱ ص ۱۷۱ ح ۴۷۶۳، کنز العمال: ج ۷ ص ۷۰۰ ح ۲۰۹۹۶.

* وعن عليّ بن الحسين عليهما السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از ذکر این سخن خداوند که: «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه برای نماز روز جمعه بانگ داده شد، برای ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است، اگر بدانید»: کسی که اذان را می شنود و آن را اجابت می کند، فغان جهنّم را نخواهد شنید. (۱)* و منه في وصيته موسى بن جعفر عليهما السلام: سنن أبي داوود به نقل از ابو رزین: از ابن اُمّ مکتوم، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای پیامبر خدا! من مردی نابینایم و خانه ام [از مسجد] دور است و عصاکش مناسبی هم ندارم. آیا رخصت دارم که در خانه ام نماز بخوانم؟

فرمود: «آیا بانگ [اذان] را می شنوی؟».

گفت: آری .

فرمود: «برایت رخصتی نمی یابم». (۲)* وعن الحسن العسكري عليه السلام: مسند ابن حنبل به نقل از جابر بن عبد الله: ابن أم مكتوم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! منزل من، دور است و شخصی نایبنا هستم، و اذان را هم می شنوم.

فرمود: «اگر اذان را می شنوی، اجابتش کن [و رهسپار مسجد شو]، حتی اگر [به آمدن] چهار دست و پا یا سینه خیز باشد». (۳)* ومنه عن المختار في أصحابه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جفای تمام است و کفر و نفاق است که کسی [صدای] مُنادی خدا را بشنود که بانگ اذان سر می دهد و به رستگاری فرا می خواند، اما اجابتش نکند. (۴) غمر: عن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بدبختی و ناکامی مؤمن، همین بس که صدای مؤذن .

۱- .. مستدرک الوسائل: ج ۴ ص ۶۱ ح ۴۱۷۸ .

۲- .. سنن أبي داود: ج ۱ ص ۱۵۱ ح ۵۵۲، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۲۶۰ ح ۷۹۲ .

۳- .. مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۵۵ ح ۱۴۹۵۳ .

۴- .. مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۳۱۱ ح ۱۵۶۲۷، المعجم الكبير: ج ۲۰ ص ۱۸۳ ح ۳۹۴ .

ص: ۹۷

و خارج نشدن از مسجد با شنیدن اذان

۶ / ۴ آداب ساختن مناره

غمر: عن أمير المؤمنين عليه السلام: را بشنود که به نماز فرا می خواند، ولی اجابتش نکند. (۱)* وفي ابن ذی یزن: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر سربِ مذاب در گوش های فرزند آدم بریزی، برایش بهتر از آن است که اذان را بشنود و اجابتش نکند. (۲) غمد: عن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دعوتگر خدا را اجابت نکند، او را از اسلام، نصیبی نیست، و هر کس اجابت کند، بهشت، مشتاق اوست. (۳)* وعن المنصور: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بانگ [اذان] را بشنود و آن را اجابت نکند، نمازش نماز نیست، مگر آن که عذری داشته باشد. (۴)* وعن علي بن الحسين عليهما السلام في جعفر الطيار امام علي عليه السلام: پاسخ گفتن [به ندای] مؤذن، روزی را زیاد می کند. (۵)* وعن علي بن عليه السلام: امام علي عليه السلام: کسی که همسایه مسجد باشد و بانگ [اذان] را بشنود و نماز را اجابت نکند، نمازش نماز نیست. (۶) و خارج نشدن از مسجد با شنیدن اذان* وعن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در مسجد باشد و اذان را بشنود، ولی بدون هیچ عذری خارج شود، منافق است، مگر آن که بخواهد به مسجد برگردد. (۷) ۶ / ۴ آداب ساختن مناره* ومنه عن الإمام الباقر عليه السلام في الشيعة: امام صادق به نقل از پدرانش عليهم السلام: علي عليه السلام از کنار مناره بلندی گذشت .

- ۱- .. المعجم الكبير: ج ۲۰ ص ۱۸۳ ح ۳۹۶، الفردوس: ج ۲ ص ۱۴۴ ح ۲۷۳۷ .
- ۲- .. جامع الأحادیث، قمی: ص ۱۳۶؛ المصنّف، ابن أبی شیبّه: ج ۱ ص ۳۸۰ ح ۴ .
- ۳- .. جامع الأخبار: ص ۱۷۳ ح ۴۱۳، بحار الأنوار: ج ۸۴ ص ۱۵۵ ح ۴۹ .
- ۴- .. سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۲۶۰ ح ۷۹۳ .
- ۵- .. الخصال: ص ۵۰۵ ح ۲، جامع الأخبار: ص ۳۴۴ ح ۹۵۳ .
- ۶- .. مسند زید: ص ۱۱۳؛ السنن الكبرى: ج ۳ ص ۸۱ ح ۴۹۴۳ .
- ۷- .. تهذیب الأحكام: ج ۳ ص ۲۶۲ ح ۷۴۰، الأمالی، صدوق: ص ۵۹۱ ح ۸۲۰ .

ص: ۹۸

* ومنه عن الإمام الباقر عليه السلام في الشيعة: دستور داد که آن را خراب کنند . سپس فرمود: «مناره را از بام مسجد نباید بالاتر بُرد» (۱) . (۲)* ومنه عن الرضا عليه السلام: تهذیب الأحكام به نقل از علی بن جعفر: از ابوالحسن عليه السلام درباره اذان گفتن بر مناره پرسیدم که: آیا این، سنت است؟

فرمود: «برای پیامبر صلی الله علیه و آله در روی زمین، اذان گفته می شد و آن روزها مناره ای وجود نداشت» . (۳) غلا: عن الصادق عليه السلام: الغيبة به نقل از داوود بن قاسم جعفری: نزد ابو محمّد (عسکری) علیه السلام بودم . فرمود: «هر گاه قائم علیه السلام ظهور کند، مناره ها و مقصوره های (۴) مساجد را از بین می برد» . (۵) .

- ۱- .. صاحب الدعائم در ذیل این حدیث می گوید: این و خدا بهتر می داند درباره مأذنه ای است که مُشرف به خانه های مردم باشد و اگر کسی از آن بالا-رود، داخل خانه های آنها را می بیند . این، زیان رساندن به مردم و دیده شدن محارم آنهاست و چنین چیزی جایز نیست (دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۴۷) .
- ۲- .. تهذیب الأحكام: ج ۳ ص ۲۵۶ ح ۷۱۰ .
- ۳- .. تهذیب الأحكام: ج ۲ ص ۲۸۴ ح ۱۱۳۴، مسائل علی بن جعفر: ص ۲۳۳ ح ۵۴۲ .
- ۴- .. مقصوره، اتاکی است که برای محافظت از یک شخص، ساخته می شود . اولین کسی که در مسجد، مقصوره ساخت، معاویه بود (ر . ک: الأوائل، عسکری: ج ۱ ص ۳۲۵) .
- ۵- .. الغيبة، طوسی: ص ۲۰۶ ح ۱۷۵، الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۴۵۳ ح ۳۹ .

ص: ۹۹

فصل هفتم: اذان گویای پیامبر خدا

۷ / ۱ سرور اذان گویان

فصل هفتم: اذان گویای پیامبر خدا ۷ / ۱ سرور اذان گویان* ومنه عن الجهنی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکو مردی است

بلال! او سرور مؤذنان است و دنباله روانش [در قیامت] ، همه ، مؤذّن اند. (۱)* وفي أبي طالب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این بلال ، در حالی محشور می شود که بر شتری از شترهای بهشت سوار است و بانگ می زند : «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله» . و چون این بانگ را سر دهد ، جامه ای از جامه های بهشت بر او پوشانده می شود. (۲)* ومنه عن موسى بن جعفر عليهما السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بلال را سوار بر یک شتر بر می انگیزد ، پس اذان می گوید ، و ما او را به راستی و درستی مشاهده می کنیم ، و چون به جمله «أشهد أن محمداً رسول الله» برسد ، همه خلائق ، از اولین و آخرین مؤمنان ، به آن شهادت می دهند و از هر که باید پذیرفته شود ، پذیرفته می شود. (۳)

۱- .. المستدرک علی الصحيحین : ج ۳ ص ۳۲۲ ح ۵۲۴۴ .

۲- .. مستطرفات السرائر : ص ۹۴ ح ۶ ، بحار الأنوار : ج ۸۴ ص ۱۱۶ ح ۱۱ .

۳- .. تاریخ دمشق : ج ۱۰ ص ۴۵۸ ح ۲۶۵۲ .

ص: ۱۰۰

غلم : عن رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت ، مؤذنان ، سوار بر شتری از شترهای بهشت محشور می شوند ؛ جلودارشان بلال است و صداهایشان به اذان بلند است و همگان به آنان می نگرند .

پس ، گفته می شود : اینان کیستند؟

جواب داده می شود : مؤذنان امت محمد.

[آن روز] ، مردم در بیم به سر می برند ؛ اما آنان بیمی ندارند ، و مردم ، اندوهناک اند ؛ ولی آنان اندوهی ندارند . (۱)* وفي أبي الحسن الهادي عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت ، پیامبران ، سوار بر چارپایان ، محشور می شوند تا از قبرهایشان به محشر بیایند . صالح علیه السلام بر ناقه اش برانگیخته می شود ، فرزندانش (حسن و حسین) بر شتر من ، عضباء ، برانگیخته می شوند و من ، سوار بر بُراق برانگیخته می شوم که گامش تا دورترین نقطه نگاهش است . و بلال ، سوار بر شتری از شترهای بهشت برانگیخته می شود و بانگ ناب اذان را سر می دهد و از روی راستی و درستی ، شهادت می دهد و چون بگوید : «أشهد أن محمداً رسول الله» ، همه اهل ایمان ، از اولین و آخرین آنها ، همصدا با او گواهی می دهند . پس ، از هر که باید پذیرفته شود ، پذیرفته می شود و از هر که نباید پذیرفته شود ، پذیرفته نمی شود. (۲)* وفي الخیر : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون روز رستاخیز شود ، من خودستایی نباشد نخستین کسی هستم که زمین برایش شکافته می شود . به دنبال من ، بلال مؤذّن و در پی او ، دیگر مؤمنان ، از گورهایشان بیرون می آیند و بلال ، در حالی که .

۱- .. تاریخ بغداد: ج ۱۳ ص ۳۸ ، تاریخ دمشق : ج ۱۰ ص ۴۶۱ ح ۲۶۶۱ .

۲- .. المعجم الصغير : ج ۲ ص ۱۲۶ ، تاریخ دمشق : ج ۱۰ ص ۴۵۸ ح ۲۶۵۲ .

* وفي الخير: دستش را در گوشش نهاده است ، بانگ بر می آورد که : «گواهی می دهم که هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد، فرستاده خداست . او را با هدایت و دینِ درست فرستاد تا آن را بر هر دینی ، پیروز گرداند ، هر چند مشرکان ، خوش نداشته باشند» ، و دیگر مؤذنان ، با او همصدا می شوند ، تا این که به دروازه های بهشت می رسیم. (۱)* وعنه علیه السلام فی ذکر النساء: تهذیب الأحکام به نقل از سلیمان بن جعفر ، از پدرش: مردی شامی بر امام صادق علیه السلام آمد . [امام علیه السلام] به او فرمود : «نخستین کسی که به بهشت می رسد ، بلال است» .

مرد شامی گفت : چرا؟

فرمود : «چون او نخستین کسی است که اذان گفت». (۲)* وعن أمير المؤمنين عليه السلام بعد دفن فاطمه عليسنن النسائي به نقل از سائب بن يزيد: روز جمعه ، هر گاه پیامبر خدا بر منبر می نشست ، بلال اذان می گفت و چون از منبر فرود می آمد ، اقامه می گفت. (۳)* وعن رسول الله صلى الله عليه و آله لعلي عليه اسنن الترمذی به نقل از عون بن ابی جحیفه: پدرم گفت : بلال را دیدم که اذان می گوید و می چرخد و دهانش را این طرف و آن طرف می کند و دو انگشتش را در گوش هایش قرار داده است ، و پیامبر خدا در خیمه سرخ رنگش بود . فکر می کنم که گفت : خیمه چرمی .

پس بلال با چوب دستی ای با نوک فلزی بیرون آمد و آن را در شن ها فرو برد و پیامبر خدا به طرف آن ، نماز خواند ، در حالی که از برابر او سگ و الاغ عبور می کردند . پیامبر صلی الله علیه و آله جامه ای قرمز به تن داشت ، به طوری که .

۱- .. كثر العمال: ج ۱۱ ص ۴۳۲ ح ۳۲۰۳۱ .

۲- .. تهذیب الأحکام: ج ۲ ص ۲۸۴ ح ۱۱۳۳ ، بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۱۴۲ ح ۱۲۸ .

۳- .. سنن النسائي: ج ۳ ص ۱۰۱ ، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۳۳۲ ح ۱۵۷۱۶ .

* وعن رسول الله صلى الله عليه و آله لعلي عليه انكار درخشندگی ساق های پایش را می دیدم. (۱)* وعن الحارث لأمير المؤمنين عليه السلام: الطبقات الكبرى به نقل از ابن ابی ملیکه یا دیگری: در روز فتح مکه ، پیامبر خدا به بلال فرمود که بر بام کعبه اذان بگوید . او بر بام کعبه رفت و اذان گفت . حارث بن هشام و صفوان بن امیه نشسته بودند . یکی از آن دو به دیگری گفت : این حبشی را ببین! دیگری گفت : اگر خدا [از این وضع] خوشش نیاید ، تغییرش می دهد. (۲)* وعن جعفر عليه السلام: الخرائج و الجرائح: پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مکه شد و هنگام ظهر بود . به بلال دستور [اذان] داد . او بر بام کعبه رفت و اذان گفت . پس ، هر بتی که در مکه بود ، به رو در افتاد .

چون سران قریش صدای اذان را شنیدند ، یکی از آنان با خودش گفت : فرو رفتن در دل زمین ، بهتر از شنیدن این بانگ است!

دیگری گفت: خدا را شکر که پدرم را تا امروز، زنده نگه نداشت!

پیامبر خدا فرمود: «فلانی! تو در دلت چنین گفتی، و [تو] ای فلانی! در دلت چنان گفتی».

ابو سفیان گفت: تو می دانی که من چیزی نگفتم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بار خدایا! قوم مرا هدایت کن که همانا نادان اند». (۲)* وعنه صلی الله علیه و آله فی السرایا: امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در حالی وارد مکه شد که احرام نداشت و مسلمانان مسلح بودند. او به کعبه در آمد؛ اما در حج و یا عمره نبود. او هنگام ظهر وارد شد. پس به بلال دستور [اذان] داد و او بر بام کعبه رفت و اذان گفت.

۱-.. سنن الترمذی: ج ۱ ص ۳۷۵ ح ۱۹۷.

۲-.. الطبقات الکبری: ج ۳ ص ۲۳۴ و ر. ک: مجمع البیان: ج ۹ ص ۲۰۳.

۳-.. الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۱۶۳ ح ۲۵۲، بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۱۱۹ ح ۱۷.

ص: ۱۰۳

* وعنه صلی الله علیه و آله فی السرایا: عکرمه گفت: به خدا سوگند، خوش نداشتم که صدای پسر رباح را بشنوم که بر بام کعبه عرعر می کند!

خالد بن أسید (۱) گفت: خدا را شکر که در حق ابو عتاب، لطف کرد و نگذاشت که این روز را درک کند و ببیند که پسر رباح، بر بام کعبه ایستاده است!

سهیل که از بقیه معتدل تر بود گفت: این، کعبه خداست و او خود، می بیند و اگر بخواهد، وضع را تغییر می دهد.

ابو سفیان گفت: من، چیزی نمی گویم. به خدا سوگند، اگر سخنی بگویم، خیال می کنم که این دیوارها آن را به گوش محمد می رسانند!

پیامبر که دروذهای خدا بر او و خاندانش باد شخصی را نزد آنان فرستاد و به آنان خبر داد که چه گفته اند.

عتاب گفت: به خدا سوگند ای پیامبر خدا ما این سخن ها را گفته ایم و از خدا آمرزش می طلبیم و به درگاهش توبه می بریم. و اسلام آورد و نیکو مسلمانی شد و پیامبر خدا، او را بر مکه گماشت. (۲)* ومنه عن النبی صلی الله علیه و آله فی حجّه الودالسیره النبویه: در سال فتح [مکه]، پیامبر خدا وارد کعبه شد و بلال نیز با ایشان بود. پس، به بلال دستور داد که اذان بگوید. ابو سفیان بن حرب، عتاب بن أسید و حارث بن هشام در درگاه کعبه نشسته بودند.

عتاب بن أسید گفت: خدا در حق أسید، لطف کرد که این صدا را نشنود؛ زیرا از شنیدن آن به خشم می آمد..

۱- .. ظاهراً عتّاب بن أسید ، درست است ، به قرینه عبارت «در حقّ ابو عتّاب ، لطف کرد» ، و عبارت «عتّاب گفت» که در انتهای حدیث آمده و نیز به قرینه حدیث بعدی .

۲- .. إعلام الوری : ج ۱ ص ۲۲۶ ، الخرائج والجرائح : ج ۱ ص ۹۷ ح ۱۵۸ .

ص: ۱۰۴

* ومنه عن النبی صلی الله علیه و آله فی حجّه الودحارث بن هشام گفت : به خدا سوگند ، اگر می دانستم که او بر حق است ، از او پیروی می کردم .

ابو سفیان گفت : من چیزی نمی گویم . اگر سخنی بگویم ، این ریگ ها خبر می برند .

پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و به آنان فرمود : «دانستم که چه گفتید» . سپس سخنانشان را برایشان بازگو کرد .

حارث و عتّاب گفتند : گواهی می دهیم که تو پیامبر خدا هستی . به خدا سوگند ، هیچ کس با ما نبود که از سخنان ما مطلع شود تا بگوئیم که او به تو خبر داده است . (۱) * ومنه فی صلح الحدیبه : الطبقات الکبری به نقل از محمّد بن ابراهیم بن حارث تیمی : چون پیامبر خدا وفات یافت و هنوز به خاک سپرده نشده بود ، بلال ، اذان گفت . به جمله «أشهد أنّ محمّدا رسول الله» که رسید ، جمعیت در مسجد ، فریاد شیون سر دادند .

چون پیامبر خدا به خاک سپرده شد ، ابو بکر به بلال گفت : اذان بگو .

بلال گفت : اگر مرا آزاد کردی که با تو باشم ، راه باز است [و می توانی دوباره مرا برده خود کنی] ؛ ولی اگر مرا به خاطر خدا آزاد کردی ، پس مرا با همان کسی که به خاطرش آزادم کردی ، تنها بگذار .

ابو بکر گفت : من تو را جز به خاطر خدا آزاد نکردم .

بلال گفت : پس ، بعد از پیامبر خدا ، برای هیچ کس اذان نمی گویم .

ابو بکر گفت : اختیار با توست . .

۱- .. السیره النبویه ، ابن هشام : ج ۴ ص ۵۶ ، البدایه والنهایه : ج ۴ ص ۳۰۳ .

ص: ۱۰۵

* ومنه فی صلح الحدیبه : بلال [در مکه] ماند تا آن که لشکریان به سوی شام ، خارج شدند . بلال نیز با آنان همراه شد و به شام رفت . (۱) غلل : عن أمير المؤمنين علیه السلام : کتاب من لایحضره الفقیه : روایت شده است که چون پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت ، بلال از اذان گفتن خودداری کرد و گفت : بعد از پیامبر خدا ، دیگر برای هیچ کس اذان نمی گویم .

روزی ، فاطمه علیهاالسلام فرمود : «دوست دارم که صدای اذان مؤذن پدرم را بشنوم» .

این سخن به بلال رسید . شروع به اذان گفتن کرد . همین که گفت : «الله أكبر ، الله أكبر» ، فاطمه علیهاالسلام به یاد پدرش صلی الله علیه و آله و ایّام او افتاد و گریه اش گرفت . وقتی بلال به جمله «أشهد أنّ محمّدا رسول الله» رسید ، فاطمه علیهاالسلام فریادی زد و به رو در افتاد و از هوش رفت .

مردم به بلال گفتند : بس کن ، ای بلال! دختر پیامبر خدا از دنیا رفت . و خیال کردند که فاطمه علیهاالسلام جان داده است . بلال ، اذانش را قطع کرد و تا آخر ادامه نداد .

فاطمه علیهاالسلام به هوش آمد و از بلال خواست که اذان را تمام کند ؛ اما بلال ، این کار را نکرد و گفت : ای بانوی بانوان! می ترسم که اگر صدای اذانم را بشنوی ، دوباره این بلا را به سر خود بیاوری . پس ، فاطمه علیهاالسلام او را از ادامه دادن اذان ، معاف داشت . (۲) .

۱- .. الطبقات الكبرى : ج ۳ ص ۲۳۶ ، تاریخ دمشق : ج ۱۰ ص ۴۷۰ .

۲- .. کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۲۹۷ ح ۹۰۷ ، بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۱۵۷ ح ۷ .

ص: ۱۰۶

۷ / ۲ گزارش هایی درباره شمار مؤذنان پیامبر خدا

الف پیامبر ، یک مؤذن داشته است

ب پیامبر ، دو مؤذن داشته است

۷ / ۲ گزارش هایی درباره شمار مؤذنان پیامبر خدا الف پیامبر ، یک مؤذن داشته است* وفی ابي رافع :مجمع البيان به نقل از سائب بن زید :پیامبر خدا ، یک مؤذن داشت و آن هم بلال بود . هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر می نشست ، بلال جلوی در مسجد اذان می گفت و چون فرود می آمد ، اقامه نماز را می گفت .

در ایّام [حکومت] ابو بکر و عمر نیز به همین گونه عمل می شد تا آن که عثمان روی کار آمد . در زمان او جمعیت ، زیاد شد و شهر ، توسعه یافت . از این رو ، عثمان ، یک اذان اضافه کرد و دستور داد که اذان اول را بر بام خانه اش (واقع در بازار موسوم به «الزّوراء») بگویند ، و هر گاه عثمان بر منبر می نشست ، مؤذّنش اذان [دوم] را می گفت و چون از منبر فرود می آمد ، اقامه نماز را می گفت و مردم ، این کار را بر او خرده نگرفتند . (۱)

ب پیامبر ، دو مؤذن داشته استغفل : عن رسول الله صلی الله علیه و آله :أسد الغابه به نقل از ابن عمر :پیامبر صلی الله علیه و آله دو مؤذن داشت : یکی بلال ، و دیگری عبد العزيز بن أصم . (۲) غفص : فی الدعاء :مسند ابن حنبل به نقل از عایشه :پیامبر خدا ، دو مؤذن داشت : بلال و عمرو بن أمّ مکتوم . پیامبر خدا فرمود : «هر گاه عمرو اذان گفت ، بخورید و بیاشامید ؛ چرا که او

- ۱- .. مجمع البیان: ج ۱۰ ص ۴۳۴ ، بحار الأنوار: ج ۸۹ ص ۱۵۰ ؛ المعجم الكبير: ج ۷ ص ۱۴۵ ح ۶۶۴۲ .
- ۲- .. أسد الغابه : ج ۳ ص ۴۹۹ ، الإصابه : ج ۴ ص ۳۱۳ .

ص: ۱۰۷

غفص : فی الدعاء : [از خوردن و آشامیدن ، دست بکشید ؛ چرا که بلال ، تا صبح نشود ، اذان نمی گوید] . (۱)* وعن النبى صلى الله عليه و آله فى المرسلين : صحیح مسلم به نقل از ابن عمر : پیامبر خدا ، دو مؤذن داشت : بلال و ابن أمّ مکتوم نابینا . پیامبر خدا فرمود : «بلال ، شب هنگام [و صبح نشده ، اذان می گوید . بنا بر این ، بخورید و بیاشامید ، تا آن که ابن أمّ مکتوم اذان بگوید] . فاصله میان [اذان] آن دو ، بیشتر از پایین آمدن این [از بام] و بالا رفتن آن یکی نبود . (۲)* وعن أمير المؤمنين عليه السلام : کتاب من لا يحضره الفقيه : پیامبر خدا ، دو مؤذن داشت : یکی بلال و دیگری ابن أمّ مکتوم . ابن أمّ مکتوم ، نابینا بود و پیش از صبح ، اذان می گفت ؛ اما بلال ، صبح که می شد ، اذان می گفت . پیامبر صلى الله عليه و آله فرمود : «ابن أمّ مکتوم ، شب هنگام ، اذان می گوید . بنا بر این ، هر گاه اذان او را شنیدید ، بخورید و بیاشامید تا آن که اذان بلال را بشنوید» .

اهل سنت ، این حدیث را تغییر داده اند و گفته اند که ایشان صلى الله عليه و آله فرمود : «بلال ، شب هنگام ، اذان می گوید . بنا بر این ، هر گاه اذانش را شنیدید ، بخورید و بیاشامید تا آن که اذان ابن أمّ مکتوم را بشنوید» . (۳)* وفى الخبر : امام صادق عليه السلام : بلال و ابن أمّ مکتوم برای پیامبر صلى الله عليه و آله اذان می گفتند . ابن أمّ مکتوم که نابینا بود شب هنگام اذان می گفت و بلال ، زمانی اذان می گفت که سپیده می زد . از این رو ، پیامبر صلى الله عليه و آله فرمود : «هر گاه صدای بلال را .

- ۱- .. مسند ابن حنبل : ج ۹ ص ۵۵۳ ح ۲۵۵۷۸ و ر . ك : صحیح ابن خزیمه : ج ۱ ص ۲۱۲ ح ۴۰۸ .
- ۲- .. صحیح مسلم : ج ۲ ص ۷۶۸ ح ۳۸ ، سنن النسائی : ج ۲ ص ۱۰ ، سنن الدارمی : ج ۱ ص ۲۸۶ ح ۱۱۷۳ .
- ۳- .. کتاب من لا يحضره الفقيه : ج ۱ ص ۲۹۷ ح ۹۰۵ و ۹۰۶ ، بحار الأنوار : ج ۸۳ ص ۱۱۱ ح ۱۲ .

ص: ۱۰۸

ج پیامبر ، سه مؤذن داشته است

* وفى الخبر : شنیدید ، از خوردن و آشامیدن ، دست بکشید ؛ چرا که وارد صبح شده اید» . (۱)* وعن أبى عبد الله عليه السلام : امام صادق عليه السلام : ابن أمّ مکتوم ، اذان صبح را گفت . مردی بر پیامبر خدا گذشت و ایشان مشغول خوردن سحری بود و او را تعارف به خوردن نمود .

گفت: ای پیامبر خدا! مؤذن، اذان فجر را گفت!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این، ابن اُمّ مکتوم است و او شب هنگام، اذان می گوید. هر گاه بلال اذان گفت، خودداری کن». (۲) ج پیامبر، سه مؤذن داشته است* ومنه عن أمير المؤمنين عليه السلام: الطبقات الكبرى به نقل از عامر پیامبر خدا، سه مؤذن داشت: بلال، ابو محذوره و عمرو بن اُمّ مکتوم. در غیاب بلال، ابو محذوره اذان می گفت و در غیاب ابو محذوره، عمرو بن اُمّ مکتوم. (۳) غفر: فی أسمائه تعالی: أسد الغابه به نقل از ابو عمر: ابو محذوره، مؤذن پیامبر خدا بود. [روزی] پیامبر خدا شنید که او تقلید اذان می کند و از صدای او خوشش آمد. دستور داد که او را به مسجد بیاورند، و او همان روز، اسلام آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله در بازگشت از حنین، به او فرمود که در مکه اذان بگویند و از آن پس، پیوسته در مکه اذان می گفت.

مؤذن دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، ابن مُحیریز بود که پسر عموی ایشان است.

۱-.. الکافی: ج ۴ ص ۹۸ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۴ ص ۱۸۴ ح ۵۱۳، بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۲۶۵ ح ۷.

۲-.. الکافی: ج ۴ ص ۹۸ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۸۳ ص ۱۳۲ ح ۹۸.

۳-.. الطبقات الكبرى: ج ۳ ص ۲۳۴، السنن الكبرى: ج ۱ ص ۶۳۰ ح ۲۰۱۶.

ص: ۱۰۹

غفر: فی أسمائه تعالی: مؤذن دیگر، فرزند ابن مُحیریز بود. سپس اذان به فرزندان ربیع بن سعد بن جُمح رسید.

ابو محذوره، از خوش صداترین مردم بود. روزی عُمر، صدای اذان گفتن او را شنید. گفت: چیزی نمانده که زیر ناف پاره شود. (۱).

۱-.. أسد الغابه: ج ۶ ص ۲۷۳، الاستیعاب: ج ۴ ص ۳۱۴.

ص: ۱۱۰

سخنی درباره تعداد اذان گویان پیامبر خدا

سخنی درباره تعداد اذان گویان پیامبر خدادار روایاتی که ملاحظه شد، مجموعاً چهار نفر به عنوان مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شده اند: بلال، ابن اُمّ مکتوم، عبد العزیز اصم، و ابو محذوره. علاوه بر این احادیث، ابن ابی شیبه، از عبد الرحمان بن ابی لیلی نقل کرده است که: عبد الله بن زید انصاری، مؤذن پیامبر صلی الله علیه و آله بود و اذان و اقامه را دو تا دو تا می گفت. (۱) آنچه از مجموع روایات به دست می آید، این است که بی تردید، مؤذن رسمی پیامبر صلی الله علیه و

آله بلال بوده است ؛ لیکن احیانا در غیبت او و حتی با حضور او ، اما با فاصله ، برخی افراد دیگر هم در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله اذان می گفته اند و اختلاف روایات می تواند ناظر به زمان های مختلف باشد.

۱- .. المصنّف ، ابن ابی شیبہ : ج ۱ ص ۲۳۴ ح ۳ .

ص: ۱۱۱

فهرست مطالب .

ص: ۱۱۲

..

ص: ۱۱۳

..

ص: ۱۱۴

..

ص: ۱۱۵

..

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند ؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در

زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ - ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

